

بررسی عوامل بازدارنده خلاقیت

در مدارس ابتدایی استان

پژوهشگر: نرگس جعفری

ناظر: دکتر یحیی کاظمی

زاهدان - آبان ۱۳۸۳

این تحقیق با کمک مالی شورای تحقیقات آموزشی سازمان آموزش و پرورش استان

سیستان و بلوچستان تهیه شده است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به

تقدير و تشكر

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی عوامل بازدارنده ی خلاقیت در مدارس ابتدایی استان پرداخته است . در این خصوص ده فرضیه مطرح شده است ، فرضیه های پژوهش به ترتیب عبارتند از :

۱- بین میزان استفاده معلمان از روش سخنرانی و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.

۲- بین میزان استفاده معلمان از تشویق و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.

۳- بین میزان استفاده معلمان از تنبیه و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد

۴- بین استفاده معلمان از روشهای سنتی ارزشیابی نهایی (امتحان) با میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.

۵- تأکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتوای کتاب درسی با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.

۶- بین سطح مدرک تحصیلی معلمان با خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد .

۷- بین میزان سابقه خدمت معلمان با خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

۸- بین میزان سابقه «تدریس معلم در پایه اول» با خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد .

۹- بین تعداد دوره های آموزش ضمن خدمت معلمان و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد .

۱۰- استفاده معلم از روش سخنرانی ، تشویق ، تنبیه ، ارزشیابی نهایی ، محتوای کتاب درسی در تدریس ، مدرک تحصیلی معلم ، سابقه خدمت ، سابقه تدریس ، و تعداد دوره های ضمن خدمت معلم،پیش بینی کننده میزان خلاقیت دانش آموزان می باشند.

روش تحقیق از نوع همبستگی می باشد و جامعه آماری را دانش آموزان پایه اول دبستان و معلمان آن ها در کل استان تشکیل می دهند . تعداد آنها حدود ۸۳۰۰۰ نفر برآورد شده است از این میان گروه نمونه با ۵۹۰ دانش آموز و ۵۹ معلم به طور خوشه ای انتخاب شده است ابزار پژوهش ، پرسشنامه « سنجش خلاقیت دانش آموزان » و پرسشنامه «روش تدریس و سوابق معلم » می باشند . روش آماری ، ضریب همبستگی پیرسون و « تحلیل رگرسیون گام به گام » می باشد .

نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان استفاده معلم از روش سخنرانی و خلاقیت دانش آموزان تاثیر معکوس وجود دارد . همچنین بین مدرک تحصیلی ، سابقه خدمت ، سابقه تدریس و میزان دوره های آموزش ضمن خدمت معلم و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد .

با توجه به نتایج رگرسیون گام به گام بیشترین قدرت پیش بینی را دوره های آموزش ضمن خدمت معلم در میزان خلاقیت دانش آموزان به خود اختصاص داده است.

فصل اول

کلیات

اگر چه تمدن و فرهنگ بشری نتیجه تلاش همه آدمیان در تمام دوران هاست. اما غنا و عظمت آن را مدیون گروه کوچکی از انسانها هستیم که کاشف، مخترع، هنرمند یا متفکر نامیده می شوند. از کشف آتش تا اختراع رادیو و سفینه های فضایی، از نقاشی های دیواری در غارها تا آثار هنرمندانی نظیر کمال الملک و از اولین آثار مکتوب تا نوشته ها و سروده های فردوسی همه محصول کار و اندیشه جمعی از افراد بشر است. تمدن بشر مرهون اندیشه خلاق آدمی بوده و دوام آن نیز بدون بهره گیری از خلاقیت که عالی ترین عملکرد ذهن انسان محسوب می شود، غیرممکن خواهد بود (برات، ۱۳۸۲).

روان شناسان و متخصصان آموزش و پرورش به این نکته توجه دارند که موضوع خلاقیت، موضوعی پر اهمیت و زیربنایی است. «سقراط» هدف اصلی تعلیم و تربیت را «پرورش نیروی تفکر در انسان ذکر کرده است» (جلیلی، ۱۳۸۲، ص ۲).

تمام خلاقیت ها و نوآوری های امروز متأثر از آموزش و پرورش و نیروی پنهان آن است. آنچه امروز دیده می شود حاصل کار دست اندرکاران دیروز است و تولید فردا نتیجه خلاقیت امروز خواهد بود.

در جوامع امروزی داشتن افرادی خلاق و نوآور امری حیاتی است. زندگی پیچیده ی امروزی ما هر لحظه در حال نو شدن است و خلاقیت و نوآوری، ضرورت استمرار زندگی فعال است. انسان برای خلق نشاط و پویایی نیازمند ابتکار است،

امروزه شعار «نابودی در انتظار شماست مگر اینکه خلاق و نوآور باشید» در پیش روی همه برنامه ریزان و سیاست گذاران است. و مدیران آموزش و پرورش از آنجایی که وظیفه فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش و خلاقیت و نوآوری کودکان و همچنین استفاده صحیح و جهت دار از استعدادها و تواناییهای آنها را بر عهده دارند: فرصت زمینه سازی فرهنگی ، اقتصادی، اجتماعی و ... را در اختیار دارند.

خلاقیت ، فعالیتی فکری و در عین حال مبتنی بر اطلاعات است. اگر تفکر را عامل یا جریان اصلی خلاقیت بدانیم ، اطلاعات نیز ماده اولیه یا اساسی آن محسوب می شود. نکته حائز اهمیت آن است که اندیشه های حاصل از خلاقیت (پردازش متفکرانه اطلاعات) باید به گونه ای پرورش یابد که در ارتباط با شرایط دنیای واقعی به نوآوری در آموزش و پرورش بیانجامد. تا قرن اخیر، بسیاری بر این باور بودند که ابداع و خلاقیت یک خصوصیت ذاتی است و برخی افراد با این توانایی متولد می شوند. امروزه ثابت شده است که این استعداد در نوع بشر به اندازه ی حافظه عمومیت دارد و می توان آن را با کاربرد اصول و فنون معین و ایجاد طرز تفکرهای جدید و ایجاد محیطی مناسب پرورش داد (جلیلی ، ۱۳۸۲، ص ۳). این رسالت بزرگ را مدارس بر عهده دارند و در مدارس، این وظیفه را معلمین با روشهای تدریس مناسب، برخورد شایسته ، همچنین بکارگیری به موقع سایر عوامل می توانند تحقق بخشند.

یکی از اهدافی که آموزش و پرورش باید به آن بپردازد، پرورش توانایی تفکر در یادگیرندگان (دانش آموزان) است (مهرمحمدی، ۱۳۶۹).

۱- مسئله ی پژوهش

خلاقیت یک موهبت الهی است. از آنجایی که اساس پیشرفت جوامع و مانع وابستگی آنان به بیگانگان است. همه جوامع به افراد خلاق نیاز مبرم دارند. آن چه مهم است فراهم نمودن شرایط رشد و بالندگی و حذف عوامل بازدارنده ی تفکر خلاق در نظام آموزش و پرورش است.

معلمان می توانند با خلاق بودن خود، خلاقیت را در دانش آموزان نیز پرورش دهند. با پرورش خلاقیت در دانش آموزان، می توان دید آنان را نسبت به محیط اطراف گسترش داد. بینش آنان را دقیقتر کرد و نگاه آنان را به محیط پیرامون، همراه با تفکر منطقی رشد داد.

افراد خلاق به منزله نیروهای جهش یافته ای هستند که کلیه توان و رشد جامعه را در دست دارند. رابطه جامعه با خلاقیت به منزله رابطه روح با بدن است. بنابراین شناخت خلاقیت اجتماع بشری را به وجد و نشاط می آورد. بسیار عاقلانه به نظر

می رسد که به جای غرامت عقب ماندگی از شناخت و پرورش خلاقیت و حذف عوامل بازدارنده ی آن هزینه پردازیم (حسنی ، ۱۳۸۰ص ۱۳) .

پرورش خلاقیت کودکان کار آسانی نیست و نیاز به اعتقاد ، عزم راسخ و تعهد والدین و معلمان و مربیان دارد. تمام کودکان نمونه های خارق العاده ای هستند. آنها می توانند خلاق بوده و در بزرگی نیز می توانند خلاق باقی بمانند. خلاقیت تنها مختص افراد «استثنایی» و «تیزهوش» نیست هر چند ممکن است این افراد دارای نیروی بالقوه بیشتری برای استفاده در راههای خلاق باشند (قاسم زاده، ۱۳۷۷، ص ۷) .

خلاقیت ، به عنوان تجسم و پیش بینی و ایجاد اندیشه های نو ، ویژگی ممتاز انسان از حیوان و ماشینهای رایانه ای تلقی می شود و نقش بنیادی آن در پویایی جامعه و رشد اقتصادی و تکامل فرهنگ محسوس است. بنابراین لازم است ما در پی دانش آموزانی باشیم که تعلیم و تربیت را تلاش در جستجوی معنا تلقی کنند. نه جمع آوری نمره های قبولی ؛ تحقیق را دوست داشته باشند ، به کشف رشته های جدید فکری دست زنند ؛ بدانند چطور وقت خود را تنظیم کنند. خوب بخوانند ، از منابع دانش به طور مؤثر استفاده کنند و در انجام دادن تعهداتی که از عضویت آنها در مدرسه ناشی می شود کوشا باشند. (رابرت بیلر ، ۱۹۸۹، ص ۳۹۱) اکنون این واقعیت غیرقابل انکار است که تقریباً همه کودکان می توانند خلاق تر شده و با

خلاق تر شدن زندگی درخشان تری را ادامه داده و با یکدیگر بهتر زندگی کنند
(السیورن ، ۱۹۹۲).

متأسفانه در مدارس کنونی، معلمان می کوشند تا اطلاعات وسیع و پراکنده را از دل فرهنگها و دایره المعارفها بیرون بکشند و به ذهن کودکان منتقل نمایند. آنها دانش را با اطلاعات آشفته اشتباه گرفته اند چون دانش باید تدبیری باشد که فرد را هنگام برخورد با مسائل زندگی هدایت کند، نه این که او را وادار به حفظ کردن تدبیرهای پیشینیان نماید در جهانی که با تغییرات سریع و پرشتاب همراه است، پیش بینی اینکه در آینده چه دانشهایی برای برخورد با محیط لازم است ، کاری بس مشکل و در عین حال ضروری می باشد. دانش نظری محض که با فعالیتهای عملی کودکان ارتباط نداشته باشد، نه تنها سودی ندارد بلکه زیان بار نیز می باشد. پس اطلاعاتی که از فعالیت کودک نشأت نگیرد و با عمل توأم نباشد برای او بی معناست. دانش نظری، پلی است که ذهن کودک را از شک و تردید به کشف و یقین می رساند. این پل نمی تواند شخص را به حرکت وادارد ولی عبور او را تسهیل می کند. کودک را واجد دانش نمی کند، بلکه او را در راه کسب دانش تحریک می کند. مجموعه اطلاعاتی که در کتابهای درسی می آید برای کودک عصر ما دانش نیست بلکه محرکی است به سوی دانش و محرک به خودی خود ارزشی ندارد، بلکه ارزش آن در پاسخی است که در شخص پدید می آورد (حسنی، ۱۳۸۰، ص ۲). بنابراین بهتر است به جای آنکه به فکر افزایش اطلاعات و یادگیری های دانش آموزان باشیم به اصلاح و تغییر

نظام آموزشی پرداخته شود تا روش های آموزشی و تربیتی بهبودی یابند و مسیر آموزش به سمت پرورش افراد خلاق و مولد اطلاعات تغییر یابد تا با امکانات موجود دستاوردهای بزرگی در جامعه بدست آید.

نظام تعلیم و تربیت باید به دانش آموزان کمک کند تا درک عمیقی از جهان بدست آورند و آنها را به ادامه یادگیری مشتاق کند.

چه باید کرد که یادگیری بیشتر هدف باشد تا وسیله (مثلاً وسیله ای برای کسب نمره های بالا) ؟ معلمان چگونه می توانند آموزش را طوری تنظیم کنند تا دانش آموزان کلاسهای خود را نه با آهی حاکی از خلاص شدن و نه با فکر فراموش کردن همه آنچه یاد گرفته اند ، بلکه با شوق به یادگیری هر چه بیشتر درک کنند؟ چگونه می توانند رویه هایی را که موجب از بین رفتن خلاقیت در سالهای اول مدرسه می شود از بین ببرند و به جای آن ، دانش آموزان را تشویق کنند تا خود را آزادانه و از راههای بدیع و شخصی بیان کنند ؟ چگونه معلمان می توانند دانش آموزان را تشویق کنند تا افکار خود را با هم در میان بگذارند ، نه اینکه آنها را مخفی کنند تا فرصت برتری خود از دیگران را به مخاطره نیندازند ؟ چگونه معلمان می توانند همکاری ، درک دو جانبه ، همدردی و دلسوزی را تشویق کنند ؟ دانش آموز به «حفظ کردن و پس دادن» و اجبار به تحویل صرف آنچه معلم می خواهد کاست ؟ چگونه معلمان می توانند تفکر مستقل را در دانش آموزان تشویق کنند ؟

(رابرت بیلر، ۱۹۸۹، ص ۴۰).

رابرت میگر (۱۹۶۸) معتقد است که اولین هدف معلمان باید این باشد که کاری کنند دانش آموزان در اضطراب به کار بردن آنچه آموخته اند نباشند و مشتاق باشند که بیشتر بیاموزند.

در شرایط کنونی، خلاقیت نه یک ضرورت، بلکه شرط بقاست. بنابراین نظام آموزشی بر تربیت و پرورش افرادی که قادر به حل خلاق مسائل غیرقابل پیش بینی باشند تأکید می ورزد (قاسم زاده، ۱۳۷۳).

بررسی رابطه بین خلاقیت و آموزش نشان می دهد که بر خلاف دیدگاه نظریه پردازان گذشته که خلاقیت را توانایی ارثی و ذاتی تلقی می کردند، امروزه می توان آن را به ویژه برای کودکان و نوجوانان آموزش داد.

مطالب فوق بیان کننده تأثیر متفاوت روشهای گوناگون تدریس در پرورش خلاقیت دانش آموزان همچنین آموزش پذیر بودن آن می باشد. بنابراین شناسایی و حذف عوامل بازدارنده تفکر خلاق در مدارس از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

در این پژوهش محقق قصد دارد به بررسی عوامل بازدارنده ی تفکر خلاق در دانش آموزان پرداخته و عوامل افزایش دهنده خلاقیت را در کودکان مورد بررسی قرار دهد.

نتایج این پژوهش می تواند پاسخ سئوالات زیر را روشن نماید :

- آیا بین میزان استفاده معلمان از روش سخنرانی و خلاقیت دانش آموزان همبستگی منفی وجود دارد؟

- آیا بین میزان استفاده معلمان از روشهای رفتارگرایانه و خلاقیت دانش آموزان رابطه عکس وجود دارد؟

- آیا استفاده معلمان از روشهای سنتی ارزشیابی تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد؟

- آیا تأکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتوای کتاب درسی تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد؟

- آیا پایین بودن تخصص معلمان تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد؟ و ...

این پژوهش می تواند با پیشنهاد روشهای پرورش خلاقیت به والدین ، مربیان، آموزگاران و دست اندرکاران تعلیم و تربیت ، همچنین پر کردن خلاء تحقیقات موجود پیرامون عوامل بازدارنده تفکر خلاق در مدارس کشورمان راهگشا و مفید باشد .

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه در عصر گسترش روز افزون علوم و فنون و حاکمیت صنایع و تکنولوژی برتربر همه ابعاد و جنبه های زندگی ، مسئله ای که بیش از هر چیز دیگر توجه کارگزاران جوامع را به خود جلب کرده است، مسأله خلاقیت ، نوآوری ، هدایت و حمایت از صاحبان اندیشه های خلاق است. لذا بحث درباره ی «خلاقیت» به

معنی سخن گفتن درباره با ارزش ترین و سرنوشت سازترین مفاهیم و پدیده هاست بنابراین طرح چنین موضوع حیاتی در جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از مهمترین وظایف دست اندرکارن نظام تعلیم و تربیت کشور ما ، تربیت افرادی است که وجودشان سرشار از خلاقیت در زمینه های مختلف باشد تا این افراد بتوانند در آینده بار مهمی از وظایف و مسئولیتهای علمی ، فرهنگی، هنری، اجتماعی جامعه را بر دوش بکشند و یکی از مهمترین مکانهایی که می توان در آن افراد خلاق بار آورد محیط های آموزشی و بویژه مدارس هستند و معلمان از جمله افرادی هستند که می توانند با تفکر خلاق سبب بروز خلاقیت دانش آموزان گردند و بالعکس می توانند با اعمال شیوه های نامناسب سبب عقیم ماندن خلاقیت آنان شوند (جلیلی ، ۱۳۸۲، ص ۷) .

نظامهای آموزشی در عرصه جدید لازم است وضعیت خود را از حالت سنتی و ناکارآمد به نظام خلاق و پویا تبدیل نمایند. و روشهای غیرخلاق را کنار گذاشته و هر چه بیشتر از روشهای فعال استفاده نمایند (حسنی ، ۱۳۸ ص ۴). بنابراین خلاقیت باید جزیی از زندگی روزمره ی تمام کودکان باشد. حیاتی ترین عامل در خلاقیت، انگیزه ی انجام کار خلاق می باشد. محیط اجتماعی کودکان (خانه و مدرسه) تأثیر قابل ملاحظه ای در انگیزه آنها دارد و از نقطه نظر علمی تأکید بر روی انگیزه خلاق بودن مفیدتر از تاکید بر روی استعداد می باشد و برای والدین و معلمان و مربیان

بهبود محیط خانه و مدرسه ی کودک بسیار آسان تر از تغییر شخصیت کودک و یا افزایش مؤثر انبار استعدادهای وی است.

دانش و آموزشی که با تفکر پیوند نخورده ، مرده ، جامد و مانع خلاقیت است و کسی که ذهنش را با چنین دانشی پر کند هیچ گاه از تفکر مستقل بهره مند نخواهند بود، دانش بدون تفکر بزرگترین دشمن خلاقیت بوده و به آسانی شخص را به خودبینی و نخوت و کوتاه نظری می کشاند.

یافته های تحقیقات متعدد نشانگر وجود قوه خلاقیت در همه افراد است و با توجه

آموزش پذیر بودن ویژگی خلاقیت در وجود همگی افراد لزوم برنامه ریزی اساسی و حذف موانع خلاقیت بیشتر احساس می شود (حسنی ، ۱۳۸۰، ص ۵).

ضرورت بررسی عوامل بازدارنده تفکر خلاق در کودکان دبستانی پایه اول به این دلیل است که بر اساس تحقیقات تورنس ، خلاقیت تا سن ده سالگی حالت تصاعدی داشته و از آن به بعد، به دلیل شیوه های ارزیابانه حاکم بر مدارس که کودکانی را که با نظام آموزشی هماهنگ باشند، پاداش می دهد، دچار رکود می شود و همچنین چون بعد از این سن کودکان می خواهند خود را با شرایط محیطی و دیگران سازگار نمایند. از پاسخهای خودجوش آنها ممانعت به عمل می آید، بنابراین بهترین سن آموزش خلاقیت کلاس دوم است. (حسنی ، ۱۳۸۰، ص ۶) با توجه به اینکه روش تدریس و عملکرد معلمان در سالهای مختلف آموزشی بر خلاقیت دانش

آموزان تأثیر دارد به منظور بررسی عوامل بازدارنده ی تفکر خلاق ؛
دانش آموزان پایه اول دبستان انتخاب شده اند.

۲- اهداف پژوهش

الف) هدف کلی :

هدف کلی این پژوهش بررسی عوامل بازدارنده تفکر خلاق در مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان می باشد ؛ که در راستای تحقق این هدف دستیابی به اهداف جزئی زیر مدنظر می باشد.

ب) اهداف جزئی :

- ۱- بررسی روشهای انضباطی و تدریس بازدارنده پرورش تفکر خلاق.
- ۲- بررسی رابطه بین میزان سوابق تخصصی معلمان و پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان آنها.
- ۳- بررسی تأثیر جنسیت دانش آموزان بر عوامل بازدارنده پرورش تفکر خلاق.
- ۴- فرضیه های پژوهش
- ۱- بین میزان استفاده معلمان از روش سخنرانی و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.
- ۲- بین میزان استفاده معلمان از تشویق و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.
- ۳- بین میزان استفاده معلمان از تنبیه و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.
- ۴- استفاده معلمان از روشهای سنتی ارزشیابی نهایی (امتحان) خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.
- ۵- تأکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتوای کتاب درسی تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.

- ۶- پایین بودن مدرک تحصیلی معلمان با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد .
- ۷- پایین بودن سابقه خدمت معلمان با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد .
- ۸- پایین بودن سابقه «تدریس معلم در پایه اول» با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد .
- ۹- پایین بودن تعداد دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاه های آموزشی معلمان تاثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد .
- ۱۰- استفاده معلم از روش سخنرانی ، تشویق ، تنبیه ، ارشیابی نهایی ، محتوای کتاب درسی در تدریس ، مدرک تحصیلی معلم ، سابقه خدمت ، سابقه تدریس ، و تعداد دوره های ضمن خدمت معلم ، پیش بینی کننده با میزان خلاقیت دانش آموزان می باشند .

معرفی نوعی متغیرها :

- متغیر وابسته : خلاقیت دانش آموزان

- متغیرهای مستقل :

- ۱- میزان استفاده معلمان از روش سخنرانی
- ۲- میزان استفاده معلمان از تشویق .
- ۳- میزان استفاده معلمان از تنبیه .
- ۴- میزان استفاده معلمان از امتحان
- ۵- میزان تأکید معلمان بر مطالب و محتویات کتاب درسی
- ۶- سطح مدرک تحصیلی معلم .
- ۷- میزان سابقه خدمت معلم
- ۸- میزان سابقه تدریس معلم در پایه اول .
- ۹- تعداد دوره های ضمن خدمت معلم .
- متغیر تعدیل کننده : مناطق و شهرستانهای مختلف

-

تعریف نظری: فرهنگ علوم تربیتی خلاقیت را عبارت از استعداد و توانایی پیدا کردن راه حل تازه برای حل یک مشکل، یا سبک و روشهای نو برای تعبیرهای هنری دانسته است و گیلفورد خلاقیت را نوعی توانایی فکری می داند و معتقد است که اطلاعات گذشته به هم نزدیک می شود و محصولی جدید ایجاد می کند (آرمند، رشد معلم، ۱۳۷۳، ص ۱۰۳).

- خلاقیت عبارت است از توانایی فرد برای تولید ایده ها، نظریه ها، پیشنهادها و یا اشیاء جدید و بدیع و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه ها، که توسط متخصصان اصیل و از نظر علمی، زیباشناسی، تکنولوژی و اجتماعی با ارزش تلقی شود (شهرآرای، ۱۳۷۴).

- خلاقیت عبارت است از طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه قبلاً طی شده به طرز نوین (نکویی، مجله ی استعدادهای درخشان، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

- خلاقیت یعنی تشخیص، بصیرت، دریافت، درک و انتخاب (ساعتچی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۰) - خلاقیت عبارت است از توانایی تلفیق ایده ها به شیوه ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیرمعمول بین ایده های مختلف (آرمند، ۱۳۷۳، ص ۱۰۱).

— «مزلو» خلاقیت را چنین تعریف می کند: خلاقیت در ابتدا از روان ناهشیار سرچشمه می گیرد. ایده های تازه (و یا نوآوری واقعی) است که با آنچه در حال حاضر وجود دارد کاملاً متفاوت است (حسنی، ۱۳۸۰، ص ۸).

- خلاقیت یک حالت ذهنی است که باید نبوغ نامیده شود (ارنست دیمنه، ۲۰۰۰)

- خلاقیت رایحه دل انگیز سلامت واقعی است، وقتی شخص واقعاً سالم و منسجم بود، در خلاقیت به طور طبیعی به روی او باز می شود و میل شدیدی به ابتکار و سازندگی در او ایجاد می گردد خلاقیت یعنی عرضه چیزی نو به هستی، باز کردن راه نفوذ ناشناخته به شناخته، باز کردن روزنه ورود آسمان به زمین. خلاقیت بزرگترین عصیان در عالم هستی است. برای خلق کردن باید از همه قید و بندها رها شد. فرد زمانی می تواند خلاق باشد که فردیت خویش را دریابد. فرد خلاق نمی تواند راه رفته را طی کند، بلکه باید تنها گذر کند و راه خود را در میان جنگلهای انبوه زندگی بیابد (أشو، ۲۰۰۱، ص ۸).

خلاقیت به هیچ کار خاصی ربط ندارد. خلاقیت با کیفیت آگاهی انسان سرو کار دارد. هر عملی که از ما سر می زند می تواند خلاقانه باشد و هر کاری که انجام می دهیم می تواند خلاقانه باشد در صورتی که بدانیم خلاقیت یعنی چه؟ خلاقیت در حقیقت محصول نوعی خیال پردازی است فرد خلاق خیال پردازی می کند و رؤیاهایش دنیا را غنا می بخشد. سراسر تکامل انسان و آگاهی او به وجود همین خالپردازان بستگی داشته است. خلاقیت یعنی میدان دادن به نو، بدیع، نسخه اصل و

دست اول. خلاق یعنی دست نخورده و تازه ، ناشناخته. خلاق کسی است که چیزی از ناشناخته را با خود به دنیای شناخته به ارمغان بیاورد. کسی که خداوند پیامش را از طریق او به گوش دیگران می رساند.

خلاقیت از آن خالق است از انسان یا از سوی او نیست وقتی فردیت انسان محو شد، خلاقیت رخ مینماید. و آن وقتی است که خالق فرد را مسخر خویش می سازد. آفرینشگران واقعی خوب می دانند که خود خالق نیستند ، بلکه وسیله اند ، رابط غیب اند. آفرینش اوج خلاقیت است ، کسانی که می آفرینند خدا را پیدا می کنند (أشو، ۲۰۰۱، ص ۲۲۰).

- پال توئیچل در تعریف خلاقیت چنین نوشته : خلاقیت رها کردن انرژی از طریق یک تصویر، آئین ، مراسم، موسیقی ، کوزه گری ، ادراک الهامی ، موعظه و هر نمود دیگری که عامل رهاسازی این انرژی گردد که این رهاسازی انرژی در بعضی ها در خدمت به کل عالم و برای دیگران در آثار هنری ، ادبیات ، موسیقی و سایر بسترهای مناسب خلاقیت به ظهور می رسد.

تعریف عملیاتی: در این تحقیق منظور از خلاقیت نمره ای است که دانش آموزان از طریق آزمون محقق ساخته خلاقیت بدست می آورند این آزمون به سبک آزمون گیلفورد طراحی شده است. و دارای سه مؤلفه (سیالی، انعطاف و ابداع) می باشد.

تعریف نظری: روش سخنرانی در نظام های آموزشی سابقه ای طولانی دارد. آرایه مفاهیم یا بیان شفاهی از طرف معلم، و یادگیری آن از طریق گوش کردن و یادداشت بر داشتن از طرف شاگرد، اساس کار این روش را تشکیل می دهد. در این روش یک نوع انتقال و رابطه ذهنی بین معلم و شاگرد ایجاد می شود.

خصوصیات روش سخنرانی عبارتند از:

- فعال و متکلم وحده بودن معلم، و پذیرنده و غیر فعال بودن شاگرد
- در فرآیند تدریس تمام عوامل تحت کنترل معلم بوده و او می تواند به هر ترتیبی که خودش می پسندد پیرامون موضوع مورد نظر سخن بگوید و هر وقت لازم بداند آن را پایان می دهد.
- در این روش انتقال پیام، یک جریان فکری یک طرفه از طرف معلم به شاگرد است (شعبانی ۱۳۷۱ص ۲۸۶).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق منظور از روش سخنرانی روشی است که دانش آموزان شنونده بوده و در جریان یادگیری هیچ فعالیتی ندارند و میزان استفاده معلم از روش سخنرانی از طریق پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می شود.

۳- استفاده معلمان از تشویق

تعریف نظری: تشویق یک تجربه رضایت بخش و خوشایند است که نتیجه یک رفتار خاصی می باشد و شخص را به تکرار رفتار قبلی علاقمند می سازد.

تعریف عملیاتی: در این پژوهش منظور از تشویق استفاده معلم از عوامل تشویق از قبیل تشویق کلامی، تحسین و جایزه در جریان تدریس کلاس داری است که میزان استفاده از این عوامل از طریق پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می شود.

۴- استفاده معلمان از تنبیه:

تعریف نظری: رایج یک محرک آزار دهنده برای تغییر رفتار را تنبیه گویند.

تعریف عملیاتی: در این پژوهش منظور از تنبیه استفاده معلم از عوامل تنبیه از قبیل تنبیه جسمی، تنبیه کلامی و جریمه در جریان تدریس کلاس داری است که میزان استفاده از این عوامل از طریق پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می شود.

۵- امتحان

تعریف نظری: موانع بروز خلاقیت امروزه در میان معلمانی که صمیمانه می خواهند خلاقیت را پرورش دهند، یافت می شود. امتحان و ارزیابی به صورت نمره دادن وجود دارد. امتحانات می تواند اثرات منفی بر روی خلاقیت دانش آموزان باقی بگذارد. حتی اگر ارزیابی معلم فقط شفاهی بود و نتایج مثبتی رایج نماید باعث میشود کودکان دائماً در انتظار ارزیابی معلم به سر برده و در نتیجه گرایش به داشتن انگیزه کمتری برای خلاقیت خواهند داشت (قاسم زاده، ۱۳۷۷ص ۹۸).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق میزان استفاده معلم از امتحان با کمک پرسشنامه محقق ساخته در دو زمینه سنجیده می شود:

۱- تعداد دفعات امتحان.

۲- میزان اهمیت دادن معلم به امتحان و نتایجی که دانش آموزان از امتحان کسب

می نمایند. ۶۰- تاکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتویات کتاب درسی

در این پژوهش منظور از تاکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتویات کتاب

درسی این است که معلم دانش آموزان را به سمت مطالعه کتاب های غیر درسی و

یادگیری های جانبی ترغیب نکرده و محور تدریس خویش را کتاب های درسی و

معین قرار دهد. که این متغیر با کمک پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می شود.

۷- سطح مدرک تحصیلی معلم

۸- میزان سابقه خدمت معلم در آموزش و پرورش

۹- میزان سابقه تدریس معلم در پایه اول

۱۰- تعداد دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاه های آموزشی که معلم شرکت نموده است .

موارد ۷ ، ۸ ، ۹ و ۱۰ با کمک پرسشنامه محقق ساخته سنجیده می شود .

فصل دوم

پیشینه تحقیق

مقدمه

هدف آموزش باید پرورش انسانهایی باشد که بتوانند با فکری خلاق با مشکلات روبه رو شده و به حل آنها بپردازند ، صاحبان نظران بیان می کنند با ورود به هزاره سوم ضروری است مردم مهارتهایی را آموزش ببینند که از آنها می توان به خلاقیت و برقراری ارتباط مؤثر اشاره کرد. بگونه ای که انسانها بتوانند بخوبی با

یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره گیری از خرد جمعی و زایش افکار نو مشکلات را از میان بردارند.

امروزه مردم ما نیازمند آموزش خلاقیت هستند ، آنچنان که لحظه به لحظه محیط اطراف خویش را کاوش نموده و با خلق افکار نو به سوی یک جامعه سعادت‌مند قدم بردارند.

نتایج تحقیقات صورت گرفته در دهه «۱۹۹۰» نشان می دهد : «خلاقیت در بین اجتماعی از انسانها متجلی می شود که از مرحله همدلی با یکدیگر گذر کرده اند . در این مرحله انسانها به سرنوشت یکدیگر حساسند و در جهت رشد یکدیگر می کوشند و هر کس خود را پل پیروزی دیگری قرار می دهد و در نهایت سبب می شود جریانی از علم و دانش و تجربیات میان آنها جاری شود که همین امر زمینه ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود.»

نوع خلقت آدمی به گونه یی است که او پرسشگر به دنیا می آید ، اوج پرسشگری و خلاقیت در ابتدای زندگی انسان شکل می گیرد به عبارتی انسان با روحیه خلاق پا به دنیا می گذارد و تنها این بزرگسالان هستند که به واسطه جهل، این روحیه را نابود می کنند. در کشورهای جهان سوم ، انسان ها بیشتر دوست دارند که از کودکان ، انسانهایی مطیع و حرف گوش کن پدید آورند و برای رسیدن به این هدف نخستین اقدام ، قربانی کردن روح خلاقیت در وجود کودکان است و در

همین مرحله مهم زندگی است که انسان شانس تبدیل شدن به یک انسان خلاق را برای همیشه از دست می دهد.

دکتر «جرج میدل» ، برنده جایزه نوبل بیان می کند : آموزشهای فعلی باعث می شود فرصتهای آموزشی برای کودکان از دست برود ، زیرا قدرت آموختن کودک مهم شمرده نمی شود و آموزش درستی به کودکانی که به آموزش عشق می ورزند داده نمی شود.

«البرت اینشتین» در خاطرات خود بیان می کند : «نظریه نسبیت نمی توانسته در دوران بزرگسالی من شکل گرفته باشد ، زیرا آدمی در بزرگسالی فرصتی برای اندیشیدن به فضا و زمان ندارد. اینها چیزهایی است که وقتی کودک بودم به آن فکر کرده ام.»

«اریک اریکسون» ، روانشناس بزرگ ، از استادی در وجود آدمی نام می برد که او را «کودک فاتح» می خواند و «اریک برن» از موجودی در درون انسان نام می برد که به آن پرفسور کوچولو می گوید.

یکی از راههایی که بزرگترها می توانند سبب جاری شدن رودخانه ی اندیشه کودکان به دریای خلاقیت خود شوند، مشاهده رفتار کودک و دقت در رفتارهای جست و جو گرانه آنها است. بی شک دانشمندان نیز رفتاری کودکانه دارند و این همان پرفسور کوچولویی است که اکنون تکامل یافته است (میرزاآقایی ، ۱۳۸۲) .

خلاقیت یک موهبت الهی است، همه جوامع به خلاقیت نیاز مبرم دارند، خلاقیت اساس پیشرفت و مانع وابستگی به بیگانگان است. در حالی که بسیاری از معلمان و مدیران به هیچ وجه علاقه ای به این موضوع نشان نمی دهند، در مراکز تربیت معلم نیز در مورد موضوع خلاقیت هیچ کاری صورت نمی گیرد و در کلاس های درس نیز با تأسف فراوان فقط به محفوظات و مطالب حفظی توجه می گردد (حسنی، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

سن ورود به مدرسه سن بسیار حساس و بحرانی در ارتباط با خلاقیت های ذهنی است. عواملی چون تکالیف درسی، تأکید بر محفوظات، اجرای برنامه های هماهنگ و انتظار رفتارهای یکسان از کودکان، عدم توجه به تفاوت های فردی، عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگی های کودکان خلاق سبب می شود که قدرت خلاقیت آنان بتدریج کاهش یابد.

خانواده مهمترین نقش را در کنترل و هدایت تخیل و ظهور خلاقیت در کودکان بر عهده دارد. اگر خانواده فرصت های لازم برای سؤال کردن، کنجکاوی و کشف محیط به کودکان بدهد و هرگز آنها را تنبیه نکند، زمینه را برای رشد خلاقیت فراهم می کند. تنبیه و تهدیدهای مکرر والدین، آفت خلاقیت های ذهن کودک است. فرزندان خلاق در خانه به آرامش روانی، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس قوی نیاز دارند (برات، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

با پرورش خلاقیت در کودکان می توان دید آنان را نسبت به محیط اطراف گسترش داد، بینش آنان را دقیق تر کرد و نگاه آنان را به طبیعت پیرامون ، همراه با تفکر منطقی رشد داد.

مدیران و معلمان می توانند با خلاق بودن خود، خلاقیت را در دانش آموزان نیز پرورش دهند. تمام عناصر درگیر با خلاقیت باید عواملی چون ، اندیشه خلاق، انعطاف پذیری در مسائل ، ایجاد امکانات پیشرفت خلاقیت و ... را در دانش آموزان پرورش دهند، چرا که موضوع اصلی پیشرفت جوامع خلاقیت است. و افراد خلاق به منزله ی نیروهای جهش یافته ای هستند که کلید توسعه و رشد را در دست دارند. بنابراین شناخت خلاقیت ، اجتماع بشری را به وجد و نشاط می آورد. بسیار عاقلانه به نظر می رسد که به جای غرامت عقب ماندگی از شناخت و پرورش خلاقیت برای پرورش آن هزینه بپردازیم (حسنی ، ۱۳۸۰ ، ص ۳۸).

در این فصل به ادبیات و پیشینه تحقیق پرداخته شده است. آنچه در این فصل عنوان شده ، چکیده ای از مطالعات وسیع درباره ی موضوع مورد تحقیق و موضوعات مشابه است که در کتاب ها ، مقالات ، پژوهش ها و پایان نامه ها آمده است. بدین ترتیب ، خواننده با مطالعات و تحقیقات و نوشته های دیگران در این زمینه آشنا می شود و از طرفی می تواند بستر ساز مطالعات و تحقیقات دیگر باشد زیرا صاحب نظران معتقدند « اساس تحقیقات علمی بر فراهم سازی هرگونه آگاهی در حوزه مورد نظر پایدار است » (جلیلی ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۲).

ماهیت خلاقیت

خلاقیت عبارت است از طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه قبلاً طی شده به طرز نوین (نکویی، ۱۳۷۸) و ساعتچی (۱۳۷۷) خلاقیت را تشخیص - بصیرت - دریافت مدرک و انتخاب نامیده است. همچنین «گیلفورد» خلاقیت را نوعی توانایی فکری می داند و معتقد است که اطلاعات گذشته به هم نزدیک می شود و محصول جدید ایجاد می کند. به تعبیری خلاقیت، بزرگترین عصیان در عالم هستی است. برای خلق کردن باید از همه قید و بندها رها شد، فرد زمانی می تواند خلاق باشد که فردیت خویش را دریابد، فرد خلاق نمی تواند راه رفته را طی کند بلکه باید راه خود را بیابد و تنها گذر کند. می توان با نابود ساختن ذهن جمعی، تک تک افراد را آزاد ساخت تا بتوانند خودشان باشند. (البته به نحوی که مزاحم کار دیگران نباشند)

خلاقیت به سبکها و صورتهای مختلف هنری، احساسی، کلامی، عاطفی، عقلانی، ابزاری و غیره می تواند وجود داشته باشد. هیچ فردی نمی تواند بر اساس نظر و دیدگاه فردی و غیرعلمی خودش آن را تنها به یک شکل و صورت عنوان کند و تنها ساختن یک وسیله یا ابزار تازه مکانیکی نباید خلاق بودن یک انسان را نشان دهد. وقتی ما خلاقیت و نوآوری را تنها در یک بعد ملاحظه نکنیم متوجه می شویم که ملاصدرا و ابوعلی سینا نیز چون ادیسون انسانهای خلاق بوده اند. بنابراین خلاقیت هم از نظر نوع و هم از نظر فاعل و عامل خلاقیت وسیع و گسترده است.

اساس نوآوری و خلاقیت در نواندیشی نهفته است. بنابراین دانش آموز، معلم، مدیر و والدین اگر نواندیش نباشند، نمی توانیم در جهت خلاقیت آنان تلاش کنیم. به همین دلیل مفهوم نواندیشی که با تغییر در سازمان بندی ذهنی بسیار همپوشی و نزدیکی دارد اولین گام حرکتی ما در رشد خلاقیت و نوآوری آموزشی است. به عبارت دیگر شرط اول دستیابی به خلاقیت و نوآوری آموزشی ایجاد تغییر در سازمان بندی ذهنی است (کردی، ۱۳۷۹ ص ۳۱).

روند شکل گیری خلاقیت

در گذشته عقیده بر این بود که «خلاقیت یک موهبت الهی است و چیزی نیست که بتوان آن را پرورش داد و یا به دیگران منتقل کرد. این موهبت تحت اختیار افرادی خاص بود و آنان در هر جایی که نیاز داشتند، از آن بهره می بردند و اختراعات و اکتشافات مختص این افراد بود و انتقال آن به دیگران، امکان نداشت. اما در حال حاضر، دانشمندان عقیده دارند که خلاقیت خصیصه ای نیست که در اختیار افراد معدودی قرار گرفته باشد، بلکه همه انسانها به نحوی از آن برخوردارند اما امکان بروز آن در افراد گوناگون فرق دارد (جلیلی، ۱۳۸۲).

همچنین در گذشته، خلاقیت پدیده ای مترادف با نبوغ تلقی می شد. بنابراین هر جا سخن از خلاقیت به میان می آمد بلافاصله معنای نبوغ به ذهن خطور می کرد. این تعبیر تاریخی، قدمتی دو هزار ساله دارد. تا اینکه در قرن نوزدهم تمایز بین خلاقیت

و نبوغ مطرح شد و نزدیک به نیم قرن طول کشید تا خلاقیت به طور علمی و دقیق مطالعه شد.

تحقیقات تجربی و گسترده مربوط به خلاقیت به طور عمده از اواخر دهه ۱۹۵۰ در ایالات متحده آمریکا آغاز شده است. هر چند پیش از این نیز مطالعاتی محدود توسط «گالتون، والاس، پاتریک راس من» و دیگران در زمینه خلاقیت صورت گرفته بود ولی تا آن زمان خلاقیت به عنوان موهبتی که به افراد قلیلی از اجتماع اعطا شده، در نظر گرفته می شد.

«گیلفورد» یکی از پیشگامان این گرایش به حوزه خلاقیت محسوب می گردد.

هدف پروژه تحقیقاتی گیلفورد و همکاران وی آن بود که درباره ماهیت هوش انسان و فرآیند ذهنی که منجر به ظهور رفتار خلاق می شود، تحقیق کند. گروه گیلفورد موفق شد

قابلیت هایی نظیر سیالی ذهن، انعطاف پذیری و حساسیت نسبت به موضوع را کشف کند. پس از گیلفورد گروه «بارون و مک گیلان» با هدف تعیین ویژگی های شخصیتی افراد خلاق تحقیقات دامنه داری را در دانشگاه کالیفرنیا انجام دادند. همچنین تحقیقات «پل تورنس» در مورد روشهای پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان نتایج پرباری را به همراه داشت. «تایلور» و همکارانش با جمع آوری سرگذشت افرادی که از لحاظ علمی سرآمد محسوب می شدند، سعی کردند خصوصیات و ویژگی های افراد خلاق را مشخص کنند. تحقیقات مربوط به خلاقیت

از آن زمان تاکنون به طور خستگی ناپذیر ادامه یافت و روز به روز بر وسعت و غنای موضوعات مورد مطالعه افزوده می شود. (برات ، ۱۳۸۲) گزارش «اسیتواتر» در سال (۱۹۷۱) نشان می دهد که این سیر رشد یابنده در سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ در حدود ۱۳۰۰ عنوان مقاله و کتاب را شامل می شود.

تعاریف موجود از خلاقیت

در زبان انگلیسی خلاقیت و هم خانواده های آن چنین آمده است :

خلاقیت : Creativity - خلاق : Creator - آفریدن : Creat - خلفت : Creation - آفرینش :

Creation - آفریننده : Creator

«دهخدا» درباره خلاقیت چندین توضیح داده است : خلاقیت یعنی خلق کردن ، آفریدن ، به وجود آوردن و در جایی دیگر خلاقیت به معنای «موجب شدن» نیز آمده است. در فرهنگ لغات غیر روان شناسی ، خلاقیت به معنای ارائه یک فکر ، رفتار یا محصولی نو و یگانه تعریف شده است. به عبارت دیگر ، خلاقیت یعنی ارائه چیزی نو. برخی از صاحب نظران معتقدند خلاقیت گاهی پدید آوردن چیزی است که قبلاً نبوده و گاهی به وجود آوردن چیزی از طریق چیزهای دیگر است که در این حالت اصطلاحاً ابداع و خلق نامیده می شود. ابداع در این معنا یعنی به وجود آوردن چیزی یگانه بی آن که آن چیز از پیش موجود بوده باشد و خلق به معنای پدید آوردن چیزی از راه ترکیب و دستکاری چیزهای دیگر است (پیر خائفی ، ۱۳۷۹).

نگاهی به منابع معتبر مربوط به خلاقیت ، نوآوری و تفکر خلاق نشان می دهد که ریشه این اصطلاح در نوع و روش فکری انسان نهفته است در حقیقت فرد خلاق کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار باشد. بررسی تعاریف خلاقیت نشان می دهد که عده ای از آنها به ویژگی های شخصیتی افراد، بعضی به فرآیند و برخی نیز به نتیجه و محصول خلاقیت پرداخته اند. بنابر تعریفی، خلاقیت توانایی مرزشکنی یا توانایی سفر به فراسوی چهارچوب استانداردهای علمی، شغلی ، حرفه ای و اجتماعی را دربر می گیرد. به عبارتی دیگر ، خلاقیت هم درک و پذیرش الگوهای قبلی و هم تشکیل و ابداع الگوهای جدید را در حوزه های مختلف شامل می شود.

«هالپرن» خلاقیت را توانایی شکل دادن به ترکیب تازه ای از نظرات یا ایده ها برای رسیدن به یک نیاز یا تحقق یک هدف می داند. از دیدگاه «پرکینز» تفکر خلاق، تفکری است که به نحوی تشکیل شده که منجر به نتایج تازه و خلاق می شود (برات ، ۱۳۸۲). خلاقیت معمولاً کشف ناگهانی و سریع است. با وجود این، به زمینه و بستر اولیه نیاز دارد.

خلاقیت فرآیندی مداوم و مستمر است و نوعی حالت بیقراری برای بشر تلقی می شود. بشر از طریق آن ، خود را به جنب و جوش می آورد و از خود چیزهای تازه ای به ظهور می رساند. فرد خلاق پذیرای اندیشه های تازه است. او محیطی به وجود می آورد که در آن تجربه ها ایجاد می شود. یک فرد خلاق فراسوی

احساسات آنی در جریان است. افراد آفریننده کسانی هستند که می توانند نگاهی غیر مرسوم به اشیاء و پدیده ها بیندازند. هر رویداد یا شیء را چنان می بینند که گویی برای اولین بار پدیدار شده است (عیوضی ، ۱۳۷۸ص ۴۶).

مفهوم خلاقیت آن است که فرد خلاق با توجه به ضرب المثل قدما ، چیزی در خشت خام می بیند که مردم عادی آن را در آینه هم نمی بینند. نحوه برقراری ارتباط افراد خلاق با جهان ، با مردم معمولی تفاوت زیادی دارد. «ابرهام مزلو» می گوید : خلاقیت توانایی بالقوه ای است که از بدو تولد به همه انسانها داده شده است اما اکثر انسانها این خصیصه را در دوران فرهنگ پذیری از دست می دهند. به نظر «فروبل» خلاقیت فرآیندی است که از کودکی آغاز می شود و با مرگ خاتمه می یابد ، مهمترین پیشرفت آن وقتی امکان دارد که طبیعت خود انگیزه کودکان درک شود. به گفته «فردریک مایر» وظیفه یک متفکر تنها این نیست که خلاقیت خود را به رخ این و آن بکشد بلکه باید با آن ارتباط اعتقادی پیدا کند و سرچشمه های خلاقیت را به جریان بیندازد (فیاض ، ۱۳۷۴ص ۳۹۱).

به نظر «دیویی چمبرز» خلاقیتی که در همه انسانها نهفته است ، از نظر برنامه ریزی آموزشی ، مسأله مهمی است و برنامه ریزان آموزشی از ارزش بدست آوردن چنین هدفی یعنی «پرورش خلاقیت» آگاهی دارند (جلیلی ، ۱۳۸۲ص ۱۹).

یکی از نکاتی که در مفهوم خلاقیت دارای اهمیت خاصی می باشد درک تفاوت معنای و مفهوم نواندیشی، نوآوری و خلاقیت است. این سه مفهوم همانند پله های

اول تا سوم یک نردبان به ترتیب و پیوسته هستند. نواندیشی پله اول ، نوآوری پله دوم و خلاقیت پله سوم چنین نردبانی هستند. پس نواندیشی ، نوآوری و خلاقیت با هم یکی نیستند و از نظر معنی و سلسله مراتب پیدایش با یکدیگر تفاوت دارند. هر یک از این سه مفهوم دارای معنا و گستره خاص خود هستند. هر نواندیشی الزاماً منجر به نوآوری نمی شود و هر نوآوری ضرورتاً نباید به خلاقیت منتهی شود. ولی هر خلاقیتی باید از مرحله نواندیشی و نوآوری گذر کرده باشد و هر نوآوری باید مرحله نواندیشی را سپری کند ، پس نواندیشی دامنه و گستره ای وسیع تر از نوآوری به خود اختصاص می دهد. شاید بتوانیم بگوییم : تغییر درونی نواندیشی نام دارد و تغییر در شیوه ، راه و چگونگی پاسخ دادن به پدیده های اطراف نوآوری است و هنگامی که این نوآوری در قلمرو ذهنی یا عینی موجب پیدایش یک پدیده ، شکل و موجودیت تازه بشود، خلاقیت و آفرینشگری های فنی ، هنری ، ادبی ، علمی ، تفکری و غیره صورت گرفته است. باید قبول کنیم که نواندیشی زیربنایی تر و بنیادی تر از خلاقیت است و شاید بهتر باشد بگوییم : «نواندیشی زیربنایی ترین عامل پرورش استعدادهاست (کردی ، ۱۳۷۹)» .

از چشم انداز روان شناسی نیز خلاقیت مفهوم یا پدیده ای یگانه و بدیع فرض شده است. با این تأکید که خلاقیت یک فرآیند روانی است. فرآیندی که به حل کردن ، ایده پروری ، مفهوم سازی ، ارایه اشکال هنری و علمی یا تولیدات ، صنعتی منجر می شود. بنابراین ، خلاقیت یک فرآیند روانی تصور می شود که یکتا و یگانه بوده و

خاصیتی ابداعی دارد (پیر خائفی ، ۱۳۷۹) همچنین گیلفورد در گزارش خویش در سال «۱۹۵۰» مطرح کرد که خلاقیت در عرصه روان شناسی مورد بی مهری محققان قرار گرفته است. از آن زمان دیری نپایید که این مفهوم مورد توجه محققان واقع شد و یک سیر صعودی در مطالعات و تحقیقات مربوط به خلاقیت مشاهده شد. یکی از عوامل بی توجهی اولیه به خلاقیت، آن بود که خلاقیت مفهومی مبهم و نامکشوف به شمار می رفت، بنابراین محققان کمتر میل و رغبتی نسبت به آن داشتند. به تعبیر دیگر ابهام ذاتی خلاقیت باعث شده بود تا تعارضی آشکار بین محققان و صاحب نظران به وجود آید، پیامد این عمل نرسیدن به توضیحی روشن و رسا از خلاقیت بود. این اعتقاد ، حتی امروزه هم وجود دارد و با وجود تحقیقات فراوان و نسبتاً جامع و مفصل هنوز توافق کاملی بر سر تعریف خلاقیت وجود ندارد با این حال ، این عدم توافق باعث نمی شود که تصور کنیم ارایه تعریف از خلاقیت غیرممکن است مرور تعریفهای موجود از خلاقیت نشان می دهد که این امید هست تا بتوان به نکات مشترکی دست یافت (پیرخائفی ، ۱۳۷۹ص ۴).

«مورگان» (۱۹۵۳) ضمن منتشر کردن ۲۵ تعریف از خلاقیت بیان کرد که اجماع این تعریفها نشانگر این واقعیت است که خلاقیت مستلزم پدید آوردن چیزی «یگانه» است. «بارون» (۱۹۶۹) ضمن تأکید بر عنصر تازگی می گوید ،از آنجا که انسانها قادر نیستند چیزی را از هیچ بسازند، لاجرم آفرینشگری در آدمی همیشه مستلزم تغییر دادن شکلی از مواد معین (خواه مواد فیزیکی و خواه ذهنی) بوده است.

در چنین شرایطی، خلاقیت به دوباره سازی چیزها می پردازد و سعی می کند که در این دوباره سازی شکل جدیدی از آنچه قبلاً بوده ارائه دهد.

«تورنس» (۱۹۶۱) ضمن تأکید بر عنصر تازگی یک اصل دیگر را به این مجموعه

اضافه کرده است. به اعتقاد او خلاقیت ضمن بهره مندی از عنصر تازگی و بدیعی

بودن باید دارای تناسب هم باشد. اصل تناسب (مفید بودن) با کارایی اجتماعی و

عمومی ارتباط دارد. (پیرخانفی ، ۱۳۷۹ص ۵).

خلاقیت از دیدگاه های مختلف

صاحب نظران خلاقیت را از دیدگاه های متفاوتی مورد بررسی قرار داده اند

برخی از این دیدگاه ها عبارتند از :

- دیدگاه های شناختی

- دیدگاه های شخصیتی

- دیدگاه های محیطی

- دیدگاه های مبتنی بر تولید

- دیدگاه های مبتنی بر روابط اجتماعی

- دیدگاه های مبتنی بر الگوی فردی

۱- دیدگاه های شناختی

بر اساس این دیدگاه خلاقیت بعدی شناختی دارد. یعنی خلاقیت پدیده ای است

که با فرآیندهای عالی ذهن نظیر هوش ، ادراک ، حافظه و تخیل سرو کار دارد مجموع

این فعالیتها در ترکیب با هم باعث می شود تا فرد به تولید یک اثر فکری ، هنری یا علمی و صنعتی بدیع و تازه مبادرت ورزد.

نشانه های شناختی خلاقیت

وقتی از نشانه های شناختی در خلاقیت صحبت می کنیم منظور این است که خلاقیت از طریق علایم و نشانه هایی که به طور عمده ماهیتی ذهنی و فکری دارند، قابل شناسایی و بررسی است.

عمده ترین نشانه های شناختی در فرد خلاق عبارتند از : کنجکاوی ، بازی با ایده ها ، افکار غیرمعمول ، طرح مسئله ، پرسش ، آینده نگری و پیش بینی ، خوش فکری و ادراک حسی (خائفی ، ۱۳۷۹ ص ۳۹) .

الف) کنجکاوی : صاحب نظران کنجکاوی را وجه مشترک بسیاری از تنشها و موقعیتهای انسانی می دانند و آن را میل و رغبتی شدید به آگاهی یا «سر در آوردن» از موضوعی تازه تعریف کرده اند (وبر ، ۱۹۸۵) فرد کنجکاو وقتی با موضوعاتی رو به رو می شود شدیداً به تحریک می افتد و می کوشد تا از آن موضوع سر درآورد . این میل و رغبت او را برمی انگیزد تا به سراغ افراد ، اطلاعات و موقعیتهای گوناگون رفته آنها را تجربه و بررسی کند.

ب) بازی با ایده ها : بازی با ایده ها و افکار ، نوعی سرگرمی ذهنی برای فرد خلاق محسوب می شود. در اکثر مواقع ، فکر کردن درباره یک ایده ، کم و زیاد کردن یا تغییر دادن آن در ذهن ، برای فرد خلاق فعالیتی لذت بخش است. این فعالیت به عنوان

یکی از نشانه های مهم تفکر خلاق، مورد تأیید محققانی نظیر «هنسی» ، «آمایلی» و «استرنبرگ» قرار گرفته است (استرنبرگ ، ۱۹۸۸) در شرایط طبیعی ، فرد خلاق ساعاتی زیادی به فکر کردن درباره موضوعات مورد علاقه اش می پردازد و به جوانب مختلف موضوع فکر می کند و سرگرم می شود.

پ) افکار غیرمعمول : یکی از نشانه های افراد خلاق این است که افکارشان غیرمتعارف و غیرمعمولی است. همه نظریه پردازان توافق دارند که این ویژگی در بین افراد خلاق وجود دارد. (جوادیان ، ۱۳۶۹) با این که افکار خلاق غیرمعمولی است اما نابهنجار نیست و معمولاً ، مردم افکاری را می پسندند که عجیب و غریب نباشد و با آن آشنا باشند.البته این بدان معنا نیست که فرد خلاق دوست دارد افکارش نامتعارف و عجیب باشد بلکه این واقعیت را بیان می کند که فرد خلاق نگاه ظریف تر و دقیق تری نسبت به موضوعات دارد.

ت) طرح مسأله یا پرسش : تورنس (۱۹۷۴) معتقد است فرد خلاق به دانستن و پرسیدن علاقه بسیار زیادی دارد. در واقع او هم می پرسد و هم پاسخ را می جوید. این رویداد در بین افراد خلاق بسیار معمول و محسوس است. فرد خلاق در مواجهه با پدیده ها و اتفاقات منفعل عمل نمی کند بلکه سئوالهایی در ذهن خود می پروراند. این پویایی او را می دارد ، علاقه مندانه تلاش کند تا به پاسخ برسد بنابراین فرد خلاق با طرح سئوال به کنجاوی های خویش پاسخ می دهد و آنها را وضوح و روشنی می بخشد.

ث) آینده نگری و پیش بینی : هر چند آینده نگری و پیش بینی را از نشانه های هوشمندی بر شمرده اند با این حال ، این نشانه در بین افراد خلاق نیز به وضوح دیده می شود. فرد خلاق از تیزی و ذکاوت هوشمندانه ای برخوردار است. آینده نگری و پیش بینی فرد خلاق یعنی قدرت تصور آنچه می تواند در آینده رخ دهد (جوادی و کدیور ، ۱۳۷۲).

ج) خوش فکری : یکی از نشانه های مهم افراد خلاق «خوش فکری» است . آنها در موقعیتهای و شرایط متفاوت قادرند فکرهای خوبی را ارائه دهند و به همین دلیل معمولاً پیشنهادهایشان مورد پذیرش دیگران قرار می گیرد.

چ) ادراک حسی : افراد خلاق نسبت به رویدادهای اطراف خویش دارای حساسیت و احساسی ظریف هستند.

این حساسیت باعث می شود ، آنها در مقایسه با دیگران درک عمیق تری از آنچه پیرامونشان می گذرد پیدا کنند و در نتیجه آگاه تر باشند (مدد، ۱۳۶۹) بنابراین میتوان گفت فرد خلاق هوشمندانه و زیرکانه به اشیاء ، محیط ، حیوانات ، آدمیان ، علایق ، هیجانها ، حوادث و پدیده های اطراف خود نگاه می کند و با حوصله زیاد به آنها می پردازد (پیرخائفی ، ۱۳۷۹ ص ۴۴).

۲- دیدگاههای شخصیتی

دیدگاههای شخصیتی بر نقش شخصیت در خلاقیت تأکید دارند. در این دسته بندی ، خلاقیت دربرگیرنده برخی از ویژگیهای شخصیتی است که ظهور خلاقیت را

باعث می شوند خلق و خوی ، ارزشها ، عادات ، نگرشها ، استقبال از خطر ، تحمل ابهام ، ناهم‌رنگی ، سختکوشی و تعهد ، حساسیت نسبت به پدیده ها ، روحیه استقلال ، اعتماد به نفس بالا ، را نمونه هایی از این ویژگی برشمرده اند.

نشانه های شخصیتی افراد خلاق

بخشی از نشانه های خلاقیت به نمودهای شخصیتی آن مربوط می شود. نشانه های شخصیتی از نظر اهمیت ، نقشی هم‌تراز با نشانه های شناختی دارند. یعنی به همان اندازه که می توان از نشانه های شناختی برای شناسایی فرد خلاق استفاده کرد. از نشانه های شخصیتی نیز می توان به خلاق بودن شخص پی برد و او را بهتر شناخت. در واقع بهتر است در شناسایی افراد خلاق ، به هر دو نشانه های شناختی و شخصیتی آنها توجه کنیم. عمده ترین «نشانه های شخصیتی» فرد خلاق عبارتند از : صداقت با خود و خود سازماندهی ، تعهد و نظم ، نوع دوستی و سادگی رفتار ، آستانه تحمل بالا و قدرت مقابله ، علایق گسترده ، میل به تغییر و پشتکار و جدیت.

الف) صداقت با خود و خود سازماندهی : صاحب نظران معتقدند یکی از ویژگیهای افراد خلاق صداقت با خود است آنها خود را فریب نمی دهند، اشتباهات خود را می پذیرند، توانایی های خود را اغراق میز ارزیابی نمی کنند ، از معایب و نقصهای خود نمی گریزند، نقادی دیگران را می پذیرند و از پیشنهادهای سازنده اطرافیان استقبال می کنند ، آنها در سازگاری و ایجاد تعادل در خویشتن موفق عمل می کنند و بهتر از

افراد دیگر می توانند قابلیت‌ها و توانمندی‌های سازمان روانی شخصیت یعنی «خود» را سازماندهی و هماهنگ کنند (مدد، ۱۳۶۹).

ب) تعهد و نظم: با وجودی که گفته می شود افراد خلاق چندان در قید و بند نظم و ترتیب نیستند و از هرگونه قید و بند و برنامه ی از پیش تعیین شده ای می گریزند، اما تحقیقات علمی نشان می دهد ، آنان علاقه مند به برنامه ریزی و دوستدار نظم و انضباط هستند مشروط بر اینکه شرایط مناسب مهیا باشد. افراد خلاق به شدت متکی به نفس هستند و مستقل از دیگران فکر و رفتار می کنند. به همین دلیل برایشان چندان پذیرفتنی نیست که برنامه ها ، فعالیتها و کارهایشان توسط دیگران دیکته و یا تنظیم شود. بنابراین در پیروی از برنامه های دیگران یا پذیرش نظم و انضباط تحمیلی مقاومت نشان می دهند مگر آنکه برای این عمل دلایل قابل قبول در اختیارشان قرار گیرد یا به آمدن علاقه مند شده و حق انتخاب داشته باشند (پیر خائفی ، ۱۳۷۷ص ۴۷) .

پ) نوع دوستی و سادگی رفتار: بی اغراق افراد خلاق آدمهای فروتنی هستند ، سادگی و تواضع در رفتار و کردارشان مشهود است. فرد خلاق از آنچه دارد راضی است و دوست دارد همه چیز ساده و بی غل و غش باشد (استرنبرگ، ۱۹۸۸) افراد خلاق در تعامل با دیگران متواضعانه و فروتنانه برخورد می کنند تلاش می کنند به اطرافیان در موضوعات مختلف کمک و یاری فکری و عملی برسانند.

ت) آستانه تحمل بالا و قدرت مقابله : آستانه تحمل را می توان ظرفیت پاسخ دادن به محرکها ، فشارهای روانی ، محیطی و اتفاقات تعریف کرد. به سخنی دیگر، آستانه تحمل در افراد خلاق ظرفیت بسط یافته عاطفی - روانی برای مقابله با فشارهای روانی است . آستانه تحمل با توانایی تجزیه و تحلیل پدیده ها رابطه مستقیمی دارد. تجزیه و تحلیل منطقی ، مناسب و صحیح پدیده ها موجب افزایش آستانه تحمل و تجربه و تحلیل نامناسب ، عجولانه و ناکارآمد موجب کاهش آن میشود (قاسم زاده ، ۱۳۷۲).

ث) علایق گسترده: هر شخص معمولاً به چیزهایی علاقه دارد و برای بدست آوردن آنها تلاش می کند افراد خلاق نیز از این مجموعه انسانی جدا نیستند ، علاقه های بیشماری دارند که برایشان محترم است. با این تفاوت که گاهی علاقه های آنها مورد توجه یا علاقه دیگران قرار نمی گیرد (جوادیان ، ۱۳۶۹).

ج) میل به تغییر : افراد خلاق در مشاهده موقعیتها ، مکانها ، اشیاء ، لباسها ، حالات و احساسات ، افکار و اندیشه ها و بسیاری موضوعات دیگر رغبت پیدا می کنند که آنها را به موضوعات نو و تازه تری مبدل سازند. فرد خلاق از یکنواختی و یکسانی می گریزد و به تغییر و حرکت می اندیشد (مدد ، ۱۳۶۹).

چ) پشتکار و جدیت : تورنس (۱۹۷۴) به وضوح از پشتکار و جدیت به عنوان یک ویژگی مهم در افراد خلاق یاد می کند افراد خلاق در انجام وظایف ، پیگیری طرحهای خلاقه ، رو به رو شدن با سختیها ، تحمل فشارها و مصائب از قابلیت های شایسته ای

برخوردارند. فرد خلاق به بزرگی و سختی کار اهمیت نمی دهد و از آن نمی ترسد ، او با تمام قوايش بر سختيها مي تازد. بنابراین بي مناسبت نيست كه گفته اند :
كارهاي بزرگ به عزم و اراده انسان هاي بزرگ تحقق يافته است.

۳- دیدگاههای محیطی

این دسته از نظریات بر نقش محیط در خلاقیت تأکید دارند. بر اساس این نظریات ، خلاقیت برآیند یک نیاز اجتماعی است که فرد را برای ایجاد و خلق پاسخهای یگانه و بدیع برمی انگیزد «برین» (۱۹۵۳) خلاقیت را به عنوان فرآیند دستکاری محیط تعریف می کند در تعریف او محیط بستر و شرایط مناسبی برای ایجاد ایده ها ، الگوها و روابط جدید تدارک می بیند.

۴- دیدگاههای مبتنی بر تولید

این گونه نظریات بر دستاوردهای تفکر خلاق تمرکز دارند، «والاچ» (۱۹۸۵) در این رابطه ادعان می دارد به جای اینکه خلاقیت بر حسب نتایج آزمونها ، ویژگی های شخصیتی و محیطی و شناختی تعریف شود بهتر است که بر اساس نوع کاری که فرد انجام می دهد تعریف شود. مثل ساختمان سازی ، نقاشی ، تألیف کتاب ، تولیدات صنعتی و سایر ابداعات انسانی.

۵- دیدگاههای مبتنی بر روابط اجتماعی

یکی از آثار گوربار خلاقیت ایجاد زمینه مناسب برای گسترش روابط اجتماعی است. روابط اجتماعی یا ارتباط آدمیان با یکدیگر از دیرباز مورد توجه

اندیشمندان بوده است؛ این ارتباط گاهی چنان ظریف و حساس است که بدون مهارت‌های اجتماعی نمی‌توان به آن مبادرت کرد. مطالعه «تورنس» (۱۹۷۴) نشان می‌دهد خلاقیت با سه عنصر اندیشه، کلام و رفتار پیوند دارد و به تنوع و گوناگونی آن منجر می‌شود.

بنابراین در عرصه اندیشه، گفتار و رفتار «خلاقیت» سبب حرکت و پویایی می‌شود. و از کندی و توقف ارتباط می‌کاهد.

۶- دیدگاه‌های مبتنی بر الگوهای فردی

اساس الگوهای فردی را این باور می‌سازد که فرد نقش فراوانی در رشد و شکوفایی خلاقیت دارد، بنابراین مسئولیت نباید لحظه‌ای از قریحه خلاقه اش غافل بماند. بی‌اغراق باید بخش قابل ملاحظه‌ای از فرآیند شکل‌گیری قریحه خلاقیت را ناشی از عوامل فردی دانست عوامل فردی زمینه‌ساز خلاقیت عبارتند از: سعی و کوشش، عشق و علاقه، تحصیلات و علاقه، تحصیلات و مطالعه، امیدواری، احساس امنیت و ... (جلیلی، ص ۱۳۸۲ ص ۳۶).

تأثیر ویژگی‌های فردی بر خلاقیت

۱- سن: شواهد علمی مبنی بر اینکه خلاقیت از سن نوجوانی به وسیله «پرفسور هاروی لهمان» استاد دانشگاه اوهایو مورد تحقیق و تأیید قرار گرفته است. نتایج

تحقیقات نشان داد که با بالا رفتن سن حتی اگر استعداد ذاتی ما رشد نیابد قدرت خلاقیت مان می تواند سال به سال با سعی و کوششی که در آن زمینه بکار می بریم به رشد خود ادامه دهد (الکس راس، اسیورن، ۱۳۷۱).

«پرفسور روزن ویگ^۱ ثابت کرده که اگر مغز تحریک و بکار وادار شود، سالخوردگی نمی تواند مسئله ای بیافریند چون از لحاظ فیزیکی برآمدگیهای روزافزون تری روی شاخکهای حسی یافته های مغزی جوانه می زند این برآمدگی ها، شمار کلی ارتباطات درون مغزی انسان را افزایش می دهد. حافظه ممکن است با افزایش سن رو به کاهش بگذارد ولی خلاقیت ربطی به سن ندارد (چک هالوران وگلاس نبتون، ۱۹۲۲ص ۱۳۴).

۲- جنسیت: ممکن است زنان در قدرت جسمی ضعیف تر از مردان باشند، لیکن نه در قدرت تصور، در حقیقت آزمایش های متعدد نشان داده است که در زمینه خلق ایده های بدیع زنان استعداد بیشتری از خود بروز می دهند تحقیقات علمی درباره مسأله خلاقیت نسبی زنان و مردان به نتایج قاطعی نرسیده است (الکس اس، اسیورن، ۱۳۷۱ص ۱۷).

شناخته شدن توانایی زنان و موقعیت شناسی شغلی باعث شده تا زنان بسیاری از مشاغل حساس و مهم را در سازمانها تحصیل نمایند و پیشرفتهای خود را مرهون تلفیق تحمل و شکیبایی با نوعی هوشمندی اداری باشند. «پرفسور لهما» در

مطالعات خود نشان داده است رکورد خلاقیت قابل توجه بین مردان بیش از زنان است. لیکن فقط در چند دهه اخیر تاریخ است که زنان فرصتی داشته اند تا بالهای خلاقیت خویش را بگسترانند. بنابراین تفاوت‌های موجود اکتسابی بوده نه ذاتی و فیزیولوژیکی.

۳- ارزشها و فشارهای اجتماعی : هر جامعه دارای ارزشهای خاصی است و این ارزشها بینش و گرایش افراد را به جهتهای خاصی هدایت می کند. در واقع ارزشها فشارهایی هستند که تعیین کننده مبناهای فکری و نحوه رشد و ارتقاء آن قلمداد می شوند. جامعه اغلب فشار زیادی را برای کانالیزه کردن انرژی افراد خلاق در زمینه خاص برای حل مسائل وارد می آورد. بیشترین مسئله ای که فشار جامعه بر آن وارد می شود بیشترین کوشش را برای یافتن راه حلها می طلبد.

۴- تحصیلات : تحقیقات علمی نشان داده است که هوش خارق العاده معادل با داشتن استعداد خلاقیت نیست. دانش آموزانی که دارای هوش زیادند الزاماً افرادی که ابداعی ترین ایده ها را خلق می کنند نمی باشند. کودکانی که در کلاس بهترین نمره ها را می آورند بدون تردید در کارهای حافظه ای رکورد خوبی بدست می آورند ولی این بدان معنی نیست که آنان در خلق ایده های جدید نیز به همان اندازه روان هستند. در حقیقت تحصیلات عامل اساسی نمی تواند باشد چرا که افرادی که تحصیلات رسمی ندیده اند در بسیاری از موارد خلاقیت هایی را بروز

داده اند در صورتیکه افرادی با تحصیلات بالا فاقد خلاقیت بوده اند (الکس اس ،
اسیورن ، ۱۳۷۱) .

اجزای تشکیل دهنده خلاقیت :

- . قلمرو مهارت ها به منزله مواد
اولیه استعداد ، آموزش و تجربه در یک حوزه خاص می باشد. قلمرو مهارتها تا
حدودی ذاتی است. کودکان مطمئناً با درجات متفاوتی از استعداد به دنیا می آیند. اما
آموزش و تجربه می تواند حتی در سطح نسبتاً کمی از استعداد راه بلندی را به سوی
پیشرفت طی کند. همچنین در مواردی که سطح استعداد بالا می باشد نیاز به پیشرفت
و رشد وجود ارد. کاملاً واضح است که انسان قبل از آنکه بتواند در یک زمینه خلاق
گردد باید دارای مهارت باشد که اکثر ما آن را نادیده می گیریم. هیچ کودکی قادر به
انجام کاری خلاق در زمینه نقاشی نخواهد بود. مگر آنکه بدست گرفتن قلم مو ،
ترکیب رنگ ها و کشیدن خطوطی را که قصد دارد بر روی کاغذ بیاورد بیاموزد.
جالب اینجاست که توانایی در یک زمینه الزاماً به توانایی در سایر زمینه ها مربوط
نمی گردد.

اغلب کودکان در بعضی زمینه ها تا حدودی استعداد دارند. این استعداد همراه با
آموزش خوب و تجربه تقویت شده می تواند تمام مهارتهای لازم برای خلاق بودن را
به آنها بدهد.

-

برخی شیوه های کاری ، شیوه های فکری خاص و ویژگی های شخصیتی در افراد وجود دارد که آنها را قادر می سازد قلمرو مهارتهای خود را در راههای جدید بکار گیرند. به نظر می رسد بعضی از مهارتهای فکری ذاتی باشد. اما جنبه های دیگری از تفکر خلاق نیز وجود دارد مانند شیوه های کاری که می توان آنها را بوسیله آموزش و تجربه افزایش داد.

-

چه نوع انرژی موجب می شود یک کار خلاق حقیقتاً به وقوع بپیوندد ؟ آن سومین جزء خلاقیت یعنی انگیزه درونی است. میل به انجام کاری بخاطر همان کار و بخاطر آنکه جالب ، رضایتبخش و یا نوعی مبارزه طلبی شخصی است. انگیزه درونی ممکن است تا اندازه ای هم فطری باشد. اما تا حد بسیار زیادی به محیط اجتماعی بستگی دارد. این انگیزه برای خلاق بودن آن قدر نادیده گرفته شده که می توان آنها را حلقه مفقوده خلاقیت نامید (ترزآ آمابلی، ۱۳۷۷). اگر والدین و مربیان و معلمان بتوانند اصل انگیزه درونی خلاقیت را درک نموده آن را بکار برند آغاز بسیار خوبی برای تشویق خلاقیت در کودکان خواهد بود. اولین جنبه و نشانه اصلی انگیزه درونی علاقه می باشد.

دومین جنبه و نشانه انگیزه درونی استقلال در تصمیم گیری است. کودکان احتیاج دارند احساس کنند آن کار را خودشان انتخاب کرده اند.

سایر جنبه ها و نشانه های انگیزه درونی عبارتند از : عشق - تعهد - ترکیب بازی و کار و ...

مراحل خلاقیت

به راستی تفکر خلاق چگونه روی می دهد ؟ عقاید امروزی بیانگر این واقعیت است که فرآیندهای خلاقه یک فرد با فرآیندهای کمتر خلاقه فرد دیگر تفاوت چندانی ندارد. به عبارت دیگر تفاوت آنها بیشتر کمی است تا کیفی (پیرخائفی ، ۱۳۷۶) «والز» نخستین فردی است که توانست منبع فرآیندهای خلاق را شرح دهد «والز» با استفاده از مصاحبه ها ، پرسشنامه ها و خاطرات متفکران برجسته توانست به الگوی چهارگانه فرآیند خلاق برسد. این چهار مرحله عبارت بودند از : آمادگی - نهفتگی - اشراق و اثبات.

«موریس استین» (۱۹۷۴) در نظریه خود فرآیند خلاق را به سه مرحله تقسیم کرده است . که این سه مرحله عبارتند از : مرحله فرضیه سازی - مرحله آزمون فرضیه و مرحله ربط دادن فرضیه. وی آمادگی یا آموزش را پیش از این مراحل قرار داده است و اعتقاد دارد این مراحل ضمن جدا بودن با هم همپوشی دارند.

مرور ادبیات خلاقیت نشان می دهد که صاحب نظران و محققان ، کم و بیش الگوی والز را پذیرفته اند (قاسم زاده ، ۱۳۷۱) بنابراین الگوی والز با کمی تغییر در اینجا مطرح می شود.

۱- اولین بینش : اولین مرحله در تفکر خلاق ظهور «اولین بینش» است. به اعتقاد «نلر» در این مرحله، نطفه آفرینش بسته می شود. حساسیت فرد خلاق در این مرحله به دو صورت قابل تصور است. گاهی در این مرحله فرد خلاق نسبت به یک پدیده ، اتفاق ، مسأله ، نکته و نیاز که ناشی از محیط بیرونی است ، حساس می شود و به آن فکر می کند. گاهی هم این حرکت از درون برمی خیزد و ذهن متفکر یا فرد خلاق را به خود مشغول می کند. به هر حال ، اولین حساسیت نسبت به یک موضوع در قالب اولین بینش قابل طرح است. در این مرحله ایده ها خام و کلی اند. بنابراین نیازمند پرداخت و تکمیل هستند. به هر حال ، بارقه های خلاقه آنی و زودگذرند و در صورتی که در اولین مرحله به تور خلافه صیاد نیافتند محو می شوند و از بین می روند (پیرخائفی ، ۱۳۷۶).

۲- آمادگی : پس از مرحله اولین بینش نوبت به مرحله «آمادگی» می رسد. در این مرحله ، فرد خلاق به طور جدی روی ایده یا مسأله مورد نظر کار می کند. درباره موضوع و مسأله اطلاعات گوناگون جمع آوری می کند، آنها را تجزیه و تحلیل می کند و قواعد و حقایق مربوط به آن را استخراج و در ذهن مرور می کند . نکته مهم در این مرحله آن است که فرد خلاق به حقایق و اطلاعات به گونه ای تازه می نگرد و آنان را از زوایای مختلفی تحقیق و آزمایش می کند. در این مرحله نوعی کاوش و جستجوی ثانویه درباره موضوع مورد نظر انجام می گیرد. البته این

احتمال نیز وجود دارد که ایده اولیه کاملاً عوض شده و مسیر و جهتی دیگر بیابد و یا به ناکامی بگراید (پیرخائفی، ۱۳۷۷ص ۸۲).

۳- نهفتگی: «پوستر» (۱۹۷۳) در مورد مرحله «نهفتگی» به چندین فرض معتقد است. تحت این که این دوره را مجالی می داند تا فرد خلاق از خستگی حل مسأله رهایی یابد و مسائل نامربوط را به فراموشی سپارد. دوم، این مرحله را فرصتی می داند تا شخص فعالیتش را به طور ناخودآگاه بر مسأله متمرکز سازد.

نکته مهم در این مرحله «اجباری یا الزامی» بودن آن برای متفکران خلاق است. به اعتقاد بسیاری از نظریه پردازان بارقه های ابتکاری به واسطه تمرکزی که در این مرحله به دست می آید در ذهن فرد خلاق زده می شود (حسینی، ۱۳۷۶).

۴- اشراق: «نلر» لحظه «اشراق» را اوج خلاقیت می داند. متفکر در این مرحله همچون «عدسی» اطلاعات پراکنده را متمرکزمی سازد (مجموع دو مرحله نهفتگی و اشراق را ایده یابی نیز گفته اند) (پیرخائفی، ۱۳۷۶).

۵- اثبات: در مرحله پایانی یعنی «اثبات» متفکر به کمک عقل و ملاک «واقعیت گرایی» مواد معتبر را از نامعتبر جدا می سازد. این مرحله با مرحله اولین بینش در تعاملی نزدیک فرض شده است. زیرا ثبات به بینشهای عمیق تر و حتی متفاوت تر منجر می شود. اثبات را «راه حل یابی» نیز گفته اند که مستلزم ارزیابی و گزینش است (پیرخائفی، ۱۳۷۷ص ۸۳).

«پاتریک و والاس» در فرآیند خلاق چهار مرحله را مشخص کرده اند که این چهار مرحله عبارتند از :

۱- تهیه ؛ ۲- نهفتگی ؛ ۳- اشراق ؛ ۴- به تحقق رساندن یا تجدید نظر

(حسنی ، ۱۳۸۰ص ۵۹) .

ماهیت رشد خلاقیت

بدون شک رشد خلاقیت یک فرآیند فردی و اجتماعی است. پس بدون در نظر گرفتن شرایط، تقویتها ، ساختار سازمانی و شرایط اجتماعی ما نمی توانیم صرفاً روی فرد کار کنیم و امیدوار باشیم که خلاقیت او پرورش می یابد یک معلم برای خلاق کردن شاگردان خود نیاز دارد که محیط اجتماعی و بخصوص والدین دانش آموز را نیز به سوی نو دیدن و نوگرایی هدایت نماید (کردی ، ۱۳۷۹ص ۴۹) .

الگوی توزیع خلاقیت

الگوی توزیع خلاقیت به این نکته اشاره دارد که خلاقیت تا چه اندازه در بین افراد وجود دارد؟ باور پیشین این بود که خلاقیت پدیده ای استثنایی است و تنها در افراد خاص مشاهده می شود. تأثیر این باور موجب شد که خلاقیت در یک دوره، به عنوان پدیده ای «خاص و ویژه» پذیرفته شود و افراد و نتیجه بگیرند که خلاقیت فقط از عهده افرادی استثنایی بر می آید.

نگرش فوق اکنون تغییر کرده است. امروزه، بسیاری از صاحبان نظران برجسته

این حوزه نظیر (رانکو، آلبرت، استربرنگ، تورنس، آمابیلی، تایلور و واگبرس)

معتقدند، خلاقیت مهارتی عام است و در بین تمام افراد وجود دارد. این که گاهی این ویژگی در برخی از افراد مشاهده نمی شود دلیل بر عدم وجود آن نیست بلکه بدان علت است که خلاقیت فرصت مناسب برای بروز پیدا نکرده، بنابراین به سکون گراییده است.

مرور تحقیقات مختلف نشان می دهد، خلاقیت نه فقط در سرآمدها و تیزهوشان وجود دارد بلکه حتی در افراد عادی و طبیعی و از آن جالب تر در کند آموزان و عقب ماندگان ذهنی نیز مشاهده شده است.

بنابراین، انسانها همه مشمول «قانون استعداد همگانی» خلاقیت هستند. اما، به هر حال میزان خلاقیت در انسانها، همچون سایر ویژگی‌ها نظیر قد، وزن، حافظه، هوش و ... متفاوت است و این تفاوتها بیش از آن که کیفی باشد، کمی است. یعنی رتبه پذیر است.

توزیع خلاقیت از الگوی نظیر الگوی جنسیتی زن و مرد، ملیت، تحصیلات، سن، زبان، پول و امکانات و ... چندان تأثیر نمی پذیرد. هر چند باید به نقش پیچیده این عوامل توجه کرد. اما فرد چه زن باشد چه مرد، ایرانی باشد یا ژاپنی، پولدار باشد یا بی پول در ماهیت خلاقیت او فوق نمی کند. او «خلاق» آفریده شده است. آنچه این قبیل الگوها یا شرایط به وجود می آورند، حس این خلاقیت نیست بلکه فرآیند تسهیل سازی خلاقیت است. بدین ترتیب، خلاقیت به واسطه ی این عوامل در طول زمان و مکان سرعت پیدا می کند (پیر حائفی، ۱۳۷۷، ص ۸۳).

ضرورت آگاه سازی خانواده

هر خانواده ای دوست دارد فرزندی خلاق، نوآور و مبتکر را پرورش دهد. فرزندی که علاوه بر نوآوری و خلاقیت از سلامت روحی و عاطفی نیز برخوردار باشد. ولی در بسیاری از مواقع اگر چنین عمل نمی کنند و اصول مناسبی برای پرورش خلاقیت فرزند خود بکار نمی برند و در نظر نمی گیرند. به علت ناآگاهی و عدم اطلاع لازم در این باره می باشد. پس خانواده باید بصورت خودآموز و دیگر آموز بداند و آگاه گردد که چه مسئولیتی در برابر فرزند خود دارد.

والدین باید بدانند آداب غذا خوردن ، توالیت رفتن ، دست دادن و غیره در تعالی روح کودک کمتر از آداب شنیدن و دیدن اهمیت دارد یا اگر اهمیت کمتری نداشته باشد نمی تواند اهمیت بیشتری داشته باشد ، در حالیکه امروزه متوجه می شویم تلاشی که والدین برای غذا خوردن فرزند خود می کنند خیلی بیشتر از تلاشی است که آنها برای پرورش حسی زیبایی شناسی کودکان در حواس و ادراک دارند. به همین دلیل گرایش بچه ها به خوراکی ها بیشتر از کتاب و نوشتار و مسائل تفکر برانگیز است. پس ما نیاز داریم به کودکان خود بیاموزیم چگونه باید از چشمها ، گوشها و حواس دیگر خودشان استفاده کنند تا محصول آن حس زیباشناسی و زیبادوستی باشد و نتیجه آن خوشحالی و خرسندی از زنده بودن و زندگی کردن (کردی ، ۱۳۷۹ص ۳۱).

در خانه های خلاق پدران و مادران حقیقتاً با فرزندانشان از نظر فکری کار می کنند. به این ترتیب که درباره مسائل بحث می کنند، فرضیات را مورد سؤال قرار می دهند ، به همراه کودکانشان با دقت به دنیا نظر می افکنند و درباره آن به هیجان می آیند. خانه های خلاق اغلب پر از سر و صدا و بازی و خنده است (قاسم زاده ، ۱۳۷۷).

نقش معلمان در پرورش خلاقیت دانش آموزان

امروزه نظام آموزش و پرورش بنا بر ضرورت تغییرات اجتماعی یکی از سازمان های پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشور محسوب می شود. این سازمان که با رشد و توسعه ی اجتماعی ، فرهنگی، اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد، به تدریج حالت ساده و ابتدایی خود را از دست داده و به حالتی پیچیده در آمده است. در این عصر ، معلمان بیشترین نقش را در انتخاب و انتقال عناصر فرهنگی و دستاوردهای علمی و فنی و تجارب بشری به نسل نوخاسته بر عهده دارند. در جهان امروز ، معلم شایسته ، معلمی است که بداند :

- چرا آموزش می دهد ؟

- به چه کسی آموزش می دهد ؟

- چه مطالبی را آموزش می دهد ؟

- چگونه آموزش می دهد ؟

- کجا آموزش می دهد ؟

- چگونه ارزشیابی می کند ؟

و ...

امروزه کارگزاران اصلی تعلیم و تربیت معلمان هستند ؛ زیرا آنچه دانش

آموزان و معلمان متاثر است. و تعامل مستمر و چهره به چهره معلم با دانش

آموز، وی را در موقعیتی ممتاز و منحصر به فرد قرار می دهد که هیچ انسان دیگری

از آن برخوردار نیست (مهرمحمدی، ۱۳۸۰). با توجه به آنچه گفته شد ، به یقین ، با

وجود معلمانی شایسته می توان چهره سازمان های آموزشی را دگرگون ساخت و

فضای مدارس را به فضایی صمیمی ، بالنده و روح افزا تبدیل کرد (صافی، ۱۳۸۲).

چرا که از تعلیم و تربیت و فرآیند تدریس انتظار می رود که به جای پرورش دادن

ذهن هایی مملو از اطلاعات ، ذهن هایی را پرورش دهند که پردازش کننده اطلاعات

باشند. در چنین حالتی، ذهن پژوهنده و پردازشگر به مدد توانایی های به دست آمده

در دوره های تحصیلی ، می تواند در هر زمان اطلاعات مورد نیاز خویش را از منابع

گوناگون کسب کند پس از تحلیل و دسته بندی آن ها ، پاسخ سوال های خود را

بیابد. برای تحقق چنین هدفی طرز عمل و فعالیت معلم در کلاس باید به گونه ای باشد

که به جای انتظار بروز عکس العمل ها و پاسخ های مشخص و از قبل تعریف شده ،

مجال بروز و ظهور پاسخ هایی بدیع و غیرمنتظره را فراهم آورد و دانش آموزانی را

که اینچنین عمل می کنند، مورد تشویق قرار دهد. اگر در جریان تدریس ، ایجاد شرایط خلاقیت و تردید منطقی مدنظر باشد، آنچه در پرسش و پاسخ حایز اهمیت می نماید، ارایه پاسخ مستدل است نه پاسخ صحیح. لذا از شاگرد انتظار می رود که برای گفته یا پاسخ خویش دلیل یا دلایلی را اقامه کند . در این شرایط ، صرف اقامه دلیل و طی کردن یک روند منطقی ، حتی در صورت غلط بودن پاسخ اهمیت زیادی دارد و از معلم انتظار می رود که با تشویق شاگرد و استقبال از این اقدام او ، به ترویج روح علمی در شاگردان اقدام کند. نوع تکلیف درسی تعیین شده برای شاگردان نیز می تواند به جای وادار کردن آنان به تکرار مطالب کتاب یا گفته های دیگران ، آنان را به بررسی ، تجدیدنظر و کشف نقاط ضعف و قوت آموخته ها ترغیب کند. بدیهی است که چنین تکالیفی باید مجال تفکر، تأمل و جست و جو در منابع مختلف مکتوب و غیرمکتوب را برای شاگردان فراهم آورد (عابدی ، ۱۳۸۲).

تعجب آور است که چگونه بسیاری از افراد خلاق مشهور از مدرسه متنفر بوده اند و عملکرد بسیار ضعیفی در آن داشته اند. البته بعضی بسیار خوب عمل نموده اند ، مع هذا تعداد بسیار زیاد و حیرت آوری از بزرگسالان خلاق دارای تجارب تحصیلی رقت انگیزی بوده اند دو نمونه تکان دهنده از چنین مشکلی «آلبرت اینشتین و جان اروینگ» می باشند (قاسم زاده ، ۱۳۷۷ص ۱۲۳).

برتری در ابداع و خلاقیت بستگی به این دارد که جامعه چه کسانی را به عنوان «با استعدادترین» جوانان در مسابقات کنکور و سایر مسابقات مشابه انتخاب می

نماید؟ غالباً معیارهایی از قبیل ضریب هوشی بالا ملاک انتخاب این افراد است. خطا بودن این ضابطه از طریق تحقیقات علمی، خاصه تحقیقات دکتر «ای - پال - تورنس» و دکتر «جی - دیلو - گتزلز» و دکتر «بلیو - جیکسون» رد شده است. یکی از روان شناسان برجسته تحقیقات دکتر «کلوین تیلر» اعلام می دارد: بسیاری از مبالغ هنگفتی که سالیانه برای بورسیه های تحصیلی گوناگون خرج می شود به دانش آموزان و دانشجویان نامناسب تعلق می گیرد یعنی به «خوب نمره آوران» که غالباً فاقد استعداد خلاقیت هستند (حسن قاسم زاده، ۱۳۷۱).

ضرورت آموزش معلمان

آموزش فرایندی گرم، عاطفی و شورانگیز است و برای این کار، به فداکاری و تعهد معلمان نیاز است. تعهد عاطفی و اعتقادی معلمان لازمه تدریس صحیح و مناسب آنان است. معلمان از بسیاری جهات انسانهایی شایسته، باهوش و با علاقه اند که سعی دارند در حد توان خود به بهترین وجهی کار کنند ولی اگر آنها سرهم بندی می کنند و تدریس آنها از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست، به این علت است که تنها تعداد انگشت شماری از معلمان از خود می پرسند که آنچه انجام می دهند به چه دلیل است و یا به طور جدی و عمیق درباره هدفها و نتایج تعلیم و تربیت می اندیشند. ما باید راههایی برای انگیختن معلمان پیدا کنیم تا در مورد آنچه انجام می دهند و علت انجام دادن آن بیندیشند. (کدیور، ۱۳۶۸) نکته حایز اهمیت در مورد تربیت معلم، بازنگری مجموعه دروس علوم تربیتی مراکز تربیت معلم و دانشگاهها در

دوره های کاردانی و کارشناسی و نیز هماهنگ کردن آن ها با روش «تلفیق تربیت با تعلیم» است. بنابراین جا دارد در دروس روان شناسی تربیتی، کلیات روش ها و فنون تدریس، کلیات راهنمایی و مشاوره، اصول و فلسفه آموزش و پرورش و نیز مبانی برنامه ریزی درسی، مباحثی درباره تلفیق تربیت با تعلیم گنجانده شود تا دانشجویان این نگرش را کسب کنند که تعلیم و تربیت فرآیندی یک پارچه و تفکیک ناپذیر است و آموزش و پرورش صرفاً تدریس صرف مطالب و موضوعات درسی نیست (محسن پور، ۱۳۸۲).

موانع خلاقیت

«شل کراس» (۱۳۷۰) در کتاب خود، موانع موجود در برابر تفکر خلاق را به دو دسته

تقسیم بندی کرده است:

الف) موانع بیرونی، که خود به موانع تاریخی و بیولوژیکی و اجتماعی تقسیم می شوند.

ب) موانع درونی، روانی مانند: عادات، ترس از تحقیر و تمسخر، قبول سرنوشت، وراثت و ... (حسنی، ۱۳۸۰) «دکتر الکس اس. اسیورن» از عوامل: عادات پیشین، دلسرد کردن خود و کمرویی بعنوان بازدارنده های خلاقیت یاد می کند. (قاسم زاده، ۱۳۷۱) همچنین «ارنست دیمنه» به دو مانع عمده که بر سر راه خلاقیت افراد قرار دارد اشاره دارد:

الف) تظاهر (وجود دورویی در یک نفر)

ب) بی اعتمادی به خود (نداشتن اعتماد به نفس واقعی) (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۷۹)

«أشو» نیز پول، قدرت و شهرت را موانع خلاقیت فرد می داند (فرجی، ۱۳۸۰).

«دکتر ترزا آمابلی» در کتاب شکوفایی خلاقیت کودکان به چهار روش کشتن خلاقیت

در کودکان اشاره دارد:

۱- ارزیابی، ۲- پاداش، ۳- رقابت، و ۴- محدود کردن انتخاب (عظیمی، ۱۳۷۷)

پیرخانی (۱۳۷۹) از موانع خلاقیت بعنوان آسیب شناسی خلاقیت یاد می کند و

آسیبهای خلاقیت را به چهار دسته (۱- الگوهای فردی آسیب زا ۲- الگوهای

خانوادگی آسیب زا و ۳- الگوهای آموزشگاهی آسیب زا و ۴- الگوهای اجتماعی

آسیب زا) تقسیم می کند.

الگوهای فردی آسیب زا

عوامل آسیب زای خلاقیت در این الگو ماهیتی درونی و فردی دارند. به لحاظ این

ماهیت چرخه آسیب عمیقاً از روحیه و درون فرد تأثیر می پذیرد. منظور از شرایط

فردی همان ویژگیهای روانی - شخصیتی است که افراد در پاسخ به محرکها از خود

نشان می دهند. حالتها عاطفی - هیجانی، الگوهای فکری، واکنشهای احساسی و

رفتاری از این ویژگی ها بشمار می روند.

بنابراین ، عوامل آسیب زا مستقیماً از تحلیل نامناسبی که سیستمهای روان شناختی (انگیزشی، عاطفی ، شناختی) فرد ارایه می دهند برمی خیزند و به همین دلیل این نوع آسیبها را باید با رفتار و عملکرد فرد مرتبط دانست. عوامل فردی که آسیب های جدی متوجه خلاقیت می سازند عبارتند از : حقارت ، اضطراب ، کمرویی ، پای بندی به عادت و کم آگاهی.

«دکتر الکس اس ، اسبورن » به بعضی از موانع فردی در راه خلاقیت اشاره میکند و می گوید :

تأکید بر عاداتهای پیشین ، دلسرد شدن ، کم رویی و عدم تحسین و تشویق به موقع گل لطیف خلاقیت را می خشکاند (غلام پور ، ۱۳۷۹).

الگوهای خانوادگی آسیب زا

بدون شک نقش عوامل خانوادگی در آسیب رسانی به خلاقیت چنان بزرگ و شگرف است که می توان آن را عامل زمینه سازی برای تأثیر سایر الگوهای (فردی ، آموزشگاهی و اجتماعی) تلقی کرد.

منظور از عوامل خانوادگی تأثیر روشها، عقاید، برخوردها و الگوهای ارتباطی اطرافیان بر حالتهاى شناختی، عاطفی، انگیزشی و رفتاری فرد خلاق است.

این سری از عوامل عمدتاً عملکرد والدین ، خواهران و برادران و اطرافیان نزدیک را در بر می گیرد. انسانها بخشی بزرگ و پراهمیت از چرخه رشد و تحول خویش را در فضای فرهنگی و تربیتی خانواده می گذرانند. بنابراین ، طبیعی است که

عمیقاً تحت تأثیر آنچه در درون خانواده روی می دهد قرار گیرند. به دلیل این تأثیر عمیق ، چنانچه الگوی فرهنگی و تربیتی خانواده آسیب زا باشد، زمینه های شکوفایی تفکر و شخصیت خلاق شدیداً صدمه خواهد دید.

الگوهای آموزشگاهی آسیب زا

محیط آموزشگاهی در کنار خانواده تأثیرهای ماندگار و عمیقی بر رفتار فرد می گذارد. این محیطها تنها به مدرسه یا محل تحصیل محدود نمی شود. از این رو می توان آن را هر مکان یا فضایی دانست که در آن نوعی فعالیت آموزشی و یادگیری برای فرد تدبیر شده باشد. بدیهی است فعالیت آموزشی فقط محدود به رفتار معلمان و مربیان نمی شود. رفتار هر شخص دیگری که بتواند کودک را تحت تعلیم و آموزش قرار دهد را نیز دربر می گیرد. با این اوصاف، الگوی آموزشگاهی شامل مدرسه ، مهدکودک ، کانونهای فرهنگی و پرورشی ، کارگاه های فنی ، کلاسهای هنری و مواردی از این قبیل می شود. موضوعاتی که عمدتاً ماهیتی آسیب زا در محیطهای آموزشی دارند عبارتند از : ۱- بی تفاوتی مربیان ۲- پای بندی افراطی به قوانین و مقررات و ۳- فقدان امکانات و برنامه. بی تفاوتی مربیان : در محیطهای آموزشگاهی همیشه این بیم وجود دارد که افکار ذوقی و ابتکاری فرد در معرض انتقاد غیرمنطقی قرار گیرد و یا حتی مورد اهانت ، تحقیر یا سرزنش واقع شود. معلمان معمولاً انتظار دارند که دانش آموز از قدرت یادگیری سریعی برخوردار باشد و به چیزی انتقاد نکند و مطیع دستورها باشد. این

انتظار با روحیه فرد خلاق چندان همخوانی ندارد و گاهی وقتها او را به واکنش وا می دارد.

بنابراین ، کم ظرفیتی و آستانه پایین محیط آموزشی در پذیرش رفتار ، افکار و واکنشهای فرد خلاق که معمولاً متفاوت از دیگران بوده و کمی نیش دار و آزارنده است، می تواند موجب طرد یا تضعیف این ویژگیها در فرد شود.

پای بندی افراطی به قوانین و مقررات : هر فعالیت یا فکری برای آنکه به نتیجه برسد باید از نظم و برنامه ای خاص تبعیت کند. با این وصف ، در رشد و تحول خلاقیت گاهی نظم و برنامه به سختگیری و قید و بند مبدل می شود و عملاً از حرکت خلاقیت می کاهد.

انسانها به طور عام و کودکان و نوجوانان به طور خاص از محیط آموزشی آزاد ، راحت و به دور از ترس و نگرانی بیشتر از سایر محیط ها استقبال می کنند. اما در محیطی که کنجکاوی و علاقمندی نسبت به موضوعهای گوناگون کمتر فرصت بروز و حرکت می یابد، افراد به موجوداتی مسخ شده و فاقد اراده تبدیل می شوند. قیودی نظیر تکلیف ، دستورها، همرنگی ، سرعت عمل ، مقررات، منطق ، نگرشها در چنین محیطهایی شدیداً ترویج می شود و تا آنجا پیش می رود که اگر فرد علاقه ای به آنها نداشته باشد احساس اسارت و بی کفایتی به او دست می دهد ؛ احساس بودن در یک پادگان نظامی.

از طرف دیگر ، در فضای بسته ، همه چیز از پیش تعیین شده و مشخص است ، همه چیز جای مشخصی دارد، زمان معینی دارد و از الگوی خاصی پیروی می کند. با کمال تأسف ، فرد در این فضا وظیفه ای جز قبول آنها ندارد و نیازی نمی بیند که سایر موقعیتها و راهها را تجربه کند. بنابراین عملاً برای تلاش و کوشش بیشتر رغبتی نشان نمی دهد. محصول این عمل نیز بوجود آمدن رکود در قلمرو اندیشه و احساس است.

فقدان امکانات و برنامه : همانطور که از اسم محیط آموزشی بر می آید ، جایی است که امکانات ، تجهیزات ، وسایل و برنامه های مشخصی برای تعلیم و تربیت افراد تدارک دیده می شود. در این راستا ، تحقیقات نشان م دهد ، محیط های آموزشی فقیر به لحاظ امکانات و برنامه های فرهنگی ، تربیتی و آموزشی نقش کمی در پرورش خلاقیت بر عهده دارند. چون امکانات و شرایط مناسبی برای تحریک ذهن و اندیشه دانش آموزان در اختیار ندارند.

الگوهای اجتماعی آسیب زا

آسیبهایی که از ناحیه الگوهای اجتماعی بر فرد خلاق وارد می شود ، دارای تأثیرات ماندگار و عمیق است. این الگوها چون با ساختارهای اجتماعی جامعه نظیر سازمانها ، اداره ها ، نهادها ، رسانه ها ، مطبوعات و نیز تاریخ ، فرهنگ ، آداب و رسوم ، ارزشها و هنجارها ارتباط پیدا می کنند قادرند ، منظومه فرد ، خانواده و آموزشگاه را مستقیماً تحت تأثیر قرار دهند.

بخش قابل توجه رفتارهای فردی و خانوادگی تحت تأثیر ارزشها، هنجارها،

فرهنگ و

برنامه هایی قرار دارد که توسط ساختارهای کلان اجتماعی جامعه برای رشد و

تکامل انسانها تدارک دیده می شود. این فرآیند موجب می شود، منظومه فوق تحت

نفوذ و سیطره نظام فرهنگی بزرگتری که جامعه نامیده می شود قرار گیرد از آن

تأثیر بپذیرد. عوامل آسیب زای اجتماعی عبارتند از : ۱- تشویق به همرنگی ۲-

موضع گیری در برابر رفتار ابتکاری ۳- ابهام درباره خلاقیت

عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

آقای پیرخانی (۱۳۷۹) از عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت بعنوان عوامل زمینه

ساز یاد می کند و آنها را به چهار دسته تقسیم می نماید . ۱- الگوهای فردی زمینه

ساز ۲- الگوهای خانوادگی زمینه ساز ۳- الگوهای آموزشی زمینه ساز ۴-

الگوهای اجتماعی زمینه ساز

الگوهای فردی زمینه ساز

انسانها در ایجاد و خلق موقعیتهای و رفتارها نقش برجسته ای دارند . در این فرآیند،

هر فردی اعم از کودک یا بزرگسال خود را مسئول رفتارها و تصمیم های خود می

داند. او می پذیرد که باید تلاش کند، رشد یابد و با موانع و محدودیتهای مقابله کند.

اساس الگوهای فردی را این باور می سازد که نقش فراوانی در رشد و شکوفایی

خلاقیت دارد. بنابراین، به دلیل این مسئولیت نباید لحظه ای از قریحه خلاقه اش غافل

بماند. بی اغراق باید بخش قابل ملاحظه ای از فرآیند شکل گیری قریحه خلاقیت را ناشی از عوامل فردی دانست

وقتی از الگوهای فردی زمینه ساز صحبت می کنیم ، منظور آن دسته از عوامل فردی است که پرورش خلاقیت را تسهیل یا تقویت می سازد. عوامل فردی زمینه ساز عبارتند از :

۱- سعی و کوشش : سعی و کوشش را باید جوهر هر فعالیت خلاقه دانست. برای آنکه خلاق بود یا به خلاقیت رسید ، تلاش کردن امری اجتناب ناپذیر است و چه بهتر که اصل سعی و کوشش از دوران کودکی آموزش داده شود و پرورش پیدا کند.

۲- عشق و علاقه : عشق و علاقه را می توان سرمایه گذاری عاطفی تعریف کرد. انسانها وقتی به چیزی علاقمند می شوند و به آن وابستگی پیدا می کنند ، بیش از هر کار دیگری برای آن وقت می گذارند و به آن توجه می کنند. می توان گفت چون موضوع مورد علاقه برای فرد اهمیت زیادی پیدا کرده ، مورد توجه عاطفی او قرار می گیرد ، فرد به آن عشق می ورزد ، دوستش دارد و برای دستیابی به آن هر کاری حاضر است انجام دهد. خلاقیت این قابلیت را دارد که موضوع سرمایه گذاری عاطفی قرار گیرد.

۳- تحصیلات و مطالعه : فرد با تحصیلات اطلاعات علمی ، تحقیقی، تجربی و کاربردی فراوانی اخذ می کند و با دنیای جدید و تغییر و تحولات عصر فن آوری

آشنا می شود. تحصیلات در عصر کنونی فرد را تواناتر می سازد. تحصیل ، قطعاً برای خلاقیت یک ضرورت است. اطلاع از علوم کشف شده و آنچه هنوز ناشناخته و نامکشوف است، مسیر خلاقیت را بسیار کوتاهتر از گذشته که اطلاعات این چنین مدون نبوده ، می کند. اما آنچه در فرآیند کسب تحصیل مورد تأکید است صرفاً دستیابی به مدارج یا مدارک علمی نیست بلکه بهره مندی صحیح و مناسب از دستاوردهای علمی و فنی علوم مدنظر است. فرد خلاق نیاز دارد که از دانش ، نتایج مطالعات و تحقیقات علمی ، اختراعات، موضوعات نامکشوف و ... سر در آورد نه آنکه به اخذ مدرک فکر کند.

همچنین مطالعه بر غنای اطلاعات فرد می افزاید و خزانه دانش و مهارتهای شناختی او را وسیع می سازد. چنین بستری هم افقهای اندیشه و عواطف فرد را گسترده می کند و هم فضا را برای جنبش و مانور تفکر واگرا مساعد می سازد. بنابراین، در چرخه رشد و تحول آدمی کسب علم و آگاهی پیشنیاز مهم خلاقیت به شمار می رود.

۴- امیدواری و احساس امنیت : قریب به اتفاق صاحب نظران معتقدند که خلاقیت بر دو بنیان قوی عاطفی ، یعنی امیدواری و احساس امنیت قرار دارد. در خلال زندگی ، خلاقیت گاهی با موانع و مشکلاتی مواجه می شود که اگر احساس مثبتی نظیر امیدواری برای حرکت و تلاش آن وجود نداشته باشد در طول راه متوقف می شود. در این حالت باید امیدواری را منبع انرژی برای تداوم خلاقیت فرض کرد.

انرژی امیدواری بر خلاف انتظار پایان نمی پذیرد و همواره می تواند فرد را از در افتادن در ورطه ناامیدی و افسردگی نجات بخشد. هسته امیدواری را دو مفهوم بردباری و تلاش تشکیل می دهد.

۵- در مجموع امیدوار ساختن کودک و پرورش احساس امنیت در او یکی از مهمترین راهکارهای پرورش خلاقیت به شمار می رود.

الگوهای خانوادگی زمینه ساز

خانواده منظومه ای پویا و اندیشه ورز است که نه فقط رشد و تکامل فرزندان را سازمان می دهد بلکه این سازمان را جهت و معنا نیز می بخشد. خانواده در مهیا ساختن بسترهای رشد و پرورش خلاقیت نقش مهمی بازی می کند. زیرا خلاقیت انسان تا حد زیادی وابسته به خانواده است و این وابستگی باعث می شود بخش مهمی از عکس العملها، مهارتها و تواناییهای فرزندان عمیقاً از نظام تربیتی و آموزشی خانواده متأثر شود. شاید آنقدر که بتوان گفت حتی الگوهای فردی زمینه ساز نیز تا حد زیادی بر نظام پرورشی و تربیتی خانواده تکیه می زنند. محور این بحث را عوامل زیر تشکیل می دهد :

۱- محبت : تقریباً اکثر روانشناسان معتقدند، محبت زمینه ساز یادگیری و بروز بسیاری از رفتارهای سازنده است. به قول «مزلو» پایه های خود شکوفایی فرد در آینده بر نشانه های محبت قرار دارد. محبت در خانواده در دوران کودکی و از هنگام تولد بنیان نهاده می شود.

فرآیند کسب محبت در کودک احساس عاطفی مثبت را بنیان می‌گذارد که موجب رفتارهای فوق‌العاده ابتکاری در او می‌شود. روانشناسان معتقدند که ابراز رفتارهای محبت‌آمیز به کودک زمینه‌های تداوم صفات خلاقه را در آینده فراهم می‌آورد.

در نظام رفتاری خانواده، محبت به معنای حمایت از اندیشه و اعمال کودک، علاقمندی به ایده‌ها و کنجکاوی‌های او و تشویق و ترغیب کودک به انجام رفتارهای سازنده، ابراز اندیشه‌های خلاق و تولید آثار خلاقه هنری و علمی در حد توانایی او است. چنانچه خانواده قصد تقویت رفتار خلاق فرزندان را داشته باشد نباید محبت را از کودک و نوجوان دریغ کنند. زیرا آنها هنوز به خانواده وابستگی دارند و نباید انتظار داشت که خود به حمایت از خویش بپردازند. اما میزان و نوع محبت معمولاً از ویژگی‌های فرزندان و شرایط زمانی و مکانی آنها تأثیر می‌پذیرد. در هر حال، محبت به کودک در حدی مجاز است که صفات خلاقه را تحریک کند و رشد دهد. در این شرایط تشخیص موارد افراط و تفریط با والدین آگاه است.

۲- صداقت و رک‌گویی: یکی از ویژگی‌های مثبت والدین در خانواده این است که مروج صداقت باشند. وجود صداقت در خانواده در وهله اول نشانه اعتماد و اطمینان اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است. اگر فضای عاطفی خانواده صادقانه باشد آنها بدون نگرانی و با اطمینان خاطر تلاش می‌کنند حقایق و واقعیتها را با والدین در میان بگذارند.

از آنجا که صداقت اعتماد و اطمینان متقابل را بنا می‌گذارد برای خلاقیت مهم تصور می‌شود. رشد خلاقیت تابعی از رشد اعتماد و صداقت در خانواده است، کودک خلاق دوست دارد به او اطمینان کند و اعتقادات، ارزشها و نیازهایش را صادقانه بپذیرد. او دوست دارد با خانواده راحت باشد و بدون ترس و نگرانی مسائل خود را بیان کند و از زبان والدین نیز واقعیت‌های دیگری را بشنود. کودک خلاق دوست دارد خانواده با او عادلانه و درست رفتار کند.

ترویج رک‌گویی در خانواده سبب می‌شود که بسیاری از اعمال، نظرات، انتظارات، آرمانها، ایده‌ها به روشنی و با صراحت بین اعضای خانواده بیان شود. مزیت صراحت در خانواده این است که تصویر شفاف و روشنی از اهداف زندگی، تحصیل، آینده، تلاشها و تجربه‌ها در اختیار فرزندان قرار گیرد و فرزندان موقعیتها را راحت‌تر درک کنند. رفتار صادقانه که در خانواده با صراحت قرین شود به فرزندان شجاعت در تعامل را می‌آموزد. شجاعتی که در نهایت موجب می‌شود فرد خلاق صراحت با خویشتن را تجربه کند. تشویق و ترغیب صداقت و صراحت از طرف والدین (خواه کلامی یا رفتاری) و تکرار آن در طول زمان بر ثبات ویژگی خلاقه در کودکان خواهد افزود.

۳- خلاقیت والدین: بررسی زمینه‌های افراد خلاق نشان می‌دهد، معمولاً یکی از والدین یا اعضای خانواده آنها خلاق بوده یا به خلاقیت علاقمند بوده است. اگر والدین تجربه‌های مثبت و مفیدی از دوران کودکی و نوجوانی خویش داشته

باشند، شرایط و موقعیت مناسبی برای فرزندان خلاق خود تدارک می بینند. بدین ترتیب خلاق بودن والدین تأثیر مهمی بر پرورش خلاقیت فرزندان دارد. چرا که خلاق بودن والدین زمینه ساز تجربه های مفید و سازنده برای فرزندان خلاق خانواده خواهد بود. اگر والدین از حالات و رفتارهای افراد خلاق آگاه و مطلع باشند، نه فقط از مشاهده فرزندان خلاق متعجب و متأثر نخواهند شد بلکه حتی با اطمینان و اعتماد بیشتری به هدایت و پرورش آنها خواهند پرداخت.

۴- سبک قضاوت والدین : منظور از سبک قضاوت این است که والدین نسبت به تجربه هایی که برای فرزندان پیش می آید ، فعالیت هایی که فرزندان انجام می دهند، احساس یا رفتارهایی که دارند ، اوقات فراغت ، سرگرمیها و خلاصه هر آنچه به فرزندان مربوط می شود چه احساس و نظری دارند ؟

برخوردها و نظرات متعادل والدین به شرطی که به اصل ایده و رفتار صدمه وارد نسازد تأثیر مثبتی بر خلاقیت فرزندان می گذارد چرا که در این برخوردها فضایی توأم با درک متقابل برای فرد خلاق وجود دارد. این برخورد و نظر چون توأم با احترام است ضمن بررسی جوانب مثبت و سازنده ، نواقص و کاستیها را و فضایی فارغ از درگیری و تنش اصلاح می کند. سبک قضاوت استدلی - عاطفی یک رابطه متقابل است. یعنی هم والدین حق دارند حرف و استدلال خود را درباره یک پدیده یا واقعت بیان کنند، هم فرزندان چنین حقی دارند، در اینجا قضاوت و داوری با

رضایت طرفین صورت می گیرد و در غایت جمع مشترکی از نقطه نظرات والدین و فرزندان به دست می آید که تسهیل کننده و حامی اندیشه های خلاق است.

الگوهای آموزشی زمینه ساز

کودکان زمان زیادی را در مهد کودکیها، مدارس و محیطهای یادگیری بسر می برند و بخش قابل توجهی از وقت خود را صرف یادگیری از دیگران و دنیای اطراف خود می کنند. بهترین فرصت یادگیری سازنده و مولد (یادگیری خلاق) فرزندان در محیط های آموزشی فراهم می شود. اهمیت این موضوع را حول دو محور مورد بحث قرار می دهیم.

۱- الگوی یادگیری : عصر کنونی را عصر فن آوری و استفاده از امکانات مدرن نامیده اند. محیطهای آموزشی نیز از این ویژگی دور نمانده اند. تقریباً در اکثر نظامهای آموزشی تلاش می شود تا حد امکان از امکانات و ابزار کمک آموزشی برای اثربخش تر کردن آموزش بهره برداری شود.

امروزه دامنه بهره مندی از تکنولوژی بسیار وسیع و متنوع شده است و دقیقاً نمی توان گفت هر سیستم آموزشی از چه نوع وسایلی می تواند استفاده کند. این نکته به تشخیص صاحب نظران و طراحان آن مرکز بستگی دارد. در هر صورت مواد و امکانات در محیطهای آموزشی برای خلاق شدن افراد به ویژه کودکان و نوجوانان از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

آنچه کودکان و نوجوانان در محیطهای آموزشی نیاز دارند توجه به پرورش استعدادهای خلاقه شان است. به علاوه ، آنها را در چگونگی بهره مندی از فرصتها و یادگیریها توانمند سازند. کودکان می خواهند فرصتها و یادگیریها برایشان معنادار ، جالب، مفید و مؤثر باشد. کودکان می خواهند یادگیری غیر از حفظ کردن را تجربه کنند. آنچه مورد تقاضای آنهاست یادگیری پویا و سؤال برانگیز است. یادگیری که محورش کنجکاوی و علاقمندی است. این نوع یادگیری که به طور باور نکردنی متنوع و جذاب است، یادگیری خلاق نامیده می شود. بر این اساس ، یادگیری خلاق را می توان مناسب ترین الگوی پرورش خلاقیت نامید. هدف از آموزش در این الگو، پرورش تفکر خلاق و رفتارهای سازنده و مولد است و بیش از آنکه به اتمام سریع کار یا فعالیت فکر شود به سودمندی و بهره وری آن فکر می شود. این سودمندی و بهره وری در نهایت نگاه فرد را نسبت به پدیده ها و انسانها مثبت ، لطیف و عمیق ساخته اراده او را برای تلاش بیشتر محکم و استوار می سازد.

در مجموع می توان گفت : الگوی یادگیری خلاق ، با ویژگیهایی نظیر داشتن فرآیند تعاملی، متمرکز بودن بر مهارتها و استعدادها ، دوری از محدودیتها و قیود ، برابری در آموختن و بستری انگیزشی یگانه الگوی آموزشگاهی تصور می شود که در صورت توجه به ابعاد متنوع و کاربردی آن می تواند در ایجاد و زمینه سازی تواناییها و مهارتهای خلاقه افراد مفید و کارآمد باشد.

۲- شخصیت مربی و معلم : برای پرورش خلاقیت باید به محیطی اندیشید که مربیان و معلمان آن قبول داشته باشند در شکل دهی رفتار خلاق افراد نقشی بسیار مهم دارند. فرآیندی به ظاهر یک طرفه اما در حقیقت متقابل و پویا که در آن هم یاد می دهند هم یاد می گیرند.

این فرآیند در اکثر موارد چنان عمل می کند که اندیشه و رفتار مربیان و معلمان مورد توجه یادگیرندگان قرار می گیرد و بانی احساس صمیمیت و علاقمندی متقابل بین آنها می شود. معمولاً مربی که به خلاقیت می پردازد ، اهل مطالعه است و از دانش روز سر در می آورد. حوصله به خرج می دهد، خوب گوش می کند و خوب می بیند و از پیشنهادهای گاه سطحی و گاه سازنده یادگیرندگان ناراحت و منقلب نمی شود بلکه از آنها استفاده می کند. انعطاف پذیر، کنجکاو و اهل فکر و ابتکار است. از بحث و گفتگو استقبال می کند و به تدبیر کردن فعالیتهای مفید عشق می ورزد.

سختکوش و پرتلاش است و مشاهده چنین رفتارهایی را دوست دارد. به آموختن و کسب تجربه علاقمندانه توجه دارد و از آنها غافل نمی شود. کمتر پرخاشگری می کند و بیشتر کمک می کند. تغییرات سازنده را با آغوش باز می پذیرد و خود او مظهر خلاقیت است.

نگرش مثبت مربی نسبت به خلاقیت اولین و مهمترین قدم رشد و شکوفایی خلاقیت است نگرش مثبت چنان تأثیری بر اندیشه ، گفتار و رفتار مربی می گذارد که

از سه بعد به رشد خلاقیت کمک می کند. در بعد نخستین ، اندیشه مربی محرک اندیشه خلاق کودک می شود. او افکار و تجربه های سازنده ای را در اختیار اندیشه خلاق کودک می گذارد. در بعد دوم، گفتار مربی به تقویت اندیشه و عواطف خلاق کودک یاری می رساند. مربی از کلمه ها و عبارتهای مشوق و دلگرم کننده برای تداوم خلاقیت استفاده می کند و در بعد سوم ، رفتار مربی به تحکیم شخصیت خلاق کودک یاری می رساند. مربی عملاً کودک را برای نشان دادن خلاقیت وادار به فعالیت می کند و به تدریج ترس او را از بین می برد.

الگوهای اجتماعی زمینه ساز

به طور کلی ، الگوهای اجتماعی تحت تأثیر نظام اندیشه و رز ساختارهای کلان اجتماعی و نگرشها و باورهای جامعه قرار دارند. به همین دلیل فرآیند تکوین آنها توأماً در نظام اندیشه و رز ساختارهای اجتماعی و نظام احساسی - شناختی جامعه تحقق می یابد. این تحقق از دو روش تبدالی تبعیت می کند؛ اولین گونه تبادل از ساختار (سازمانها و نهادها) به طرف جامعه است و دومین گونه تبادل از جامعه به طرف ساختار.

اگر الگوهای اجتماعی که خلاقیت را زمینه سازی می کنند در بستر این نظامهای تبدالی قرار گیرند و پذیرفته شوند هم به تسهیل خلاقیت از بعد ساختاری (سازمان) یاری می رسانند هم به مقبولیت اجتماعی و عمومیت یافتن آن یاری می کنند الگوهای اجتماعی که خلاقیت را تسهیل می کنند عبارتند از ؛

گرایش به اندیشه ورزی ، ترغیب تحرک و پویایی ، باور به پیشرفت و ترقی و... (پیرخائفی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸) .

۱- گرایش به اندیشه ورزی : جامعه ای که به فکر کردن و اندیشه ورزی بهای فراوانی می دهد خود بهترین مروج اندیشه خلاق است. زیرا خلاقیت، اصالتاً ماهیتی ذهنی دارد و بر فکر ، ایده و نظر استوار است . به همین دلیل گرایش به اندیشه ورزی نمادی از اهمیت و رغبتی است که جامعه به اصل تفکر به طور عام و تفکر خلاق به طور خاص می دهد.

گرایش به اندیشه ورزی در جامعه ، احترام به ویژگی اندیشه ورزی فردی انسانهاست. فرصتی که سازماندهی خود را به ارمغان می آورد؛ خدمت به خویشتن برای تندرستی ، موفقیت، زندگی کردن و ... بهترین هدف اندیشیدن است. بنابراین جامعه اندیشه ورز جویای آن است که انسانها برای دستیابی به روند مطلوب در زندگی به طور فردی فکر کنند.

ولی هدف دوم ، بسی والای و مهمتر است. در این جایگاه تفکر رشد می کند و به مراتب عالی تر می رسد. یعنی به مقام خلاقیت . در حقیقت هدف نهایی جامعه اندیشه ورز ، تشویق تفکر خلاق یعنی بهترین نوع تفکر است. اگر هدف تفکر به معنای اول کمک به رشد توانمندیهای فردی انسانها است. هدف از تفکر خلاق، خدمت به جامعه انسانی است. تفکر خلاق، خلق می کند تا انسانها از آثارش سود بگیرند و حس زیباشناسانه از زندگی اجتماعی پیدا کنند. تمایل جامعه به اندیشه ورزی کمک می کند

تا افراد خود را به مقام خلاقیت رسانند. یعنی مقام خدمت به جامعه خدمتی که پیشرفت و ترقی جامعه را در پی دارد (مجله نامه فرهنگ، شماره ۲۲).

۲- ترغیب تحرک و پویایی : خلاقیت را باید نماد پویایی و تحرک دانست. پویایی و حرکتی که راههای سخت و دشوار فردی و اجتماعی را هموار می کند. راز چنین پویایی در تلاش و جدیت فرد خلاق نهفته است. با توجه به این ویژگی خلاقیت ، ترغیب پویایی معنای خاصی پیدا می کند.

منظور از ترغیب حرکتی است که بتواند ویژگیهای مثبت خلاقیت را در رفتارهای اجتماعی شکل دهد. جامعه برای آنکه حیات داشته باشد باید حرکت کند و به طور شبانه روزی تلاش داشته باشد. حالا فرق نمی کند که این تلاش در یک واحد کوچک اجتماعی نظیر خانواده روی دهد یا در واحدهای بزرگتر نظیر اداره یا سازمان . تلاش و پویایی با وجود وجوه مشترک تفاوتهایی با هم دارند.

تلاش معمولاً به کمیت کار توجه دارد در حالی که پویایی به کیفیت می اندیشد در تلاش کردن فرد فقط زحمت می کشد بی آنکه به خلاقیت بیندیشد. ولی در پویایی اگر چه عنصر تلاش نهفته است ولی عمدتاً به بهبود و کیفیت کار توجه می شود. جامعه برای پرورش و ترویج خلاقیت باید تلاش و جدیت را به عنوان فرآیندی عمومی و همگانی تشویق و حمایت کند.

برای آنکه بتوان کودک و نوجوان پویا داشت ، باید او را در تلاشهایش پویا ساخت. کودک و نوجوان را باید به تلاشی سازنده هدایت کرد، نه تلاشی بدون اثر ، او نیاز

دارد که پویایی را به همه محدوده های زندگی اعم از تحصیل ، اوقات فراغت ، مطالعات ، مسابقات ، مسئولیتها و ... وارد کند. بدین گونه ، پویایی فرد را از کسالت و تلاشهای خسته کننده می رهند و او را به عضوی مؤثر تبدیل می کند. در این رابطه ، بهترین فضا برای تبدیل تلاش به پویایی را ساختارهای اجتماعی فراهم می کنند. در نهایت می توان بیان نمود که الگوی تحرک و پویایی با ایجاد تغییر سازنده در تلاشها می تواند به زمینه سازی خلاقیت کمک کند.

۳- باور به پیشرفت و ترقی : الگوی پیشرفت و ترقی هدف و غایتی است که جامعه را به سوی پویایی و تغییرات سازنده رهنمون می سازد.

به عبارتی دیگر ، به جامعه دید متعالی می دهد. برای توجه به خلاقیت باور به پیشرفت بنیانی انگیزشی در تمام زمینه های فردی ، اجتماعی ، علمی ، صنعتی و فرهنگی - هنری به وجود می آید. بنابراین در صورتی که باور به پیشرفت و ترقی در جامعه عمومیت پیدا کند و پذیرفته شود می توان از حد فعلی و کنونی فراتر رفت و به نداشته ها و چیزهای بهتر در زندگی ، کار، تحصیل ، شغل ، تولید ، مدرسه ، شهر و نظایر اینها اندیشید. آن وقت شاید فضای مناسب تری برای پرورش خلاقیت فراهم آید. اگر باور به پیشرفت و ترقی در نظام اندیشه و رز ساختارهای اجتماعی جای بگیرد می توان انتظار داشت که ناهمواریها — چه سریعتر هموار شود. به گونه ای که چشم اندازی شفاف و امیدوار از سرمایه گذاری عظیم جامعه برای توجه به خلاقیت در همه زمینه ها تصویر شود (پیرخائفی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۰).

توصیه های کاربردی برای پرورش دهندگان خلاقیت :

۱- سعی کنید مطالبی را که پیرامون خلاقیت آموخته اید برای خودتان بصورت ملکه

و یا آماده بکارگیری در آورید. (درک عمیق مطالب به منظور استفاده بهینه و

مناسب در مواقع مورد نیاز)

۲- برای پرورش خلاقیت کودکان و نوجوانان باید انسانهای نواندیش و خلاق بکار

گرفت بنابراین اگر نواندیش و خلاق هستید که آن ویژگی را تقویت نمایید و در

صورتیکه می دانید خلاق نمی باشید تلاش کنید تا قدرت و مهارت خودتان را

پرورش دهید.

۳- هر مطلب جدیدی را که می آموزید سعی کنید در اسرع وقت بکار گیرید تا بتواند

راهگشای حرکت شما در مسیر خلاقیت و نوآوری باشد.

۴- از هر مطلب آموخته شده می توانید دهها مطلب تازه استخراج کنید.

۵- برای کوچکترین و کم بهاترین نمودهای خلاقیت و نوآوری ارزش قائل شوید.

۶- کودکان را پس از آموزش مختصر به حال خود بگذارید تا از مطلب یاد گرفته

شده همان قسمتهایی را استفاده کنند که دوست دارند. چرا که آزادی و اختیار

کودکان اصل مهمی برای پرورش خلاقیت آنان محسوب می شود.

۷- هیچ گاه به علوم روانشناسی تربیتی و سایر علوم دیگری که پیرامون خلاقیت می

آموزید بعنوان یک مطلب ثابت و همیشگی نگاه نکنید.

۸- سعی کنید کودکان خلاق را شناسایی کنید و با نظارت و راهنمایی نگذارید از خلاقیت خود در مسیرهای نامناسب و ناهنجار استفاده کنند.

۹- با کودکان بازیهای نواندیشانه و خلاق انجام دهید و نگذارید اوقات گرانبه‌ای خویش را صرف بازیهای غیرخلاق بنمایند (کردی، ۱۳۷۹).

صفات مشخصه افراد بسیار خلاق :

«دکتر ترزا آمابلی» داشتن صفات ذیل را از نشانه‌های افراد بسیار خلاق می‌داند

۱- انضباط شخصی درباره کار

۲- پشتکار و جدیت حتی در موارد سر خوردگی

۳- استقلال

۴- تحمل موقعیتهای مبهم

۵- عدم مطابقت با کلیشه‌های جامعه

۶- توانایی صبر کردن و بردباری

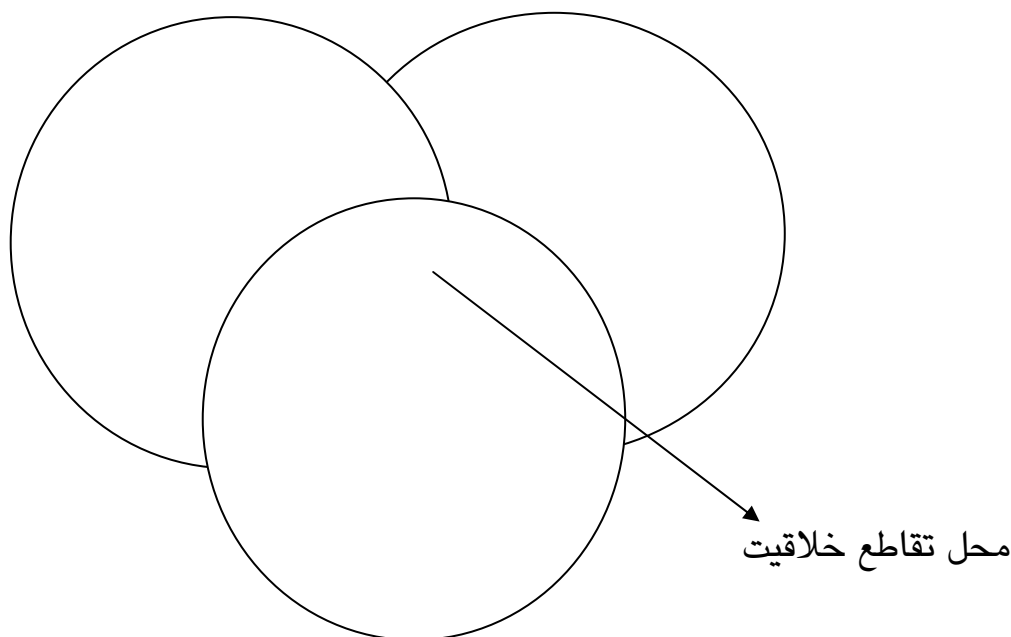
۷- انگیزه شخصی برای انجام کارها

۸- تمایل به پذیرش خطر (قاسم زاده، ۱۳۷۷).

محل تقاطع خلاقیت

فرهنگ ما تأکید زیادی بر هوش ، استعداد، مهارت و تلاش جدی دارد. مطمئناً همه اینها حائز اهمیت است اما فقط دو سوم فرمول خلاقیت را تشکیل می دهند و یک سوم بقیه انگیزه درونی می باشد. برای کمک به کودکان در جهت نیل به خلاق ترین مرحله ممکن باید به آنها کمک کنیم تا نقاطی را که علائق و مهارتهایشان منطبق می گردد یعنی محل تقاطع خلاقیت را تشخیص دهند. در این محل قلمرو مهارتهای کودک و مهارتهای تفکر خلاق وی بر روی علائق درونی وی منطبق می شوند. این حالت ترکیب پر قدرتی است زیرا جایی است که کودک به احتمال بسیار زیاد خلاق خواهد بود.

() .



اگر چه شرایط و امکانات آموزشی از جمله عوامل مؤثر در جریان یادگیری می باشند، معلم یکی از مهمترین عوامل تشکیل دهنده محیطهای آموزشی است و به لحاظ اهمیت نگرش و روش تدریس معلم در فرایند فعالیتهای آموزشی

لازم است به بررسی روش تدریس معلمان پرداخته شود. تا روشن شود که آیا معلمان و دست اندر کاران تعلیم و تربیت توانسته اند امکانات مطلوب یادگیری و زمینه های شکوفایی استعداد شاگردان را فراهم کنند؟ آیا تجارب حاصل از مدرسه با تجارب واقعی شاگردان متناسب است؟ آیا طراحی آموزشی معلمان (در صورت داشتن طرح) و نحوه ارایه مطالب، بر اساس شناخت، علاقه و انگیزه شاگردان صورت می گیرد؟ آیا اصولاً به شاگردان و نیازهای آنان به عنوان یک مجموعه با ارزش نگاه می کنند؟ آیا نگرش معلمان نسبت به فلسفه و هدفهای تعلیم و تربیت، ضامن موفقیت شاگردان و پرورش خلاقیت آنان است؟

اگر معلم با اصول و مبانی و هدفهای آموزش و پرورش، ویژگی های شاگردان و نیاز آنان، روشها و فنون تدریس، و معایب و محاسن هر روش آشنایی و محاسن هر روش آشنایی نداشته باشد، هرگز قادر نخواهد بود زمینه شکوفایی استعداد و پرورش خلاقیت شاگردانش را فراهم کند (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۳).

تأثیر روش تدریس معلم بر خلاقیت دانش آموزان

اگر معلم آشنا به نظریه ها و اصول یادگیری نباشد و تدریس را تنها انتقال واقعیت‌های علمی بداند و تجارب یادگیری را منحصر به نشستن در کلاس، گوش دادن و حفظ کردن مطالب شنیده شده یا نوشته شده در کتاب تصور کند، مسلم است که

در تقویت کنجکاوی و پرورش تفکر شاگردان چندان موفقیتی به دست نخواهد آورد. زیرا شاگرد که همواره علاقه مند به فکر کردن است. در بررسی امور مختلف، باید فرصت حرکت و جنبش داشته باشد تا بتواند به هدفهای آموزش برسد.

یادگیری، بدون تلاش و فعالیت دانش آموز و تعامل او با محیط صورت نخواهد گرفت. دانش آموز برای اینکه یاد بگیرد باید فعالیتی متناسب با علاقه و توان خود را داشته باشد. اگر در روش تدریس معلم نکات فوق در نظر گرفته نشود. مدرسه و کلاس درس برای شاگرد جذاب و جالب نخواهد بود. اما اگر معلم خود را راهنما و ایجاد کننده شرایط مطلوب یادگیری بداند و به جای انتقال اطلاعات، روش کسب تجربه را به شاگردان بیاموزد، آنان در برخورد با مسائل فعالتر خواهند شد. از منابع مختلف استفاده خواهند کرد، اطلاعات لازم را به دست خواهند آورد و به سازمان دهی آن خواهند پرداخت، آن را تجزیه و تحلیل خواهند کرد تا به حل مسایل نایل شوند. با چنین روشی، شاگرد نه تنها حقایق علمی را فرا می گیرد، بلکه با روشهای عملی کسب معرفت نیز آشنا خواهد شد، طرز کار با منابع مختلف، نحوه استفاده از مطالب درسی برای حل مسأله را خواهد آموخت و در فرآیند یادگیری ابتکار و خلاقیت خود را به کار خواهد انداخت (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۲۱).

روش تدریس سخنرانی

روش سخنرانی یکی از روشهای تدریس است که معلم به وسیله ی آن می کوشد. رغبت دانش آموزان را بر انگیزد و در ایشان اثر کند و آنها را به فعالیت وا

دارد. یا اینکه می خواهد از طریق سخنرانی عقاید و افکاری را به ایشان تلقین کند)
شعبانی، ۱۳۷۱ص ۲۸۶).

روش سخنرانی «روش تقریری» نیز نامیده می شود. از زمانی که روشهای
متکی به تجربه و فعالیت معرفی شده است روش سخنرانی بعنوان یک روش
منسوخ تلقی می گردد (نیساری، ۱۳۷۴ص ۲۵).

نکات ضعف روش سخنرانی :

- مهمترین ایرادی که متوجه روش سخنرانی می باشد این است که معلم هنگام
سخنرانی در حال فعالیت و تقلا است، در حالیکه همه شاگردان ساکت و غیر فعال
گوش می دهند. و چه بسا که حواسشان نیز متوجه گفتار معلم نیست. از آنجایی که
کار و فعالیت و احساس مسئولیت بوسیله دانش آموزان از اصول جدید آموزش و
پرورش و از عوامل مؤثر بر پرورش دانش آموزان شناخته شده است، در نتیجه
روش سخنرانی در دبستان و کلاسهای پایین دبیرستان اهمیت خود را از دست داده
است.

- انتقاد دیگری که از روش سخنرانی می شود این است که در کلاسهای پایین
دبیرستان و بویژه در دبستان دانش آموزان بیش از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه از وقت کلاس را
نمی توانند ساکت و آرام شسته و به سخنرانی یا گفتار معلم گوش دهند. و اگر به
ناچار مجبور به نشستن و سکوت باشند از میزان خلاقیت آنان کاسته شده و
یادگیری آنها پایدار نخواهد بود.

- ایراد سوم این است که معلم با ادامه این روش موفق به شناسایی شاگردان خود نمی‌گردد و در نتیجه قادر به برخورد هـای فردی و زمینه ساز خلاقیت نخواهد بود. (نیساری، ۱۳۷۴، ص ۲۵)

- روش سخنرانی سازگار و متناسب هر معلمی نیست این روش مستلزم وجود برخی از خصوصیات شخصیتی مانند: صدا، روش سخن گویی آرامش و غیره است که در همه معلمان به یک نسبت یافت نمی‌شود (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۷)

مراحل اجرای روش سخنرانی

: آمادگی برای سخنرانی: برای معلم آمادگی باید از سه نظر کسب شده

باشد. ۱- آمادگی از نظر تجهیزات آموزشی ۲- آمادگی عاطفی ۳- آمادگی از نظر زمان

تدریس

: مقدمه سخنرانی: مقدمه را می‌توان به منظور ایجاد رابطه بین معلم و

شاگرد، جلب توجه شاگردان، نشان دادن مندرجات و مضامین اساسی و به فعالیت و جذبش در آوردن اطلاعات و تجربیات شاگردان مورد استفاده قرار داد.

متن و محتوای سخنرانی: متن سخنرانی قسمت اصلی و بسیار مهم

سخنرانی را تشکیل می‌دهند معلم باید در این مرحله به نکات زیر توجه نماید:

۱- جامع بودن محتوا

۲- سازمان دهی منطقی محتوا

۳- استمرار توجه به شاگردان در طول ارائه محتوا

: جمع بندی و نتیجه گیری: وقتی سخنرانی تمام شد معلم می تواند از

شاگردان بخواهد که بعضی از نکات مهم درس را به خاطر بیاورند یا نظر خود را درباره آنها بگویند. به سئوالات شاگردان پاسخ گوید و نکات اساسی و مهم درس را دوباره گوشزد و مرور کند.

نکات قوت روش سخنرانی

۱- این روش تدریس بسیار ارزان است.

۲- این روش مختص کلاسهای پر جمعیت است.

۳- در این روش معلم می توان تغییرات لازم را در نکات و عبارات بدهد تا برای شاگردان قابل فهم باشد به عبارت دیگر روش سخنرانی روشی انعطاف پذیر است.

۴- معلم می تواند شور و حرارت لازم را در کلاس ایجاد نماید (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۷).

۵- در روش سخنرانی حسن شنوایی دانش آموزان تربیت شده و آنان به گوش دادن ترغیب می شوند.

رابطه بین روش تدریس سخنرانی و خلاقیت دانش آموزان

هر روش تدریسی مزایا و ایرادهایی دارد و معلم آگاه و مسلط به خوبی می داند چگونه اصول و مبانی را رعایت کند و در چه موقعیت و با چه شرایطی از جنبه های مثبت هر روشی استفاده کند. با توجه به محاسن معایب مطرح شده استفاده

بیش از حد معلم از روش سخنرانی می تواند تأثیر معکوسی به خلاقیت دانش آموزان داشته باشد.

روشهای تدریس رفتار گرایانه

رفتار گرایان، یادگیری را تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه گیری تعریف کرده اند و معتقدند یادگیری اساس رفتار انسان را تشکیل می دهد و نخستین صفت مشخص آن «تغییر» است. تغییری که بتدریج رخ می دهد، نسبتاً ثابت و پایدار است و در اثر تجربه حاصل می شود. از طریق یادگیری، فرد با محیط خود آشنا می شود، در مقابل محیط مقاومت می کند، محیط را تغییر می دهد و برای تأمین احتیاجات خود از آن استفاده می کند و گاهی تحت تأثیر آن قرار می گیرد و زمانی خویشتن را با آن منطبق و سازگار می سازد. در واقع یادگیری فرآیندی است که بوسیله آن رفتار موجود زنده، در اکثر تجربه تغییر می یابد، در روشهای رفتار گرایانه معلم در جریان تدریس و کلاس داری از عوامل: تشویق، تنبیه، جریمه، تمرین تکرار و ... استفاده می نماید.

الف) پاداش

پاداش یک تجربه رضایتبخش و خوشایند است که نتیجه یک رفتار خاص می باشد که یک عامل درونی یا بیرونی آن را برانگیخته است. شخص به تکرار همان رفتار علاقمند می شود، زیرا هر عمل یا پاسخی توأم و یا به آن منجر گردد زود

آموخته و بیشتر تکرار می شود. (نرمان ، ۱۹۸۴) پاداش یک نوع تشویق است و هر تشویق باید توضیح دهنده باشد ، نه ارزشیابی کننده.

تشویق باید حوادث را دربر گیرد و نه شخصیت را. باید تصویری واقعی از تلاش ها را ارائه کند. و اعتماد فرد را بیافزاید. احساس اطمینان را در شخص افزایش دهد، او را مصمم سازد و نیت خیر را در فرد بیدار سازد. پاداش می تواند مادی و غیرمادی باشد. نوع و مقدار پاداش مهم نیست، مهم این است که شادی آفرین باشد و این در صورتی است که نمایانگر محبت بزرگترها نسبت به کودکان باشد (ادوارد و نیکلر، ۱۹۹۲).

لازم است معلمان تا حد امکان از پاداشهای آشکار اجتناب کنند. می توانند در صورت لزوم جایزه هایی به عنوان پاداش پس از انجام کار ، و نه به عنوان وعده به آنها بدهند. (قاسم زاده ، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷) استفاده بیش از حد معلم از پاداش می تواند موجب کاهش خلاقیت کودکان گردد و عادت دادن کودکان به دریافت پاداش یکی از موانع خلاقیت به حساب می آید.

(

ارایه یک محرک آزاردهنده برای تغییر دادن رفتار را تنبیه گویند. طبق نظریه

گاتری برای آنکه تنبیه مؤثر افتد دو شرط باید منظور شود :

۱- تنبیه باید رفتاری را بوجود آورد که با رفتار نامطلوب مغایر است.

۲- تنبیه باید در حضور محرکهایی که پاسخ نامطلوب را بوجود می آورند انجام شود. (سیف ، ۱۳۷۴) تنبیه در اصل فرآیندی است که با تقویت تفاوت دارد، تقویت در مورد تحکیم پاسخ به کار می رود و تنبیه فرآیندی است که انجام پاسخ را تضعیف می کند (معینی، ۱۳۷۰)

با توجه به اینکه تفکر مستقل از ویژگی های ذاتی بشر است و معلمان با برخورد های نامناسب خویش راه شکوفایی آن را بر کودکان سد می کنند چنین تصور می شود که هر میزان که نظام آموزشی از تنبیه و سرکوب کردن کودکان پرهیز کند در راستای تحقق مأموریت های خویش و پرورش خلاقیت آنان گام برداشته اند. (عابدی ، ۱۳۸۳) استفاده مستمر معلم از تنبیه در فرآیند تدریس موجب کاهش خلاقیت دانش آموزان می شود.

ج) جریمه

اگر در مقابل انجام رفتار نامطلوب ، از تقویت کننده ای که فرد بدست آورده کسر کنیم این عمل را جریمه کردن گویند. کسر کردن نمرات دانش آموزان در نتیجه کارهای غلطی که انجام داده اند ؛ نمونه ای از جریمه کردن است همچنین وا داشتن دانش آموز به انجام تکالیف اضافی نیز نوعی جریمه محسوب می شود. استفاده معلم از این فاکتور در امر آموزش دانش آموزان موجب کاهش خلاقیت آنان می گردد.

د) تمرین و تکرار

تمرین و تکرار بی معنا و مفهوم ممکن است دانش آموزان را به دادن پاسخهای مکانیکی تشویق کند که این امر موجب کاهش خلاقیت کودکان می گردد معلمین بهتر است برای جلوگیری از این امر بر معنا و مفهوم مطالب تکیه کنند و حفظ کردن طوطی وار و بدون اندیشه را نکوهش نمایند (کدیور ، ۱۳۶۸).

«دکتر شریعتمداری» بیان می کند : اینکه فرد بدون توجه و آگاهی به تکرار مطالبی می پردازد و همین امر او را به فراگیری مطالبی خاص یا مهارتی معین قارد می نماید. این نوع فراگیری با درک و فهم توأم نیست و محدودیتی خاص در رشد فرد بوجود می آورد و در عمق شخصیت فرد نفوذ ندارد و در نتیجه تغییری در طرز فکر ، تمایلات و فهم فرد بوجود نمی آورد.

ارزشیابی نهایی

در روشهای سنتی آموزش، امتحان به عملی گفته می شود که در پایان هر یک از سه ماه یا نیم سال تحصیلی برای اندازه گیری میزان آموخته های شاگردان و تعیین قبول شدگان و مردودین به منظور ارتقای شاگردان از کلاسی به کلاس دیگر یا از واحدی به واحد دیگر انجام می گرفت. در اصطلاح جدید، مفهوم امتحان با ارزشیابی یکی است، زیرا هر دو به اندازه گیری آموخته های شاگردان مربوطند. بنابراین امتحان نیز همچون ارزشیابی احتیاج به اطلاعات دارد. اطلاعات از طریق اندازه گیری بدست می آید و اندازه گیری هر صفتی احتیاج به یک وسیله دارد (شیبانی، ۱۳۷۱، ص ۳۸۷).

چرا بسیاری از دانش آموزان از امتحان می ترسند؟

علت ترس و اضطراب از امتحان، بیشتر ناشی از عملکردهای غلط معلمان، و روشهای نادرست امتحان است. گاهی معلم نقش خود را که فراهم ساختن شرایط و امکانات مناسب آموزش و پرورشی و هدایت فعالیتهای آموزشی شاگردان به منظور رشد همه جانبه آنان است؛ فراموش می کند و تنها به انتقال حقایق علمی، و اندازه گیری آن حقایق ضبط شده توسط دانش آموزان به منظور عبور آنان از کلاسی به کلاس دیگر می پردازد. در حالی که امتحان و ارزشیابی همچون سایر فعالیتهای آموزشی است وظیفه همه معلمان است که امتحان را از وجه ناآگاهانه به شکل آگاهانه در آورند، و بدانند که ارزشیابی، تنها برای صدور جواز عبور شاگرد از یک کلاس به کلاس دیگر نیست.

اهداف ارزشیابی نهایی (امتحان)

هدف معلم و مؤسسات آموزشی از برگزاری امتحان چیست و چرا باید شاگردان را به کاری که می دانیم برای آنان چندان خوشایند نیست، وادار کنیم؟ هدف از برگزاری امتحان می تواند موارد زیر باشد.

۱- ایجاد رغبت در شاگردان برای یادگیری و یادگیری بیشتر

۲- تحکیم مبانی شخصیتی شاگردان با ایجاد تغییرات تدریجی در آن

۳- تعیین رابطه عملکرد با هدف، یعنی تشخیص اینکه شاگردان تا چه حد به اهداف

تعیین شده دست یافته اند تا بتوان بر اساس آن برای آینده برنامه ریزی کرد.

۴- شناخت تفاوتهای فردی شاگردان برای فراهم ساختن امکانات کمک به شاگردان

نیازمند.

۵- ارزیابی معلم از کار و عملکرد خودش به منظور ادامه روش یا روشها، اصلاح آن، یا تغییر بنیادی روش یا روشهایی که تاکنون در تدریس داشته است.

رابطه ارزشیابی نهایی و خلاقیت

متأسفانه وقتی سخن از فعالیتهای آموزشی بعد از تدریس مانند ارزشیابی به میان می آید، نوعی غرور در شخصیت معلم و نگرانی و اضطراب در چهره شاگردان به وضوح مشاهده می گردد. اگر چه واژه های آزمون و آزمایش و واژه های غیر فارسی تست و حتی کوئیز به دلایل متعدد جانشین امتحان شده تا شاید وحشت ضمنی یا آشکار شاگردان را از این قضیه کاهش دهد، اما همچنان این «غول» با حدت و شدت همیشگی دل و جرات از شاگردان می رباید و مفهوم امتحان برای آنان همراه با ترس و اضطراب است. زیرا در آنها معنای شکست یا موفقیت، قبول یا رد شدن را بیدار می کند.

متأسفانه برخی از معلمان از امتحان به عنوان یک ابراز قدرت استفاده می کنند. و با ایجاد زمینه های نامطلوب آموزشی نوعی نگرانی و وحشت از امتحان برای همیشه در اذهان شاگردان باقی می گذارد و زمینه نوآوری و خلاقیت را در دانش آموزان از بین می برد (شیبانی، ۱۳۷۱، ص ۳۸۷).

تأکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتوای کتاب درسی و رابطه آن باخلاقیت دانش آموزان

مطالعه کتابهای غیردرسی کودکان را از زندان تاریک جهل می رهند و افق دید آنها را گسترش می دهد. همچنین به آنها کمک می کند از شتابزدگی در تصمیم گیری

بپرهیزند کودکانی که زیاد مطالعه می کنند و حرفهای زیادی برای گفتن دارند و تمایل دارند دانسته های خویش را با دیگران تقسیم نمایند، این گروه در هنگام تنهایی بهتر می توانند در اعماق وجود خویش به تفکر پرداخته و در نتیجه خلاقیت آنان پرورش می یابد (آقایی ، ۱۳۷۲) بنابراین تأکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتویات کتاب درسی از میزان مطالعه دانش آموزان کاسته و در نتیجه بر خلاقیت آنان تأثیری معکوس دارد.

تحقیقات انجام شده در زمینه خلاقیت :

الف) تحقیقات انجام شده در ایران

- تحقیقی توسط ابوالفضل اشتری ، تحت عنوان «نقش مدیران در بروز خلاقیت در

معلمان » انجام گرفته است که یافته های این تحقیق عبارتند از :

۱- این پژوهش نشان می دهد که هر چه میزان تحصیلات مدیر به ویژه در ارتباط با

رشته مدیریت بالاتر باشد میزان خلاقیت معلمان افزایش می یابد.

۲ - معلمان ما نسبت به خلاقیت و راههای پرورش آن شناخت کافی ندارند. این

مورد درباره معلمینی که دارای مدرک تحصیلی پایین تر بودند بیشتر مشهود بوده

است.

۱- یافته های دیگر این پژوهش بیانگر این مطلب بود که هر چه میزان مشارکت

معلمان در مدارس زیاد باشد خلاقیت آنها در کارها بیشتر می شود.

۴- این پژوهش نشان داد که در محیط های بسته و استبدادی هیچ گونه خلاقیت و

نوآوری بروز نمی کند.

- تحقیق دیگری توسط سکینه بابایی (۱۳۷۹) با عنوان «خلاقیت و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان مراکز تربیت معلم زنجان» صورت گرفته است که با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات نتایج زیر حاصل شده است:

۱- هر چقدر میزان انگیزش، میزان اعتماد به نفس در حد بالایی از طرف پاسخگویان ابراز و احساس گردد آن گاه میزان خلاقیت و نوآوری ارتقا خواهد یافت.

۲- هر چقدر میزان ارزیابی سیستم آموزشی و میزان مشارکت اجتماعی در سازمان از نظر پاسخگویان مثبت تلقی گردد تأثیر بیشتری بر میزان خلاقیت خواهد داشت.

- پژوهشی توسط علیرضا حجتی (۱۳۷۵)، تحت عنوان «بررسی ارتباط خلاقیت و سطح شرایط ارزش مندی در دانشجویان مراکز تربیت معلم مشهد» انجام شده است که نتایج حاصله از این تحقیق نشان می دهد که :

۱- میزان همبستگی بین عامل بسط و سطح شرایط ارزشمندی ۵٪ می باشد و میزان همبستگی در سطح پنج درصد معنادار بوده و فرضیه تحقیق را تأیید می کند.

۲- میزان همبستگی بین عامل انعطاف پذیری و سطح شرایط ارزش مندی در سطح ۵٪ معنادار نیست.

۳- تفاوت گروههای جنس در آزمون خلاقیت معنادار نیست.

- آقای اصغر محمدی (۱۳۷۰) در زمینه پرورش دهندگان خلاقیت پژوهشی انجام داده اند که نتیجه زیر قابل استخراج است:

۱- افراد خلاق به مراتب بیشتری از افراد غیرخلاق می توانند ویژگی خلاقیت را نزد دانش آموزان پرورش دهند.

- خانم پروانه طهماسب نظامی (۱۳۷۴) تحقیقی با عنوان «خلاقیت به عنوان یک منزلت اجتماعی» انجام داده است. نتایج حاصل از این پژوهش عبارتند از :

۱- اگر جامعه ما به رشدی برسد که خلاقیت ، نوآوری ، اختراع و ابداع را ارزش بداند، آنگاه ما به آستانه بهره وری خواهیم رسید.

۲- برای رسیدن و جا انداختن این اهداف ۲ ابزار بسیار مهم لازم است. (الف - نقش رسانه ها در تقهیم این مطلب ب - مدیریت علمی و صحیح و کارآمد).

- آقای رسولی در پژوهشی با عنوان «نوآوری و انطباق آن در سازمانها» نتایج زیر را بدست آورد :

۱-نوآوری و خلاقیت را می توان از طریق ایجاد زمینه بروز ، هم زمان سازی دانش تئوری و عملی ، شناخت مسائل و چگونگی برخورد با آنها و اجازه فعالیت به افکار سازنده و فعال را گسترش داد.

۲ - یک سازمان در راه تحقق خلاقیت باید دارای مدیرانی نوآور بوده و مدیر علاوه بر آشنایی با استعدادهای افراد، خود باید از راهکارها و شیوه های نوآوری مطلع باشد و در راه تحقق آن زمینه های لازم را فراهم نماید.

- خانم افضل السادات حسینی (۱۳۷۶) در یک مقاله پژوهشی «عوامل و موانع رشد خلاقیت» را مورد بررسی قرار داده و به نتایج ذیل دست یافته است :

۱- هر چند توانایی خلاقیت به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور و رشد و توسعه آن وابسته به عوامل مختلف فردی و اجتماعی و غلبه بر موانع فردی و اجتماعی است.

۲- از بین عوامل مختلف آموزش خلاق، فکر کردن و انگیزه از اهمیت خاصی برخوردار است.

- خانم وفایی سفتی (۱۳۷۷) با اجرای طرح پژوهشی «خلاقیت، فرهنگ و جامعه، تئوریهای ذهنی خلاقیت، اولیاء و مربیان ایرانی» مطالب ذیل را بعنوان حاصل پژوهش خویش مطرح نمود.

۱ - تئوریهای ذهنی اولیاء و مربیان درباره صفات نشانه خلاقیت کودکان و صفات ضد آن را جمع آوری نمود.

۲ - تئوریهای ذهنی بدست آمده را با نتایج حاصله از تحقیقات دیگر مقایسه نمود.

۱- به انجام رساندن مقدمات ایجاد مقیاس ارزیابی والدین از خلاقیت کودکان ایرانی

۴- درک متفاوت ملل شرقی و ملل غربی از مفهوم خلاقیت

ب) تحقیقات انجام شده در خارج از کشور :

تحقیقات تجربی و گسترده مربوط به خلاقیت به طور عمده از اواخر دهه

(۱۹۵۰) در ایالات متحده آمریکا آغاز شده است. هر چند پیش از این نیز مطالعاتی

محدود توسط «گالتون»، «والس»، «پاتریک راس من» و دیگران در زمینه خلاقیت

صورت پذیرفته بود، ولی تا آن زمان خلاقیت به عنوان موهبتی که به افراد قلیلی از اجتماع اعطا شده ، در نظر گرفته می شد.

– «شوک اسپوتنیک» در اواخر (۱۹۵۰) حرکت گسترده ای را در مراکز علمی و تحقیقاتی آمریکا و اروپا موجب گردید. این جنبش با هدف جبران عقب ماندگی های علمی تحقیقاتی غرب و با بکارگیری امکانات مالی قابل توجه صورت پذیرفت و باعث رشد سریع تحقیقات مربوط به خلاقیت شد.

- در آوریل سال (۱۹۵۱) گزارشی درباره تحلیل عوامل «تفکر خلاق» توسط گیلفورد از طرف دانشگاه کالیفرنیا جنوبی منتشر شد در فاصله سالهای (۱۹۵۱ تا ۱۹۵۶) گیلفورد آزمایشهای متعدد دیگری انجام داد و نتایج آنها را در کتابی تحت عنوان «ماهیت فکر آدمی» منتشر کرد.

- تورنس (۱۹۵۹)، کنترل و جکسون (۱۹۶۲)، بارون (۱۹۶۳) و تیلور (۱۹۶۳) نیز هر کدام تحقیقات گسترده ای در زمینه خلاقیت انجام داده اند. و از آن زمان تاکنون موضوع خلاقیت محور تحقیقات بیشماری گردیده است امروزه بر همگان روشن است که پیشرفت فرد و جامعه بدون خلاقیت غیرممکن است.

- شهرزاد کامیاب (۱۹۹۳) در آمریکا به روشهای تداعی دانش آموز محور اشاره دارد و ضمن برشمردن مزایای آن به تأثیر آنها در شناخت، فعال شدن ذهن و پرورش خلاقیت آنها اشاره می کند. از جمله روشهای تدریس فعال (دانش آموز محور): ۱- نظریه ساخت گرایی ۲- روش همیاری و ۳- روش مشارکت گروهی می باشند که

این روشها قابل گسترش در تمامی دوره های آموزشی می باشند.

- تورنس (۱۹۷۲) با استفاده از تجربه های مستقیم مانند : آزمایش کردن و حساس

کردن

دانش آموزان به محرکهای محیطی ، آنها را به پیدا کردن راه حل های بدیع و تازه تشویق و هدایت می کند.

وی دانش آموزان را به حدس زدن ترغیب می کند و معتقد است که در چنین وضعیتی فراگیر به استقلال فکری و روحیه ابداع و تحقیق دست می یابد.

- «یاماماتو» (۱۹۶۴) در تحقیقی که روی دانش آموزان دبیرستان انجام داد به همبستگی مثبت بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دست یافت.

- «کروپلی» (۱۹۶۷) دانش آموزان کانادایی را مورد پژوهش قرار داد و نتیجه گرفت که بین خلاقیت یا تفکر واگرا از یک سو و پیشرفت تحصیلی از طرف دیگر ، همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد.

- نتایج پژوهشهای «هورنیک» در سال (۱۹۷۸) نشان داد که : کودکانی که وقت زیادی را به تماشای تلویزیون می پردازند در مقایسه با کودکانی که بیشتر وقت خود را به مطالعه می پردازند از قدرت تکلم ، قدرت تجزیه و تحلیل همچنین خلاقیت کمتری برخوردارند.

۱- «بلومن تال» (۱۹۷۷) اعلام داشت کودکانی که وقت زیادی به مطالعه کتابهای مناسب می پردازند از قدرت خیال پردازی بالایی برخوردار بوده و در نتیجه خلاقیت آنان پرورش می یابد.

جمع بندی مطالب ارایه شده در این فصل :

در این فصل دیدگاههای تئوریک مرتبط با موضوع تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و نظر محققین و تئوری پردازان در رابطه با ویژگی های فردی و ارتباط آن با خلاقیت افراد بیان گردید. همچنین عوامل زمینه ساز خلاقیت و عوامل آسیب زا دسته بندی و مورد بررسی قرار گرفت.

در پایان نیز تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور پیرامون موضوع تحقیق و موضوعات مشابه مطالعه گردیده و نتایج آن ارایه گردید.

از جمع بندی مطالب ارائه شده در این فصل نتایج زیر را می توان استنباط کرد :

- ویژگی های فردی از جمله سن، جنس و تاثیری در خلاقیت افراد ندارد .
- میزان تحصیلات و سواد افراد نمی تواند بیانگر میزان خلاقیت آنان باشد.
- روش تدریس معلم بر میزان خلاقیت دانش آموزان تاثیر دارد و بین میزان استفاده معلمان از روشهای سنتی تدریس مانند سخنرانی ، روش های رفتارگرایانه و خلاقیت رابطه عکس وجود دارد .
- میزان و نحوه استفاده معلمان از ارزشیابی نهایی (امتحان) بر میزان خلاقیت دانش آموزان تاثیر مستقیم دارد .
- همچنین ؛ سطح آگاهی و سواد معلمان نسبت به روشها و فنون مختلف تدریس و چگونگی استفاده آنان از این روش ها بر میزان خلاقیت دانش آموزان تاثیر دارد.

فصل سوم

مقدمه

در این فصل روش و نوع تحقیق، جامعه آماری، نمونه آماری، روش نمونه گیری، متغیرهای تحقیق، بررسی اعتبار، ابزار و شیوه جمع آوری اطلاعات، چگونگی انتخاب و به کارگیری روشهایی که به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات بکار گرفته شده است، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱- روش تحقیق

انتخاب روش انجام تحقیق بستگی به هدفها و ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی آن دارد. به سخن دیگر، هدف از انتخاب روش تحقیق آن است که محقق مشخص نماید، چه شیوه و روشی را اتخاذ کند تا او را هر چه دقیق تر، آسان تر،

سریع تر و ارزان تر در دستیابی به پاسخ یا پاسخهایی برای پرسش یا پرسشهای پژوهش یا اثبات و رد فرضیه یا فرضیه های پژوهش مورد نظر کمک کند (نادری و سیف نراقی ، ۱۳۷۸ ص ۶۴).

با توجه به موارد فوق ، روش انتخابی و بکار گرفته شده در این تحقیق روش «همبستگی» می باشد.

در این روش پژوهشگر دو یا چند دسته از اطلاعات مختلف مربوط به یک گروه یا یک دسته اطلاعات از دو یا چند گروه را در اختیار دارد ، و می خواهد میزان تغییرات در یک یا چند عامل را در اثر تغییرات یک یا چند عامل سنجید . (نادری ، سیف نراقی ، ۱۳۷۳ ، ص ۸۱).

۲- متغیرهای تحقیق

متغیر پیش بینی شونده : در این تحقیق خلاقیت دانش آموزان متغیر مستقل می باشد که تأثیر متغیرهای مستقل بر آن سنجیده می شود.

- ۱- میزان استفاده معلمان از روش سخنرانی ۲-
- استفاده معلمان از روشهای رفتارگرایانه ۳- استفاده بیش از حد معلمان از امتحان
- ۴- تأکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتویات کتاب درسی و ۵- سطح مدرک

تحصیلی معلم . ۶- تعداد دوره های ضمن خدمتی که معلم گذرانده است . ۷- میزان سابقه خدمت معلم . ۸- میزان سابقه تدریس معلم در پایه اول .

- متغیر تعدیل کننده : جنسیت دانش آموزان به عنوان متغیر تعدیل کننده مورد محاسبه قرار گرفته است و سعی شده تأثیر متغیرهای مستقل بر دانش آموزان دختر و پسر مورد بررسی قرار گیرد.

۳- جامعه آماری

در این پژوهش جامعه آماری عبارتست از مجموع دانش آموزان دختر و پسر پایه اول دبستان در استان سیستان و بلوچستان که یافته های تحقیق به آنها تعمیم داده می شود. و تعدادشان حدود ۸۳۰۰۰ نفر می باشد.

دلیل انتخاب پایه اول دبستان این است که : این گروه تاکنون در معرض روش تدریس معلم دیگری قرار نگرفته اند و در واقع روش تدریس و ویژگی های معلم همان سال روی میزان خلاقیت آنها تأثیر مستقیم داشته است.

۴- نمونه آماری و شیوه نمونه گیری

حجم نمونه در این تحقیق ۳۸۴ نفر دانش آموز می باشند این حجم نمونه با توجه به فرمول مورگان انتخاب گردیده است نمونه از مناطق مختلف استان انتخاب شده ؛ به این ترتیب ۱۲۴ نفر از زاهدان و ۲۴۰ نفر از سایر شهر های استان در نظر گرفته شدند ؛ به منظور افزایش اطمینان در شهر زاهدان نمونه های بیشتری بررسی شدند در نتیجه نمونه تحقیق به ۵۹۰ نفر افزایش یافت . این نمونه به روش تصادفی خوشه ای انتخاب شده است. توزیع نمونه با مشورت پژوهشکده تعلیم و تربیت و اداره کل

آموزش و پرورش استان از میان دانش آموزان زاهدان، زابل، زهک، ایرانشهر و دلگان صورت گرفته است.

چگونگی توزیع نمونه تحقیق

(جدول ۱-۳)

ردیف	نام شهر	نام مدرسه	جنسیت دانش آموزان	تعداد کلاس	تعداد دانش آموز
۱	زاهدان	امیرکبیر	پسر	۳	۳۰ نفر
۲	زاهدان	بهشت	دختر	۴	۴۰ نفر
۳	زاهدان	آیت الله سعیدی	پسر	۱	۱۰ نفر
۴	زاهدان	شهید نامجو	دختر	۲	۲۰ نفر
۵	زاهدان	اندیشه	دختر	۳	۳۰ نفر
۶	زاهدان	شهید اندرزگو	پسر	۲	۲۰ نفر
۷	زاهدان	میثم تمار	پسر	۳	۳۰ نفر
۸	زاهدان	ظفر	پسر	۱	۱۰ نفر
۹	زاهدان	ولایت فقیه	دختر	۱	۱۰ نفر
۱۰	زاهدان	صدیقه کبری	دختر	۱	۱۰ نفر
۱۱	زاهدان	طالقانی	پسر	۲	۲۰ نفر
۱۲	زاهدان	دانش	دختر	۲	۲۰ نفر
۱۳	زاهدان	دانش	پسر	۲	۲۰ نفر
۱۴	زاهدان	شهید صدوقی	پسر	۲	۲۰ نفر
۱۵	زاهدان	سلمان فارسی	دختر	۴	۴۰ نفر
۱۶	زاهدان	شهید چمران	پسر	۲	۲۰ نفر

ردیف	نام شهر	نام مدرسه	جنسیت دانش آموزان	تعداد کلاس	تعداد دانش آموز
۱۷	زابل	جوادلایمه	پسر	۱	۱۰ نفر
۱۸	زابل	زینبیه	دختر	۲	۲۰ نفر
۱۹	زابل	۲۲ بهمن	پسر	۱	۱۰ نفر
۲۰	زابل	نجات قدس	دختر	۱	۱۰ نفر
۲۱	زابل	فتح الله	پسر	۱	۱۰ نفر

۲۲	زابل	شریعت	دختر	۱	۱۰ نفر
۲۳	زابل	۱۷ شهریور	پسر	۱	۱۰ نفر
۲۴	زهک	زینبیه	دختر	۲	۲۰ نفر
۲۵	زهک	موسی ابن جعفر	پسر	۲	۲۰ نفر
۲۶	ایران شهر	فاروق اعظم	پسر	۴	۴۰ نفر
۲۷	ایران شهر	عصمت	دختر	۴	۴۰ نفر
۲۸	دلگان	مرضیه	دختر	۱	۱۰ نفر
۲۹	دلگان	سلمان فارسی	پسر	۲	۲۰ نفر
۳۰	دلگان	زینبیه	دختر	۱	۱۰ نفر

۵- ابزار جمع آوری اطلاعات

در این تحقیق با توجه به موضوع مورد بررسی و روش تحقیق که «علی مقایسه ای» می باشد از پرسشنامه به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات استفاده شده است لذا با توجه به اطلاعات مورد نیاز در تحقیق پرسشنامه های زیر جهت جمع آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است.

الف) آزمون سنجش خلاقیت

محقق ابتدا تعداد ۱۷ سؤال به فرم کلامی و غیرکلامی بر اساس معیارهای گیلفورد و مشابهه سئوالات آزمون تورنس و هیلگارد طراحی نموده است و پس از بررسی روایی و اعتبار تعداد ۷ سؤال (۵ سؤال کلامی و ۲ سؤال غیرکلامی) را انتخاب و روی نمونه تحقیق بکار گرفته است. (پیوست شماره ۱) مقیاس های این آزمون عبارتند از: سیالی (تعداد)، انعطاف (دسته جدید) و ابداع (پاسخ غیرمعمول) که هر یک به صورت زیر تعریف می شود :

۱- سیالی : سیالی در لغت به معنای روان بودن ذهن و فکر است در این تحقیق منظور از سیالی توانایی افکار و ایده های متعدد است. سیالی ، موجب می شود تا دانش آموز بتواند افکار و ایده های متعدد فراوان تولید کند. سیالی خود را در قالب اندیشه و هم در قالب کلام نشان میدهد. بنابراین تعداد پاسخهایی که دانش آموز به هر سؤال داده شمارش شده و به هر یک امتیاز داده شده است.

۲- انعطاف : انعطاف پذیری به معنای تنوع پذیری و گوناگونی ذهن است. انعطاف پذیری باعث می شود افکار تولید شده از تنوع و گوناگونی برخوردار شود و پاسخهای دانش آموز یکسان و یکنواخت نباشد. در این تحقیق تعداد ایده های متفاوت که از طرف دانش آموز ارایه می شود دسته بندی شده و به هر دسته یک امتیاز داده می شود.

۳- اصالت : تعداد پاسخهای منحصر به فرد (غیرمعمول) که از طرف دانش آموز داده شده و سایر دانش آموزان به آن اشاره ای نداشته اند شمارش شده و به هر پاسخ یک امتیاز داده شده است.

در پایان امتیازهای این سه عنصر برای هر دانش آموز در مجموع محاسبه می شود و امتیاز خلاقیت او را تشکیل می دهد.

امتیازات کسب شده توسط دانش آموزان هر کلاس (۱۰ نفر) با هم جمع شده و نمره خلاقیت کلاس مورد نظر بدست می آید.

ب) پرسشنامه روش های تدریس معلم :

اطلاعات ثبت شده در این چک لیست روش تدریس معلم و سایر اطلاعات مورد نیاز پرسشهای پژوهش را در اختیار ما قرار می دهد.

این چک لیست شامل ۵۰ سؤال و هر سؤال دارای ۴گزینه می باشد. که امتیازات معلم به هر سؤال بر اساس : بسیار زیاد (۴ امتیاز) ، زیاد (۳ امتیاز) ، کم (۲ امتیاز) و خیلی کم (۱ امتیاز) سنجیده و محاسبه می شود.(پیوست شماره ۲)

بررسی روایی^۱ پرسشنامه ها

روایی یعنی این که آزمون باید چیزی را اندازه بگیرد که برای اندازه گیری آن ساخته شده است. اطلاعات روایی مبین میزان قابلیت آزمون در تحصیل هدفهای معین است.

با توجه به اهمیت روایی ابزار تحقیق لازم بود روایی ابزارهای تحقیق جداگانه تأیید گردد.

الف) روایی آزمون سنجش خلاقیت دانش آموزان : بدین منظور ابتدا تعداد ۱۷ سؤال طرح و در مورد ۴۰ نفر از دانش آموزان ۸ کلاس اجرا گردید از هر کلاس ۵ نفر به طور تصادفی

انتخاب شدند) که پس از بررسی پاسخهای داده شده توسط دانش آموزان پرسشنامه نهایی که شامل ۷ سؤال (۵ سؤال کلامی و ۲ سؤال غیرکلامی) طراحی گردید، که مقیاس های ارزش گذاری این سوالها بر اساس نظریه گیلفورد طراحی گردیده است .

ب) روایی پرسشنامه روشهای تدریس معلم : بعد از مطالعه منابع معتبر و تحقیقات مشابه چک لیست مقدماتی طراحی گردید. پس از بررسی همه جانبه آن توسط پنج نفر از متخصصان علوم تربیتی، مدیریت ، روانشناسی و لحاظ نمودن نظرات آنان پرسشنامه نهایی آماده و پس از تأیید ناظر تحقیق معتبر شناخته شد که به تعداد مورد نیاز تکثیر و مورد استفاده قرار گرفت.

اعتبار ، اعتمادی است که می توانیم به نتایج حاصل از کاربردهای متوالی یک آزمون داشته باشیم. اعتبار هر پرسشنامه نشان دهنده دقت اندازه گیری آن است. معنای ضمنی اندازه گیری معتبر آن است که بتوان آن را در موارد متعدد بکار برد و نتایج مشابه بدست آورد. معروفترین ضریب اعتبار از طریق اجرای آزمون توسط کرونباخ ارائه شده است که به ضریب آلفای کرونباخ مشهور است.

اعتبار پرسشنامه سنجش خلاقیت دانش آموزان با کمک ضریب الفای کرونباخ ۰/۸۸ (با تعداد ۶۰ آزمودنی) به دست آمده است . این آزمون قبلاً توسط یحیی کاظمی (۱۳۸۲) با ۵ سوال مشابه اجرا گردیده که ضریب الفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش شده است .

همچنین اعتبار پرسشنامه محقق ساخته روش های تدریس نیز به صورت زیر بدست آمده است

جدول (۲-۳) اعتبار یابی پرسشنامه روش های تدریس معلم

ضریب آلفا	تعداد آزمودنی ها	تعداد سؤال ها	فرضیه های تحقیق
۵۵٪	۵۹	۶	فرضیه ۱
۷۹٪	۵۹	۱۳	فرضیه ۲
۸۵٪	۵۹	۱۹	فرضیه ۳
۶۲٪	۵۹	۵	فرضیه ۴
۶۲٪	۵۹	۷	فرضیه ۵
۷۸٪	۵۹	۵۰	کل پرسشنامه

۶- مراحل جمع آوری اطلاعات

ابتدا بامراجعه به ادارات آموزش و پرورش شهرستان به طور تصادفی مدارس مورد نظر انتخاب شدند؛ انتخاب کلاسهای مورد آزمون در هر مدرسه نیز تصادفی و توسط پژوهشگر صورت می گرفت بعد از توجیه معلمین (جداگانه) از هر کلاس ۱۰ نفر دانش آموز توسط محقق یا پرسشگر به طور تصادفی انتخاب و از کلاس

خارج می شدند. شیوه تکمیل پرسشنامه سنجش خلاقیت دانش آموزان (پیوست شماره ۱): به این صورت بود که ابتدا دانش آموزان انتخاب شده از هر کلاس به محیط ساکت و آرامی مثل: نمازخانه یا دفتر یا ... هدایت می شدند. به منظور برقراری ارتباط هر چه راحت تر با دانش آموزان از آنها با شوکولات پذیرایی می شد. و نام هر کدام از آنها بعد از معرفی بالای یک پرسشنامه نوشته می شد.

سئوالات پرسشنامه خلاقیت یکی یکی در قالب یک داستان کوتاه برای کودکان مطرح و جواب هر نفر داخل برگه ی مخصوص خودش نوشته می شد. بعد از ثبت پاسخهای تک تک دانش آموزان به سئوالات کلامی، پرسشنامه ها بین آنان توزیع می گردید تا سئوالات تصویری (غیرکلامی) را ترسیم نمایند.

شیوه تکمیل پرسشنامه روش تدریس معلمان: همزمان با تکمیل پرسشنامه سنجش خلاقیت دانش آموزان؛ پرسشنامه روشهای تدریس و سوابق تخصصی معلم نیز جهت تکمیل و علامت گذاری در اختیار معلم همان دانش آموزان قرار می گرفت.

۷- شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

تمام محاسبات آماری تحقیق با نرم افزار کامپیوتری SPSS انجام گرفته است و اطلاعات بدست آمده جهت پاسخ به سئوالات پژوهش با روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

لازم به ذکر است که باتوجه به این که گروه نمونه شامل معلمان و دانش آموزان آنها می شد و برای تحلیل آماری لازم بود بین ویژگی ها یا روش های هر معلم با خلاقیت دانش آموزان همان معلم ، همبستگی ها بررسی شود ؛ در تحلیل های آماری از میانگین نمره خلاقیت همه دانش آموزان یک معلم (هر ۱۰ نفر) به عنوان یک نمره استفاده شده است تا امکان بررسی روابط بین متغیر ها فراهم شود . (بنابراین از میانگین نمره خلاقیت هر ۱۰ دانش آموز یک معلم به عنوان یک نمره استفاده شده است .)

اعتبار یابی آزمون خلاقیت بر اساس نمره ۶۰ نفر از دانش آموزان (که به طور تصادفی از ۵۹۰ نفر انتخاب شده اند) به دست آمده است .

فصل چہارم

تجزیہ و تحلیل اطلاعات

در این فصل به تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق پرداخته خواهد شد. به همین منظور ، فرضیه های تحقیق به تفکیک مطرح شده و یافته های تحقیق در این رابطه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت

نتایج تحلیل آماری اطلاعات مربوط به این پژوهش در دو قسمت خصوصیات جامعه آماری و نتایج فرضیه های تحقیق ارائه شده است.

جدول (۱-۴) اطلاعات توصیفی معلمان گروه نمونه بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۵ نفر	۸/۴۷
زن	۵۴ نفر	۹۱/۵۲٪
کل	۵۹ نفر	۱۰۰٪

اطلاعات جدول فوق که بر اساس پرسش نامه های روش تدریس معلم محاسبه گردیده است؛ نشان می دهد که ۹۲٪ گروه نمونه (معلمین پایه اول دبستان) را خانمها تشکیل می دهند.

جدول (۲-۴) اطلاعات توصیفی معلمان گروه نمونه بر اساس مدرک تحصیلی

مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۳	۵/۰۸
دیپلم	۲۴	۴۰/۶۷

۳۲/۲	۱۹	فوق دیپلم
۲۲/۰۳	۱۳	لیسانس
۱۰۰	۵۹	کل

اطلاعات جدول (۲-۴) نشان می دهد که ۴۰/۶۷ درصد گروه نمونه دارای مدرک تحصیلی دیپلم بوده و ۵/۰۸ درصد از معلمان پایه اول دبستان دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم می باشند.

جدول (۲-۴) اطلاعات توصیفی معلمان گروه نمونه بر اساس سابقه خدمت در آموزش و پرورش

سابقه خدمت	فراوانی	درصد
زیر ۵ سال	۴	۶/۷۷
بین ۵ تا ۱۰ سال	۱۴	۲۳/۷۲
بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۲۱	۳۵/۵۹
از ۱۵ به بالا	۲	۳/۳۸
کل	۵۹	۱۰۰

با توجه به جدول (۳-۴) مقدار ۳۵/۶ درصد از معلمان گروه نمونه پایه اول دارای سابقه خدمت بین ۱۰ تا ۱۵ سال می باشند و ۳/۳۸ درصد از معلمان دارای سابقه خدمت بالای ۱۵ سال هستند.

جدول (۴-۴) اطلاعات توصیفی معلمان گروه نمونه بر اساس دوره های آموزش ضمن خدمت

دوره های ضمن خدمت	فراوانی	درصد
یک دوره	۸	۱۳/۵۵
دو دوره	۱۱	۱۸/۶۴
سه دوره	۱۷	۲۸/۸۱
بیشتر از سه دوره	۲۱	۳۵/۵۹
کل	۵۹	۱۰۰

اطلاعات موجود در جدول (۴-۴) نشانگر این مطلب است که اکثر معلمان گروه نمونه پایه اول دبستان دوره های آموزش ضمن خدمت را گذرانده اند.

-
:

- بین میزان استفاده معلمان از روش سخنرانی و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.

نتایج بررسی این فرضیه با استفاده از روش همبستگی پیرسون در جدول زیر آمده است :

جدول (۴-۵) ضریب همبستگی بین روش سخنرانی و خلاقیت دانش آموزان

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
فرضیه یک	-۰/۲۹۸	۵۹	۰/۰۱

جدول فوق نشان می دهد که روش سخنرانی و خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی دار معکوس وجود دارد $p \leq 0.01$ $r = 0.298$ به عبارت دیگر هر چه معلمان در فرآیند تدریس از روش سخنرانی بیشتر استفاده کنند میزان خلاقیت دانش آموزان آنها کاهش می یابد. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می شود.

:

- بین میزان استفاده معلمان از تشویق و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده شده است که نتایج زیر به دست آمده است :

جدول (۶-۴) ضریب همبستگی بین استفاده معلم از تشویق و خلاقیت دانش آموزان

سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	فرضیه
۰/۲۶	۵۹	%۹	فرضیه دوم

با توجه به اطلاعات موجود در جدول (۶-۴)، بین میزان استفاده معلمان از تشویق و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی داری وجود ندارد به عبارت دیگر فرضیه تحقیق رد می شود.

:

- بین میزان استفاده معلمان از تنبیه و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه فوق با استفاده از روش پیرسون همبستگی بین استفاده معلم از تنبیه و خلاقیت دانش آموزان محاسبه شده است .

جدول (۷-۴) ضریب همبستگی بین استفاده معلم از تنبیه و خلاقیت دانش آموزان

سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	فرضیه
%۲	۵۹	-۰/۲۶	فرضیه سوم

. همانگونه که در جدول (۷-۴) نشان داده شده است این همبستگی بین میزان

استفاده معلم از تنبیه و میزان خلاقیت دانش آموزان برابر ۰/۲۶- که در سطح ۰/۰۲ معنی دارمی باشد جهت رابطه نشان می دهد که بین میزان استفاده معلم از تنبیه و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی دار معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر

هر چه معلمان در ضمن تدریس بیشتر از تنبیه استفاده نمایند میزان خلاقیت دانش آموزان کاهش می یابد. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می شود.

:

- استفاده معلمان از روشهای سنتی ارزشیابی نهایی (امتحان) با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.

نتایج بررسی این فرضیه در جدول زیر آمده است :

جدول (۸-۴) همبستگی بین روشهای سنتی ارزشیابی نهایی و خلاقیت دانش آموزان

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
فرضیه چهارم	۱۶٪-	۵۹	۰/۲۱

یافته های موجود در جدول (۸-۴) نشان می دهد بین میزان استفاده معلمان از روشهای سنتی ارزشیابی نهایی (امتحان) و خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه تحقیق رد می شود.

:

- تأکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتوای کتاب درسی با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.

نتایج بررسی این فرضیه در جدول زیر آمده است :

جدول (۹-۴) ضریب همبستگی بین تأکید معلم بر مطالب و محتوای کتاب درسی و خلاقیت دانش آموزان

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری

فرضیه پنجم	-۰/۱۰۵	۵۹	٪۲۱۵
------------	--------	----	------

نتایج جدول فوق نشان می دهد بین تأکید معلمان بر مطالب و محتوای کتاب درسی و خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی داری وجود ندارد و فرضیه تحقیق رد می شود.

:

- پایین بودن مدرک تحصیلی معلمان با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد. نتایج بررسی این فرضیه در جدول زیر آمده است :

جدول (۱۰-۴) همبستگی بین مدرک تحصیلی معلم و خلاقیت دانش آموزان

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
فرضیه ششم	۰/۳۲۶	۵۹	۰/۰۰۶

یافته های موجود در جدول (۱۰-۴) نشان می دهد که بین میزان تحصیلات معلم و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه مدرک تحصیلی معلمان بالاتر باشد میزان خلاقیت دانش آموزان آنها افزایش می یابد. با توجه به این نتیجه، فرضیه ششم تحقیق تأیید می گردد.

:

- پایین بودن سابقه خدمت معلمان تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد.

جدول (۱۱-۴) ضریب همبستگی بین سابقه خدمت معلم و خلاقیت دانش آموزان

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
فرضیه	۰/۴۹۲	۵۹	۰/۰۰

			هفتم
--	--	--	------

یافته های موجود در جدول (۱۱-۴) نشان می دهد که بین سابقه خدمت معلم در آموزش و پرورش و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه معلمان از سابقه خدمت بیشتری برخوردار باشند، میزان خلاقیت

دانش آموزان نیز افزایش می یابد. بنابراین فرضیه هفتم تحقیق تأیید می گردد.

:

- پایین بودن سابقه تدریس معلم در پایه اول تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد.

نتایج بررسی این فرضیه در جدول زیر آمده است :

جدول (۱۲-۴) ضریب همبستگی بین سابقه تدریس معلم در پایه اول و

خلاقیت دانش آموزان

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
فرضیه هشتم	۰/۳۲۳	۵۹	۰/۰۰۶

یافته های موجود در جدول (۱۲-۴) نشان می دهد بین سابقه تدریس معلم در پایه اول و خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه سابقه تدریس معلم در پایه اول افزایش یابد میزان خلاقیت دانش آموزان نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می گردد.

:

- پایین بودن تعداد دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی معلمان تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد.

جدول (۱۳-۴) همبستگی بین دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی معلم و خلاقیت دانش آموزان

فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
فرضیه نهم	۰/۵۴۷	۵۹	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۱۳-۴) بین تعداد دوره ها و کارگاه های آموزش ضمن خدمت معلمان و خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی دار مثبت وجود دارد به عبارت دیگر هر چه معلمان در دوره های ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی بیشتر شرکت نمایند میزان خلاقیت دانش آموزان آنها افزایش می یابد. بنابراین فرضیه نهم تحقیق نیز تأیید می شود.

:

- بین میزان استفاده معلم از روش سخنرانی ، تشویق ، تنبیه ، ارزشیابی نهایی، محتوای کتاب درس در تدریس ، مدرک تحصیلی معلم ، سابقه خدمت ، سابقه تدریس ، و تعداد دوره های ضمن خدمت با میزان خلاقیت دانش آموزان هر معلم رابطه معکوس وجود دارد .

به منظور بررسی فرضیه فوق از روش آماری و همبستگی و رگرسیون چند متغیری گام به گام استفاده شد که نتیجه «۱/۶۶» نشان دهنده امکان استفاده از این روش آماری می باشد (اندازه مجاز بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد)

جدول (۱۴-۴) نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مدرک تحصیلی ، سابقه خدمت ، سابقه تدریس و

دوره های آموزشی ضمن خدمت

شاخص های آماری	دوره های آموزشی ضمن خدمت	سابقه تدریس	سابقه خدمت	مدرک تحصیلی	متغیرها
ضریب همبستگی	۰/۱۶۳	-۰/۰۳۲	۰/۰۳۸	۱/۰۰۰	مدرک تحصیلی
	۰/۳۷۱	۰/۸۳۱	۱/۰۰۰	۰/۰۳۸	سابقه خدمت
	۰/۱۷۸	۱/۰۰۰	۰/۸۳۱	۰/۰۳۲	سابقه تدریس
	۱/۰۰۰	۰/۱۷۸	۰/۳۷۱	۰/۱۶۸	دوره های آموزشی ضمن خدمت
سطح معنی داری	۰/۱۷۸	۰/۴۳۱	۰/۴۱۸	۰	مدرک تحصیلی
	۰/۰۱۸	۰	۰	۰/۴۱۸	سابقه خدمت
	۰/۱۶۴	۰	۰/۰۰۰	۰/۴۳۱	سابقه تدریس
	۰	۰/۱۶۴	۰/۰۱۸	۰/۱۷۸	دوره های آموزشی ضمن خدمت
تعداد	۵۹	۵۹	۵۹	۵۹	

برای بررسی این فرضیه ابتدا از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج به دست آمده در جدول (۱۴-۴) بیان گر وجود رابطه ای مثبت و معنی دار ، بین متغیرهای مختلف تحقیق می باشد .
 برای تعیین سهم و اهمیت هر یک از متغیرهای فوق در پیش بینی خلاقیت دانش آموزان از رگرسیون چند متغیری گام به گام استفاده شده که نتایج زیر بدست آمده است:

جدول (۱۵-۴) نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره در خصوص نقش چند عامل در میزان خلاقیت دانش آموزان

الگو	شاخص آماری / متغیر	ضریب همبستگی R	مجذور R	مجذور R تعدیل شده	انحراف استاندارد برآورد	معنی داری F متغیر	ضریب همبستگی ی جزئی	آزمون دوربین واتسون
۱	دوره های آموزشی ضمن خدمت	۰/۵۴۷	۰/۳۰۰	۰/۲۸۷	۱۷/۱۲	۰/۰۰	۰/۵۵	
۲	دوره های آموزشی ضمن خدمت + سابقه خدمت	۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۳۶	۱۶/۲۶	۰/۰۰	۰/۴۳ /	۱/۶۶۰

در الگوی رگرسیون گام به گام با توجه به مجذور R تعدیل شده مشاهده می شود که دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاه های آموزشی که معلم گذرانده است به تنهایی ۰/۲۹ از خلاقیت دانش آموزان را پیش بینی می کند که با وارد شدن سابقه خدمت معلم به معادله رگرسیون سهم دو متغیر به ۰/۳۶ می رسد که سهم سابقه خدمت معلمان در پیش بینی خلاقیت دانش آموزان به تنهایی ۰/۰۷ می باشد. معادله رگرسیون پیش بینی برای متغیر های استاندارد شده مربوط به نتایج بالا به شرح زیر می باشد :

$$y = 0.31 X_1 + 0.41 X_2$$

$y =$ خلاقیت دانش آموزان

$X_1 =$ سابقه خدمت معلمان

$X_2 =$ دوره های آموزشی ضمن خدمت



در این فصل یافته های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد بدین منظور، فرضیه ها و پرسش پژوهش به تفکیک مطرح و یافته های تحقیق در رابطه با هر کدام مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. علاوه بر فرضیه های پژوهش، یافته های جانبی تحقیق نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به محدودیتهای تحقیق اشاره خواهد شد؛ و در نهایت پیشنهادات لازم ارایه خواهد گردید.

-

- بین میزان استفاده معلمان از روش سخنرانی و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.

با توجه به جدول ۵-۴ (ضریب همبستگی بین روش سخنرانی و خلاقیت دانش آموزان) ضریب همبستگی برابر $-0/298$ و سطح معنی داری آن $0/01$ می باشد بنابراین می توان چنین استنباط کرد که میزان استفاده معلم از روش سخنرانی بر خلاقیت دانش آموزان تأثیر معکوس دارد. هر چه معلم در ضمن تدریس بیشتر روش سخنرانی را بکار برد از خلاقیت دانش آموزان کاسته می شود.

دلیل کاهش خلاقیت دانش آموزان مربوط به این است که در این روش دانش آموزان غیرفعال بوده و تنها شنونده سخنان معلم می باشند و به دلیل پایین بودن میزان فعالیت دانش آموزان از میزان ابتکار و خلاقیت آنان کاسته می شود. این نتیجه با آن چه شهرزاد کامیاب (۱۹۹۲) مطرح کرده است که روش های دانش آموز محور در فعال شدن ذهن و پرورش خلاقیت دانش آموزان تأثیر مثبت دارد؛ هماهنگی دارد.

در بررسی میزان استفاده معلمان از تشویق و میزان خلاقیت دانش آموزان، اطلاعات موجود در جدول ۶-۴ (ضریب همبستگی بین استفاده معلم از تشویق و خلاقیت)

دانش آموزان) حاکی از این است که استفاده معلم از تشویق بر خلاقیت دانش آموزان تأثیر معکوس ندارد. تورنس (۱۹۷۲) نیز با استفاده از تجربه های مستقیم به این نتیجه رسید که : ما می توانیم دانش آموزان را با تشویق کردن به کشف راه حل های بدیع هدایت نماییم . همچنین ادوارد و نیکلر (۱۹۹۲) اعلام داشتند که تشویق می تواند شادی آفرین بوده و موجب افزایش خلاقیت کودکان گردد در صورتی که نمایانگر محبت بزرگترها نسبت به کودکان باشد

- بین میزان استفاده معلمان از تنبیه و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد.

اطلاعات موجود در جدول ۷-۴ (ضریب همبستگی بین استفاده معلم از تنبیه و خلاقیت دانش آموزان) معلم بیشتر از تنبیه استفاده کند از میزان خلاقیت دانش آموزان کاسته می شود دلیل این امر مربوط به ایجاد فضای رعب و وحشتی است که در کلاس ایجاد شده و آرامش را از آنان می گیرد و دانش آموزان در اضطراب دائمی به سر برده و از تنبیه معلم هراس دارند در نتیجه خلاقیت آنان که مستلزم محیطی امن برای هر پاسخ غلط می باشد کاهش می یابد. این نتیجه با آن چه عابدی (۱۳۸۳) اعلام نموده است که به هر میزان که نظام آموزشی از تنبیه و سرکوب کردن دانش آموزان پرهیز کند و در راستای پرورش خلاقیت آنان گام برداشته است هماهنگی دارد .

- استفاده معلمان از روشهای سنتی ارزشیابی نهایی (امتحان) با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.

بررسی اطلاعات مربوط به ضریب همبستگی بین روشهای سنتی ارزشیابی نهایی (امتحان) و خلاقیت دانش آموزان که در جدول ۸-۴ آمده است حاکی از این است که بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود ندارد. نتیجه فوق با نظر بسیاری از محققان در زمینه خلاقیت هماهنگی ندارد . شیبانی (۱۳۷۱) بیان نمود برخی از معلمان از

امتحان به عنوان یک ابزار قدرت استفاده می کنند و با ایجاد زمینه های نامطلوب آموزشی ، نوعی نگرانی از امتحان را برای همیشه در اذهان شاگردان باقی می گذارند و زمینه نوآوری و خلاقیت را در دانش آموزان از بین می برند

ممکن است تأثیر استفاده معلم از روشهای سنتی ارزشیابی در کوتاه مدت نمایان نگردد بدون شک در مدت زمان طولانی موجب کاهش خلاقیت دانش آموزان می گردد چرا که تأکید معلم بر ارزشیابی نهایی باعث می گردد کم کم دانش آموزان به جریان یادگیری کمتر توجه کرده و تنها به ارزشیابی نهایی و نتیجه ای که باید کسب نمایند بیندیشند ، در نتیجه از میزان ابتکار و خلاقیت آنان کاسته می شود.

- تأکید بیش از حد معلمان بر مطالب و محتوای کتاب درسی با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.

با توجه به اطلاعات موجود در جدول ۹-۴ (ضریب همبستگی بین تأکید معلم بر مطالب و محتوای کتاب درسی و خلاقیت دانش آموزان سنجیده شده است و رابطه معنی داری بدست نیامده است بدون شک تأکید معلم بر مطالب و محتوای کتاب درسی باعث محدود شدن زاویه دید دانش آموزان و در نتیجه کاهش خلاقیت آنان می گردد. گر چه تأثیر این تأکید در کوتاه مدت قابل ارزیابی نبوده و سنجیده نمی شود. مسلماً در صورت تکرار این روش توسط معلمان در سنوات متوالی در مقاطع بالاتر بروز خواهد نمود. آقایی (۱۳۷۲) بیان نمود: کودکانی که کتاب های غیر درسی زیادی مطالعه می کنند حرف های زیادی برای گفتن دارند و تمایل دارند دانسته های خود را با دیگران تقسیم نمایند ، در هنگام تنهایی بهتر می توانند به تفکر پرداخته و در نتیجه خلاقیت آن ها پرورش می یابد . همچنین بلومن تال (۱۹۷۷) اعلام داشت کودکانی که کتابهای غیر درسی زیادی مطالعه می کنند از قدرت خیال پردازی بالایی برخوردار بوده و خلاقیت آنان پرورش می یابد .

- پایین بودن مدرک تحصیلی معلمان با خلاقیت دانش آموزان رابطه معکوس دارد.

اطلاعات موجود در جدول ۱۰-۴ (ضریب همبستگی بین مدرک تحصیلی معلم و خلاقیت دانش آموزان) نشان می دهد که بین مدرک تحصیلی معلم و خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی دار مثبت وجود دارد و هر چه مدرک تحصیلی معلمان بالاتر باشد میزان خلاقیت شاگردانشان نیز افزایش می یابد و بر عکس هر چه مدرک تحصیلی معلم پایین تر باشد خلاقیت دانش آموزان نیز کاهش می یابد. تأثیر مدرک تحصیلی را از آن نظر میتوان سنجید که معلمان در ضمن تحصیلات دانشگاهی با راههای پرورش خلاقیت دانش آموزان آشنا شده و سعی می کنند آن را بکار گیرند نتیجه این کاربرد باعث افزایش خلاقیت دانش آموزان می شود. این نتیجه با آن چه ابوالفضل اشتری (۱۳۸۰) مطرح کرده است؛ که هر چه میزان تحصیلات مدیران بالاتر باشد، میزان خلاقیت معلمان افزایش می یابد تا حدود زیادی هماهنگی دارد.

- پایین بودن سابقه خدمت معلمان تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد. اطلاعات موجود در جدول ۱۱-۴ (ضریب همبستگی بین سابقه خدمت معلم و خلاقیت دانش آموزان) نشان میدهد که هر چه معلمان از سابقه خدمت و تجربه بیشتری برخوردار باشند خلاقیت دانش آموزان افزایش می یابد دلیل این را میتوان در نتیجه تجارب ارزشمندی دانست که معلمان در ضمن کار در سالهای متفاوت بدست می آورند.

- پایین بودن سابقه تدریس معلم در پایه اول تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد.

اطلاعات موجود در جدول ۱۲-۴ (ضریب همبستگی بین سابقه تدریس معلم در پایه اول و خلاقیت دانش آموزان) نشان میدهد که هر چه سابقه تدریس معلم در پایه اول بیشتر باشد میزان خلاقیت دانش آموزان نیز افزایش می یابد به عبارت دیگر همبستگی مثبت و معنی داری بین سابقه تدریس و خلاقیت دانش آموزان وجود دارد

در واقع معلم بر اثر تجربه بخوبی با راههای پرورش تفکر و افزایش خلاقیت دانش آموزان آشنا شده و بکار می گیرد.

- پایین بودن تعداد دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی معلمان تأثیر معکوسی بر خلاقیت دانش آموزان دارد.

با توجه به اطلاعات موجود در جدول ۱۳-۴ (ضریب همبستگی بین دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی معلم و خلاقیت دانش آموزان) هر چه معل

دوره های ضمن خدمت بیشتری گذرانده و در کارگاههای آموزشی بیشتری شرکت کرده باشد میزان خلاقیت شاگردانش افزایش می یابد. دلیل این امر مربوط به اطلاعات جدیدی است که معلم بدست آورده و با راههای ایجاد و پرورش خلاقیت آشنا شده است. (خوشبختانه در دوره های ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی تأکید بسیاری بر خلاقیت دانش آموزان صورت می گیرد)

فرضیه دهم

- بین میزان استفاده معلم از روش سخنرانی، تشویق، تنبیه، ارزشیابی نهایی، محتوای کتاب درسی در تدریس، مدرک تحصیلی معلم، سابقه خدمت، سابقه تدریس و تعداد دوره های ضمن خدمت با میزان خلاقیت دانش آموزان هر معلم رابطه معکوس وجود دارد.

اطلاعات موجود در جدول ۱۴-۴ (نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مختلف) و جدول ۱۵-۴ (نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره در خصوص نقش چند عامل در میزان خلاقیت دانش آموزان) نشان می دهد که بین متغیرهای مختلف: مدرک تحصیلی، سابقه خدمت، سابقه تدریس و دوره های آموزشی ضمن خدمت معلمان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد همچنین در دوره های آموزشی ضمن خدمت معلمان در میزان خلاقیت دانش آموزان بیشترین تاثیر را دارد.

- جدول (۱-۵) ضریب همبستگی بین میزان استفاده معلم از تنبیه و مدرک تحصیلی ، سابقه تدریس و دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
مدرک تحصیلی	-۰/۲۳	۵۹	٪۴
سابقه تدریس	-۰/۳۲	۵۹	۰/۰۰۷
دوره های آموزش ضمن خدمت	-۰/۲۲	۵۹	۰/۰۵

همانگونه که یافته های موجود در جدول ۱-۵ (ضریب همبستگی بین میزان استفاده معلم از تنبیه و مدرک تحصیلی، سابقه تدریس و دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی) نشان می دهد رابطه معنی دار معکوسی بین مدرک تحصیلی ، سابقه تدریس و دوره های آموزش ضمن خدمت و میزان استفاده معلم از تنبیه وجود دارد به عبارت دیگر معلمینی که دارای مدرک تحصیلی پایین تری بوده و سابقه تدریس کمتری در آموزش و پرورش دارند بیشتر از تنبیه استفاده می کنند همچنین هر چه معلمان در دوره های کمتری شرکت کرده باشند از متغیر تنبیه بیشتر استفاده می کنند.

- بین مدرک تحصیلی معلمان و میزان استفاده آنان از ارزشیابی نهایی رابطه معنی دار معکوس وجود دارد به این ترتیب که معلمان که دارای مدرک تحصیلی پایین تری هستند به میزان بیشتری بر ارزشیابی نهایی (امتحان) تأکید دارند.

- بین میزان تأکید معلمان بر مطالب و محتوای کتاب درسی و میزان استفاده آنان از ارزشیابی نهایی (امتحان) رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه معلم بر مطالب و محتوای کتاب درسی بیشتر تأکید نماید به میزان بیشتری از ارزشیابی نهایی (امتحان) استفاده می کند.

- بین میزان حضور معلم در دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاههای آموزشی و میزان استفاده آنان از روش سخنرانی رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هر چه معلمان دوره های کمتری دیده و در کارگاههای کمتری شرکت نموده باشند. میزان استفاده آنها از روش سخنرانی بیشتر است.

-

- عدم توجه کافی معلمان در رابطه با سئوالات مطرح شده در پرسشنامه روش تدریس معلم و در نتیجه احتمال این که بعضی از آنها از ثبت پاسخهای صادقانه خودداری کرده باشند .

- قادر نبودن دانش آموزان پایه اول به تکمیل پرسشنامه های سنجش خلاقیت دانش آموزان و در نتیجه متکی بودن نتایج بدست آمده بر یادداشتهای محقق و پرسشگران

- دخالت بعضی از معلمان در انتخاب دانش آموزان و ممانعت آنان از شرکت دانش آموزان ضعیف بدلیل نگرانی از سنجش و ارزیابی عملکردشان.

- انتخاب دانش آموزان پایه اول ابتدایی به این دلیل انجام شد که این گروه تاکنون در معرض روش تدریس معلمان گذشته قرار نگرفته اند.

- استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای برای انتخاب حجم نمونه به این دلیل انجام گرفت که امکان انتخاب تصادفی نمونه ها مناسب نبود زیرا تعداد کافی آزمودنی برای ارزیابی عملکرد یک معلم مورد نیاز بود .

-

- سعی شود مقدمات حضور معلمان در دوره های آموزش ضمن خدمت و کارگاه های آموزشی بیشتری فراهم گردد چرا که نتایج تحقیق نشان داد: که هرچه معلمان در دوره های ضمن خدمت بیشتری شرکت نمایند میزان خلاقیت دانش آموزان آن ها افزایش می یابد. همچنین میزان استفاده آنها از عوامل بازدارنده خلاقیت مانند تنبیه نیز کاهش می یابد.

- در ابتدای هر سال تحصیلی به سابقه خدمت معلمان و سابقه تدریس آنها در هر پایه توجه گردد چرا که نتایج تحقیق نشان داد که: هرچه معلمان از سابقه خدمت و سابقه تدریس بیشتری برخوردار باشند میزان خلاقیت دانش آموزان آنها نیز افزایش می یابد و میزان استفاده آنها از تنبیه کاهش می یابد همچنین از میزان تاکید آنها بر ارزشیابی نهایی و مطالب و محتوای کتاب درسی نیز کاسته می شود.

- در استخدام و بکارگیری معلمان به مدرک تحصیلی آنان توجه شود و سعی گردد معلمان با مدرک تحصیلی بالاتر جذب آموزش و پرورش گردند چرا که نتایج این تحقیق نشان داد: بین این عامل و خلاقیت دانش آموزان رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد. همچنین بین مدرک تحصیلی معلمان و میزان استفاده آنها از تنبیه در امر تدریس رابطه معکوس وجود دارد.

- می توان با برگزاری سمینارها و جشنواره های گوناگون معلمان را با راه های پرورش خلاقیت دانش آموزان آشنا نمود و آنان را به استفاده از این روشها ترغیب نمود.

- از روش تحقیق تجربی یا نیمه تجربی استفاده شود تا متغیرهای مداخله گر بیشتر کنترل شوند.

- با توجه به اینکه تحقیق اخیر روی دانش آموزان پایه اول دبستان صورت گرفته است می توان تحقیقات مشابه بر روی پایه های دیگر مقطع دبستان و مقاطع دیگر نیز انجام داد.

- در تحقیقات بعدی سعی شود معلمان کاملاً توجیه شده و خود را ملزم به همکاری صادقانه بدانند.



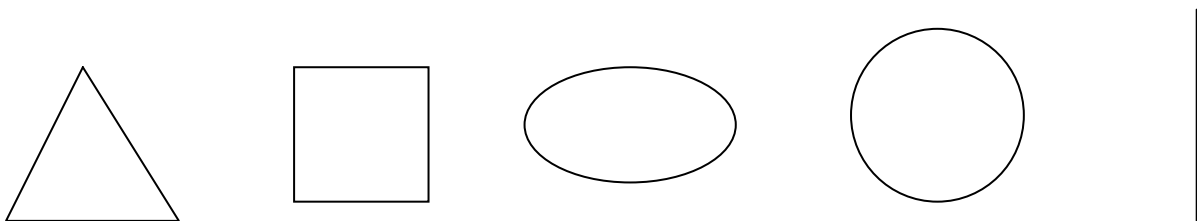
پیوست ۱) پرسشنامه سنجش خلاقیت دانش آموزان

به نام خدا

نمره گذاری			سوالها
			۱-ازیک کاغذ نوشته شده چه استفاده هایی می توان

			کرد ؟
			۲- از یک شیشه شکسته چه استفاده هایی می توان کرد ؟
			۳- با ۵ عدد لوبیای فاسد شده چه کارهایی می توان انجام داد ؟
			۴- اگر روزی خرگوش ها در هوا پرواز کنند چه می شود ؟
			۵- اگر یک قطره باران بودی چه می کردی ؟

۶- با کمک ۵ شکل زیر تصویر مورد علاقه ات را رسم کن .



۷- با اضافه کردن خطوط و نقاطی به هر یک از دایره ها ، از آن ها تصویر مورد علاقه ات را بساز. (تصاویر تکراری نباشد) .

(پیوست ۲)

به نام خدا

:

:

:

:

:

(x)

به نام خدا

میزان استفاده				سوال ها
خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱- در سال جاری برای تدریس درس های جدید تا چه حد از روش «سخنرانی» استفاده کرده اید؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲- در سال جاری برای تدریس مفهوم «تکتیورورد» به دانش آموزان تا چه حد از روش «سخنرانی» استفاده کرده اید؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳- در سال جاری برای تدریس مفهوم «بلندتر و کوتاهتر» به دانش آموزان تا چه حد از روش «سخنرانی» استفاده کرده اید؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴- در سال جاری در کلاس شما هنگام تدریس دروس جدید تا چه حد دانش آموزان فعال بوده اند؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵- در سال جاری برای تدریس دروس جدید « علوم » تا چه حد از روش های غیر از روش « سخنرانی » همچون پرسش و پاسخ ، بحث گروهی یا روشهای اکتشافی دیگر استفاده کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۶- در سال جاری برای تدریس دروس جدید « فارسی » تا چه حد از روش های غیر از روش « سخنرانی » همچون پرسش و پاسخ ، بحث گروهی یا روشهای اکتشافی دیگر استفاده کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۷- در سال جاری هر گاه خواسته اید دانش آموزان از رفتار خلاف خود دست بکشند تا چه حد دانش آموزانی که رفتار خلافی نداشته اند را تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۸- در سال جاری هر گاه خواسته اید دانش آموزان از رفتار خلاف خود دست بکشند آیا به دانش آموزانی که رفتار خلافی نداشته اند جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۹- در سال جاری اگر از دانش آموزی رفتار خلافی سر می زد آیا او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۰- در سال جاری اگر از دانش آموزی رفتار خلافی سر می زد آیا او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۱- در سال جاری اگر از دانش آموزی رفتار خلافی سر می زد آیا او را جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۲- در سال جاری وقتی می خواستید دانش آموزی رفتار خویش را همچنان ادامه دهد آیا او را تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۳- در سال جاری وقتی می خواستید دانش آموزی رفتار خویش را همچنان ادامه دهد آیا او را جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۴- در سال جاری وقتی می خواستید دانش آموزی رفتار خویش را همچنان ادامه دهد آیا دانش آموزانی را که رفتار خوبی نداشته اند تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۵- در سال جاری وقتی می خواستید دانش آموزی رفتار خویش را همچنان ادامه دهد آیا دانش آموزانی را که رفتار خوبی نداشته اند جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۶- در سال جاری اگر دانش آموزی با دانش آموزان دیگر دعوا می کرد و او مقصر می بود تا چه حد او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۷- در سال جاری اگر دانش آموزی با دانش آموزان دیگر دعوا می کرد و او مقصر می بود تا چه حد او را تنبیه کلامی می کردید ؟
سوال ها				میزان استفاده
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بسیار زیاد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	زیاد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کم
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	خیلی کم
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۸- در سال جاری اگر دانش آموزی با دانش آموزان دیگر دعوا می کرد و او مقصر می بود تا چه حد او را جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۹- - در سال جاری اگر دانش آموزی تکالیفش را انجام نمی داد آیا او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۰- - در سال جاری اگر دانش آموزی تکالیفش را انجام نمی داد آیا او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۱- در سال جاری اگر دانش آموزی تکالیفش را انجام نمی داد آیا او را جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۲- در سال جاری اگر دانش آموزی تکالیفش را انجام نمی داد آیا برای تغییر رفتارش هنگامی که تکالیفش را انجام می داد او را تشویق کلامی می کردید ؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۳- در سال جاری اگر می خواستید دانش آموزی درسهایش را بیشتر بخواند آیا او را تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۴- در سال جاری اگر می خواستید دانش آموزی درسهایش را بیشتر بخواند آیا او را جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۵- در سال جاری اگر می خواستید دانش آموزی درسهایش را بیشتر بخواند آیا او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۶- در سال جاری اگر می خواستید دانش آموزی درسهایش را بیشتر بخواند آیا او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۷- در سال جاری اگر دانش آموزی درسهایش را نمی خواند آیا او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۸- در سال جاری اگر دانش آموزی درسهایش را نمی خواند آیا او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۹- در سال جاری اگر دانش آموزی درسهایش را نمی خواند آیا دانش آموزانی را که درس های خود را خوانده اند تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۰- در سال جاری اگر دانش آموزی درسهایش را نمی خواند آیا دانش آموزانی را که درس های خود را خوانده اند جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۱- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۲- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۳- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت او را جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۴- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت آیا سایر دانش آموزانی را که نمره خوب گرفته اند تشویق کلامی می کردید ؟

میزان استفاده				سوال ها
خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۵- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت آیا سایر دانش آموزانی را که نمره خوب گرفته اند جایزه می دادید ؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۶- در سال جاری برای این که دانش آموزان را ترغیب به شروع کار خوب بکنید آیا دانش آموزانی که رفتار خوبی داشته اند تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۷- در سال جاری برای این که دانش آموزان را ترغیب به شروع کار خوب بکنید آیا دانش آموزانی که رفتار خوبی داشته اند جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۸- در سال جاری اگر دانش آموز خوبی فقط در امتحانهایش نمره پایینی می گرفت آیا او را سرزنش می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۹- در سال جاری برای امتیاز دادن به دانش آموزان تا چه حد نتایج امتحان را ملاک قرار می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۰- در سال جاری اگر دانش آموزان در امتحانات نمره پایینی می گرفتند تا چه حد آن ها را مواخذه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۱- در سال جاری برای اینکه دانش آموزان در امتحانات نمره پبالایی بگیرند تا چه حد آن ها را تشویق می کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۲- آیا در سال جاری رفتارها و اهداف دیگری غیر از امتحان برایتان اهمیت داشت ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۳- در سال جاری برای تفهیم مطالب به دانش آموزان تا چه حد کتاب غیر درسی ملاک قرار دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۴- در سال جاری برای تدریس مطالب درسی تا چه حد به مطالب کتاب اکتفا نموده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۵- در سال جاری برای تفهیم مطالب به دانش آموزان تا چه حد کتاب غیر درسی را مورد استفاده قرار داده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۶- در سال جاری تا چه حد دانش آموزان را ترغیب کردید از کتابهای غیر درسی نیز استفاده کنند ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۷- در سال جاری برای تفهیم مطالب به دانش آموزان تا چه حد فیلم و CD های آموزشی یا روشهایی از این قبیل را مورد استفاده قرار داده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۸- در سال جاری در امتحانات دروس فارسی ، ریاضی و علوم تا چه حد مطالب کتاب درسی شان اکتفا کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۹- در سال جاری در امتحانات دروس فارسی ، ریاضی و علوم آیا از مطالب غیر درس استفاده کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵۰- در سال جاری آیا پاسخ دانش آموزان به سوالهایی که شما می پرسیدید باید کاملا مطابق کتاب درسی می بود ؟

منابع

- خلاقیت و شیوه های پرورش آن در دانش آموزان

- ۲- اشتری ، ابوالفضل ؛ ۱۳۸۰؛
پایان نامه کارشناسی ارشد ،
ماهنامه نگاه ، سال نهم آبان .
- ۳- الوانی ، سید مهدی ؛ ۱۳۷۳؛
نشر نی .
- ۴- برجیت ، رایت ؛
ترجمه بهزاد رحمتی .
- ۵- بیانی ، احمد ؛ ۱۳۷۸؛
انتشارات رهیافت .
- ۶- برات ، نگین ؛ ۱۳۸۲ ؛
روزنامه همشهری ، ۲۹ مهر .
- ۷- پوران نژاد ، ربابه ؛ ۱۳۷۶ ؛
پایان نامه کارشناسی ارشد ، مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان .
- ۸- پی پرسیس ، هوپرت زائوی ؛ ۱۳۷۹ ؛
ترجمه محمد حسین سروری ، نشر عابد .
- ۹- پیر خائفی ، علیرضا ؛ ۱۳۷۷ ؛
مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی .
- ۱۰- جعفریان سیار ، حمید ؛ ۱۳۷۹ ؛
رشد معلم ، سال نوزدهم ، انتشارات دفتر کمک آموزشی .
- ۱۱- جلیلی ، منصوره ؛ ۱۳۸۲ ؛
پایان نامه
کارشناسی ارشد ، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت برنامه ریزی .
- ۱۲- حسینی ، افضل السادات ؛ ۱۳۷۶ ؛
رشد معلم .
- ۱۳- خوشنویس ؛ ۱۳۸۳ ؛
ماهنامه تدبیر ، سال پانزدهم ، شماره ۱۳۲ .
- ۱۴- درویس ، جی شل کراس ؛ ۱۳۶۹ ؛
ترجمه محمد
جوادیان ، انتشارات آستان قدس .

- ۱۵-زراعتی ، حسین ؛ ۱۳۷۶ ؛
؛ روزنامه همشهری ، چهارشنبه ۲۲ تیرماه .
- ۱۶-سلیمی باهر ، حسین ؛ ۱۳۷۵ ؛
؛ مجله تربیت ، شماره ۶ .
- ۱۷-سیف نراقی ، مریم و نادری ، عزت الله ؛ ۱۳۷۸ ؛
؛ انتشارات بدر .
- ۱۸-حمد آقایی ، جلیل ؛ ۱۳۸۳ ؛ خلاقیت رمز بقای سازمانهای نوین ؛ ماهنامه تدبیر ، شماره ۱۴۲ .
- ۱۹-فرمیهدنی فراهانی ، محسن ؛ ۱۳۷۸ ؛
؛ انتشارات اسرار دانش .
- ۲۰-قاسم زاده ، حسن ؛ ۱۳۷۱ ؛
؛ انتشارات نیلوفر ، مترجم .
- ۲۱-قاسم زاده ، حسن ؛ ۱۳۷۲ ؛
؛ نشر دنیای نو ، مترجم .
- ۲۲-قاسم زاده ، حسن و عظیمی ، پروین ؛ ۱۳۷۷ ؛
؛ نشر دنیای نو ، مترجم .
- ۲۳-غلام پور ، عباس ؛ ۱۳۷۹ ؛
؛ فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش ،
دوره هشتم .
- ۲۴-کردی ، عبدالرضا ؛ ۱۳۷۹ ؛
؛ دفتر آموزش وزارت آموزش و پرورش .
- ۲۵-کریمی ، عبدالعظیم ؛ ۱۳۷۳ ؛
؛ فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش ،
سال سوم ، شماره ۲ .
- ۲۶-کوه بنایی ؛ ۱۳۸۲ ؛
؛ روزنامه اعتماد ، ۲۱ اسفند .
- ۲۷-محمد حسین ، لیلی و حائری زاده ، خیریه بگم ؛ ۱۳۸۰ ؛
؛ موسسه منظومه خرد .
- ۲۸-مرعشی ، سید منصور ؛ ۱۳۷۹ ؛
؛ ماهنامه تکنولوژی آموزشی .
- ۲۹-متقی ، شکوفه ؛ ۱۳۸۱ ؛
؛ پایان نامه کارشناسی ارشد .

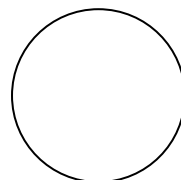
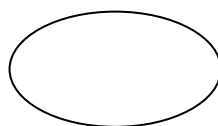
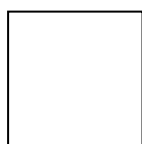
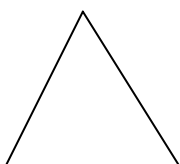
- ۳۰- میرزا آقایی ، حمید ؛ ۱۳۸۲ ؛
روزنامه اعتماد ، شماره ۳۶۴ .
- ۳۱- میرزا آقایی ، حمید ؛ ۱۳۸۱ ؛
روزنامه اعتماد ، سوم دی ماه .
- ۳۲- میرزا آقایی ، حمید ؛ ۳۸۲ ؛
روزنامه اعتماد ، ۱۴ مهرماه .

پیوست (۱) پرسشنامه سنجش خلاقیت دانش آموزان

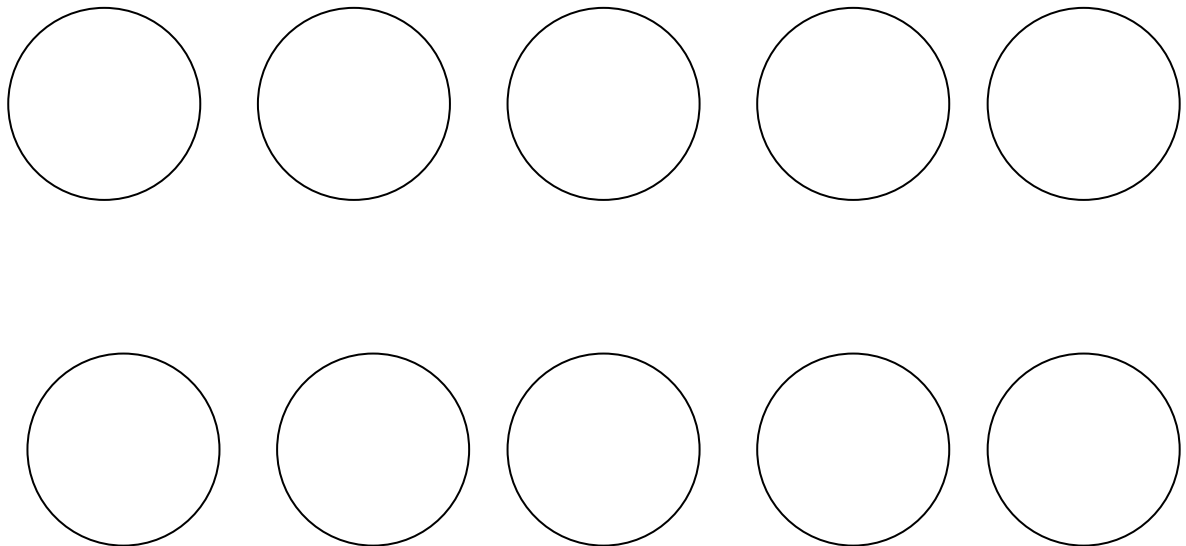
به نام خدا

نمره گذاری			سوالها
			۱- از یک کاغذ نوشته شده چه استفاده هایی می توان کرد ؟
			۲- از یک شیشه شکسته چه استفاده هایی می توان کرد ؟
			۳- با ۵ عدد لوبیای فاسد شده چه کارهایی می توان انجام داد ؟
			۴- اگر روزی خرگوش ها در هوا پرواز کنند چه می شود ؟
			۵- اگر یک قطره باران بودی چه می کردی ؟

۶- با کمک ۵ شکل زیر تصویر مورد علاقه ات را رسم کن .



۷- با اضافه کردن خطوط و نقاطی به هر یک از دایره ها ، از آن ها تصویر مورد علاقه ات را بساز. (تصاویر تکراری نباشد) .



(پیوست ۲)

به نام خدا

:

:

(x)

به نام خدا

میزان استفاده				سوال ها
خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱- در سال جاری برای تدریس درس های جدید تا چه حد از روش «سخنرانی» استفاده کرده اید؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲- در سال جاری برای تدریس مفهوم «تکثیرورشد» به دانش آموزان تا چه حد از روش «سخنرانی» استفاده کرده اید؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳- در سال جاری برای تدریس مفهوم «بلندتر و کوتاهتر» به دانش آموزان تا چه حد از روش «سخنرانی» استفاده کرده اید؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴- در سال جاری در کلاس شما هنگام تدریس دروس جدید تا چه حد دانش آموزان فعال بوده اند؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵- در سال جاری برای تدریس دروس جدید « علوم » تا چه حد از روش های غیر از روش « سخنرانی » همچون پرسش و پاسخ ، بحث گروهی یا روشهای اکتشافی دیگر استفاده کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۶- در سال جاری برای تدریس دروس جدید « فارسی » تا چه حد از روش های غیر از روش « سخنرانی » همچون پرسش و پاسخ ، بحث گروهی یا روشهای اکتشافی دیگر استفاده کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۷- در سال جاری هر گاه خواسته اید دانش آموزان از رفتار خلاف خود دست بکشند تا چه حد دانش آموزانی که رفتار خلافی نداشته اند را تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۸- در سال جاری هر گاه خواسته اید دانش آموزان از رفتار خلاف خود دست بکشند آیا به دانش آموزانی که رفتار خلافی نداشته اند جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۹- در سال جاری اگر از دانش آموزی رفتار خلافی سر می زد آیا او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۰- در سال جاری اگر از دانش آموزی رفتار خلافی سر می زد آیا او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۱- در سال جاری اگر از دانش آموزی رفتار خلافی سر می زد آیا او را جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۲- در سال جاری وقتی می خواستید دانش آموزی رفتار خویش را همچنان ادامه دهد آیا او را تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۳- در سال جاری وقتی می خواستید دانش آموزی رفتار خویش را همچنان ادامه دهد آیا او را جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۴- در سال جاری وقتی می خواستید دانش آموزی رفتار خویش را همچنان ادامه دهد آیا دانش آموزانی را که رفتار خوبی نداشته اند تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۵- در سال جاری وقتی می خواستید دانش آموزی رفتار خویش را همچنان ادامه دهد آیا دانش آموزانی را که رفتار خوبی نداشته اند جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۶- در سال جاری اگر دانش آموزی با دانش آموزان دیگر دعوا می کرد و او مقصر می بود تا چه حد او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۷- در سال جاری اگر دانش آموزی با دانش آموزان دیگر دعوا می کرد و او مقصر می بود تا چه حد او را تنبیه کلامی می کردید ؟
میزان استفاده				سوال ها
خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۸- در سال جاری اگر دانش آموزی با دانش آموزان دیگر دعوا می کرد و او مقصر می بود تا چه حد او را جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۹- - در سال جاری اگر دانش آموزی تکالیفش را انجام نمی داد آیا او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۰- - در سال جاری اگر دانش آموزی تکالیفش را انجام نمی داد آیا او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۱- در سال جاری اگر دانش آموزی تکالیفش را انجام نمی داد آیا او را جریمه می کردید ؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۲- در سال جاری اگر دانش آموزی تکالیفش را انجام نمی داد آیا برای تغییر رفتارش هنگامی که تکالیفش را انجام می داد او را تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۳- در سال جاری اگر می خواستید دانش آموزی درسهایش را بیشتر بخواند آیا او را تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۴- در سال جاری اگر می خواستید دانش آموزی درسهایش را بیشتر بخواند آیا او را جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۵- در سال جاری اگر می خواستید دانش آموزی درسهایش را بیشتر بخواند آیا او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۶- در سال جاری اگر می خواستید دانش آموزی درسهایش را بیشتر بخواند آیا او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۷- در سال جاری اگر دانش آموزی درسهایش را نمی خواند آیا او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۸- در سال جاری اگر دانش آموزی درسهایش را نمی خواند آیا او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۹- در سال جاری اگر دانش آموزی درسهایش را نمی خواند آیا دانش آموزانی را که درس های خود را خوانده اند تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۰- در سال جاری اگر دانش آموزی درسهایش را نمی خواند آیا دانش آموزانی را که درس های خود را خوانده اند جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۱- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت او را تنبیه کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۲- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت او را تنبیه جسمی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۳- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت او را جریمه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۴- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت آیا سایر دانش آموزانی را که نمره خوب گرفته اند تشویق کلامی می کردید ؟

میزان استفاده				سوال ها
خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۵- در سال جاری اگر دانش آموزی نمره درسی اش را کم می گرفت آیا سایر دانش آموزانی را که نمره خوب گرفته اند جایزه می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۶- در سال جاری برای این که دانش آموزان را ترغیب به شروع کار خوب بکنید آیا دانش آموزانی که رفتار خوبی داشته اند تشویق کلامی می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۷- در سال جاری برای این که دانش آموزان را ترغیب به شروع کار خوب بکنید آیا دانش آموزانی که رفتار خوبی داشته اند جایزه می دادید ؟

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۸- در سال جاری اگر دانش آموز خوبی فقط در امتحانهایش نمره پایینی می گرفت آیا او را سرزنش می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۹- در سال جاری برای امتیاز دادن به دانش آموزان تا چه حد نتایج امتحان را ملاک قرار می دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۰- در سال جاری اگر دانش آموزان در امتحانات نمره پایینی می گرفتند تا چه حد آن ها را مواخذه می کردید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۱- در سال جاری برای اینکه دانش آموزان در امتحانات نمره پبالایی بگیرند تا چه حد آن ها را تشویق می کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۲- آیا در سال جاری رفتارها و اهداف دیگری غیر از امتحان برایتان اهمیت داشت ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۳- در سال جاری برای تفهیم مطالب به دانش آموزان تا چه حد کتاب غیر درسی ملاک قرار دادید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۴- در سال جاری برای تدریس مطالب درسی تا چه حد به مطالب کتاب اکتفا نموده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۵- در سال جاری برای تفهیم مطالب به دانش آموزان تا چه حد کتاب غیر درسی را مورد استفاده قرار داده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۶- در سال جاری تا چه حد دانش آموزان را ترغیب کردید از کتابهای غیر درسی نیز استفاده کنند ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۷- در سال جاری برای تفهیم مطالب به دانش آموزان تا چه حد فیلم و CD های آموزشی یا روشهایی از این قبیل را مورد استفاده قرار داده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۸- در سال جاری در امتحانات دروس فارسی ، ریاضی و علوم تا چه حد مطالب کتاب درسی شان اکتفا کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴۹- در سال جاری در امتحانات دروس فارسی ، ریاضی و علوم آیا از مطالب غیر درس استفاده کرده اید ؟
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵۰- در سال جاری آیا پاسخ دانش آموزان به سوالهایی که شما می پرسیدید باید کاملاً مطابق کتاب درسی می بود ؟